

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۴۰۳

Ma'rifat-i Shi'a (Shi'a Knowledge)
A bi-Quarterly Research Journal

مدیر مسئول: سید مهدی علیزاده موسوی

هیئت تحریریه:

رضا برنجکار

استاد دانشگاه تهران، گروه فلسفه و کلام

امداد توران

استاد یار دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی،
گروه فرق تشیع

محمد حسن زمانی

استاد یار جامعه المصطفی، گروه قرآن و
حدیث

محمد تقی سبحانی

رئیس بنیاد فرهنگی امامت (ع)

رضا مختاری

رئیس موسسه کتابشناسی شیعه

سید ابوالحسن نواب

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی

سردبیر: سید حامد علی زاده موسوی

دبیر تحریریه: محمد علی سلیمانی

صفحه آرا: نادر برقی

طراح جلد: مرتضی فتح اللهی

شماره مجوز: ۸۳۱۵۴

نشانی: قم، خیابان شهید فاطمی

(دور شهر)، کوچه ۱۹، پلاک ۲۷

کد پستی: ۳۷۱۵۶۵۵۷۵۶

سامانه ارتباط مجازی (ایتا، تلگرام):

۰۹۰۵۲۹۹۵۳۴۱

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

آدرس الکترونیکی:

marefatshia@gmail.com

سایت:

www.Shiaknowledge.com

فراخوان

اساتید و پژوهشگران محترم می‌توانند با ارسال مقالات خود در حوزه مباحث و موضوعات کاربردی و جدید شیعه و با رویکرد اطلاع‌رسانی و در چارچوب ضوابط با دو فصلنامه همکاری بفرمایند.

راهنمای تدوین، تنظیم و ارسال مقالات

● ساختار کلی مقاله

■ الف) نحوه تدوین متن مقاله

- **عنوان مقاله:** عنوان مقاله گویا و رسا و ناظر به محتوای مقاله باشد.
- **مشخصات نویسنده:** نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، تحصیلات، رشته تحصیلی، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی.
- **چکیده:** عصاره مقاله است و بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه باشد. لازم به ذکر است که مقالات با توجه به ماهیتشان می‌توانند فاقد چکیده باشند.
- **واژگان کلیدی:** حداقل سه واژه کلیدی که نقش محوری در متن اصلی مقاله دارد.
- **مقدمه:** شامل خلاصه‌ای از بیان مسئله، اهمیت، اهداف و پیشینه موضوع.
- **بدنه اصلی مقاله:** در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است ابتدا ابعاد و زوایای مسئله به صورت دقیق توصیف و تبیین گردد و سپس مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.
- **نتیجه‌گیری:** بیان یافته‌های حاصل از پژوهش و ارائه راهکارها و راهبردها.
- **ارجاعات:** با توجه به اینکه مقالات این مجله با رویکردی کاربردی و برگرفته از منابع به روز و اینترنتی می‌باشد، بدین رو ارجاعات در این مقاله به صورت پاورقی می‌باشد.

دو فصلنامه علمی معرفت شیعه / ۵

سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۴۰۳

Vol. 3, Spring and Summer 2024, No 5

✦ **فهرست منابع:** نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب، شماره جلد، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر، سال.

■ (ب) اصول صفحه بندی و نگارش مقاله:

تعداد صفحات مقالات حداقل ۷ و حداکثر ۱۵ صفحه باشد و با رعایت موارد زیر قابل ارزیابی می باشند:

✦ مقاله باید در محیط نرم افزار آفیس ۲۰۰۷ و ویرایش های بالاتر از آن تایپ شود.

✦ اندازه ها از حاشیه صفحه:

بالای صفحه ۳ سانتی متر، پایین صفحه ۵/۲ سانتی متر، سمت چپ صفحه ۵/۲ سانتی متر، سمت راست صفحه ۵/۲ سانتی متر.

■ (ج) نکات مهم

✦ مقاله های ارسالی نباید در هیچ کتاب یا مجله دیگری چاپ شده باشد و یا به طور همزمان برای کنفرانس ها و همایش های داخلی و خارجی ارسال شده باشند.

✦ مقالات دریافت شده عودت داده نمی شوند.

✦ در این دو فصلنامه مقالاتی انتشار می یابد که در زمینه شیعه و با رویکردی کاربردی و با توجه به مسائل و مباحث روز جهان تشیع نگاشته شده باشند.

✦ چاپ مقاله در دو فصلنامه منوط به تایید داوران بوده و دو فصلنامه در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی آزاد است.

✦ نسخه word و pdf مقاله باید به پست الکترونیکی marefatshia@gmail.com و یا از طریق پایگاه اینترنتی www.shiaknowledge.com ارسال شود.

✦ نامه پذیرش مقاله صرفا پس از انجام اصلاحات مورد نظر ارزیابان توسط نویسنده، ارسال خواهد شد.

✦ مقالات رسیده توسط سردبیر بررسی و پس از تایید ارزیابان برای چاپ آماده ارسال می شود.

✦ دیدگاه ها و اطلاعات موجود در مقالات لزوما مورد تایید مجله نبوده و مسئولیت مقالات بر عهده نویسندگان می باشد.

دو فصلنامه علمی معرفت شیعه/ ۵

سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۴۰۳

فهرست مطالب

- ۷ سرمقاله
- ۱۱ ظرفیت پژوهی پروژه فقه، مرجعیت و آموزش در شیعه امامیه، دانشگاه اکستر
سید حامد علیزاده موسوی
- ۲۹ آسیب‌ها و راهکارهای مقابله با اختلاف درون شیعی در گفت‌وگو با حجت الاسلام
والمسلمین دکتر محمد مسجد جامعی
- ۴۵ از سنت‌گرایی اروپایی تا تشیع ایتالیایی
کامران محمد حسینی
- ۶۱ جایگاه مرکز اسلامی امام علی علیه السلام هامبورگ در مقوله چندگانگی فرهنگی در آلمان
رضا کاظمی‌راد / سید محسن آل بتول
- ۸۵ ظهور نواستشراق در مطالعات شیعه‌شناختی در آمریکا از منظر پرفسور عبدالعزیز ساشادینا
رسول نوروزی فیروز
- ۹۳ گزارشی از کتاب «تفسیر معاصرانه قرآن کریم»
مرتضی فلاح زیارانی
- ۱۰۷ آشنایی با شیعه پژوهان: آندره نیومن
- ۱۱۵ چکیده‌های عربی
- 1 چکیده‌های انگلیسی



سرمقاله شیعه و فرهنگ اقلیت

چکیده

شیعیان اثنی عشری، به عنوان دومین مذهب بزرگ جهان اسلام، در مقایسه با اهل سنت در سطح جهانی و در بسیاری از کشورها اقلیت محسوب می‌شوند. این اقلیت‌ها در معرض آسیب‌ها و چالش‌هایی قرار دارند که نیازمند شناخت و ارائه راهکارهای مناسب برای حفظ هویت و موجودیت آن‌ها در میان اکثریت است. مقاله حاضر به بررسی عوامل مؤثر در بقا و تقویت جوامع اقلیت شیعه می‌پردازد. نخست، تأکید می‌شود که جامعه اکثریت نباید احساس تهدید از سوی اقلیت داشته باشد، زیرا این امر می‌تواند واکنش‌های منفی و سخت‌گیرانه را به دنبال داشته باشد. دوم، حضور فعال و مؤثر اقلیت در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه برای بقا و رشد آن‌ها ضروری است. سوم، ایجاد خودآگاهی مذهبی در میان اقلیت، عاملی کلیدی در حفظ هویت و انتقال معارف دینی به نسل‌های آینده است. چهارم، حفظ وحدت و اجتناب از شکاف‌های فکری و عقیدتی در درون جامعه اقلیت، آن‌ها را در برابر تهدیدها مصون می‌سازد. پنجم، ارتباط و تعامل میان جوامع شیعه در سراسر جهان و چاره‌اندیشی برای مشکلات آن‌ها اهمیت بسزایی دارد. ششم، انقلاب اسلامی ایران با ارائه چهره‌ای قدرتمند و مدافع مظلومان از شیعه، جایگاه آن را در میان مسلمانان جهان ارتقا داده است. در نهایت، مقاله تأکید می‌کند که شیعه با تکیه بر آموزه‌های قرآن، سنت و اهل بیت علیهم‌السلام باید چهره‌ای عقلانی، پیشرو و تمدنی از خود ارائه دهد تا بتواند در دنیای امروز، معنای نوینی را عرضه کند.

واژگان کلیدی: شیعه، اقلیت، اهل سنت، جامعه



شیعیان اثنی عشری به عنوان دومین مذهب بزرگ جهان اسلام، نسبت به اهل سنت اقلیت شمرده می‌شوند. در میان قریب ۵۰ کشور با اکثریت مسلمان، تنها ایران، عراق، بحرین، آذربایجان و تا حدودی لبنان، دارای اکثریت شیعه هستند. البته قطب‌های جمعیتی شیعه در کشورهایمانند هند - به عنوان دومین قطب جمعیتی شیعه بعد از ایران - و کشورهای پاکستان، عربستان، افغانستان و کویت را نیز نباید نادیده گرفت. اگر شیعیان زیدی و اسماعیلی را نیز اضافه کنیم، از مناطقی مانند یمن، پاکستان، افغانستان، هند و برخی مناطق دیگر نیز باید نام ببریم. در اینکه شیعیان در جهان چه تعداد هستند، آمار دقیقی وجود ندارد و مؤسسات مختلف آمار مختلفی از ۱۰ تا ۱۳ و ۲۵ درصد ارائه داده‌اند، اما واقعیتی که وجود دارد چه شیعیان اثنی عشری را به تنهایی حساب آوریم و چه همراه با شیعیان زیدی و اسماعیلی، شیعیان نسبت به اهل سنت، اقلیت شمرده می‌شوند. اقلیت شیعه هم در مقیاس جهانی نسبت به کل مسلمانان قابل بررسی است و هم در داخل کشورهای مختلف و با توجه به ویژگی‌های کشورهای، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. البته برخی از این جوامع از نظر جمعیتی بسیار کوچک‌اند که اقلیت مطلق شمرده شده و به همین سبب، بسیار آسیب‌پذیر و شکننده‌اند.

در این میان، جامعه اقلیت معمولاً با آسیب‌ها و چالش‌هایی روبرو است که اگر به درستی شناسایی نشده و سپس راهبردها و راهکارهای مناسب برای آن‌ها ارائه نشود، با مشکلات اساسی روبرو خواهد شد. بنابراین امروز با واژه‌ای با نام «فرهنگ اقلیت» در ادبیات سیاسی و جامعه‌شناسی روبرو هستیم. واژه‌ای که در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که اقلیت در میان اکثریت چگونه می‌تواند هویت و موجودیت خود را حفظ کند؟ در این میان برخی از متغیرها نقش اساسی در حفظ موجودیت و گسترش یک اندیشه دارد که در این مجال ناظر به مسائل شیعه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

نخست: جامعه اکثریت نباید چنین تصور کند که مرزهای اعتقادی اش توسط اقلیت تهدید می‌شود. چنین احساسی، مسلماً واکنش پیروان اکثریت به ویژه افراط‌گرایان را در پی خواهد داشت. به ویژه آنکه بسیاری از دشمنان شیعه به دنبال بهانه برای دامن زدن به چنین تبلیغاتی هستند. مباحثی از قبیل مد شیعی یا هلال شیعی و یا بدر شیعی که توسط دشمنان به آن دامن زده می‌شود، موجب تحریک احساسات اکثریت غیر شیعی شده و گاه حوادثی را مانند آنچه در مصر در شهادت شیخ حسن شحاته و یا در بنگلادش در حمله به مساجد و حسینیه‌های شیعه



و یا آنچه در نیجریه در حمله به جمع شیعیان روی داد، رقم خواهد زد و یا قوانین سخت گیرانه ای مانند آنچه در مالزی، مصر، کویت و... تصویب شده را دامن خواهد زد.

اما اینکه چه عواملی سبب پدید آمدن احساس دغدغه در اکثریت خواهد شد، نیاز به بررسی دیگری دارد که از آن جمله افراط گرایی مذهبی همانند اهانت به مقدسات اکثریت، تبلیغات بی برنامه و اغراق در قابلیت ها و توانمندی های شیعه، جدایی و عدم ارتباط با اکثریت در حوزه های فرهنگی، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی است.

دوم: اقلیت برای بقا ناگزیر است که در ساختار قدرت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه حضور جدی داشته باشد. بنابراین یکی از مهم ترین عوامل بقا و رشد اقلیت، ارتقای دانش، تقویت بنیه اقتصادی و حضور جدی در هرم قدرت است. هرچه اقلیت گرفتار فقر فرهنگی، اقتصادی و سیاسی باشد، نه تنها از سوی اکثریت آسیب پذیرتر خواهد شد، بلکه خود نیز رفته رفته هویت فرهنگی و اعتقادی اش را از دست خواهد داد و در فرهنگ اکثریت ذوب خواهد شد.

سوم: ایجاد خود آگاهی مذهبی نیز یکی از محورهای مهم بقا و تقویت اقلیت است. به عنوان نمونه جامعه شیعه عربستان در دهه های گذشته علی رغم فشارهای بسیار و شهادت و زندانی شدن بسیاری از رهبران و فعالان خود، توانسته است به نوعی خود آگاهی مذهبی برسد به گونه ای که نیازمند تقویت از خارج نیست و انتقال فرهنگ و معارف شیعه را به صورت بومی به نسل بعدی خود منتقل می کند. بارها در کشور عربستان با جوانان شیعه روبرو شده ام که آگاهی های مذهبی آن ها در جامعه ای به شدت خفقانی مرا به شگفتی انداخته است. حتی جمله ای از ملک عبدالله - پادشاه پیشین عربستان - نقل است که گفته است همان گونه که شیعه در عربستان به خود آگاهی مذهبی و هویتی رسیده است، باید تلاش کنیم اهل سنت ایران نیز به چنین جایگاهی برسند. البته مسلماً هدف وی نه اهل سنت، بلکه وهابیت بوده است.

چهارم: جامعه اقلیت هنگامی می تواند به بقای خود ادامه دهد که در درون خود نیز گرفتار شکاف های فکری و عقیدتی نباشد و وحدت خود را حفظ کند. اقلیتی که گرفتار فضای اختلاف - به ویژه در میان رهبران دینی - باشد، طعمه ای آماده برای دشمنان خواهد بود. وضعیتی که در بسیاری از کشورهای مختلف اسلامی با اقلیت شیعه قابل مشاهده است. این اختلافات که بسیاری از آن ها سطحی است مانند اختلافات قومی، گرایش ها و علایق مذهبی، وابستگی به خیرین و... با درایت و برنامه ریزی قابل مدیریت است. اما انحرافات درون شیعی که گاه کیان تشیع را هم در داخل جامعه شیعه تهدید می کند و هم چهره ای مشوه از شیعه را به دیگران ارائه می دهد، خطری اساسی برای جوامع شیعه شمرده می شود. به عنوان نمونه جریان های عوامانه



اخباری گری، جریان های انحرافی موعودگرایی، جریان های صوفیانه، روشنفکران نوگرای دینی و... از مشکلاتی است که به تدبیر و برنامه ریزی عقلای قوم نیاز دارد.

پنجم: ارتباط میان جوامع شیعه در سراسر دنیای یکی از مهم ترین راهکارها برای تقویت و حفظ جوامع اقلیت شیعه است. اینکه شیعیان از احوال برادران و خواهران خود در گوشه و کنار جهان مطلع باشند و در برابر تهدیدها و آسیب های آنان چاره جویی کنند، اهمیت بسیاری دارد. البته داشتن سازوکاری مناسب برای تعامل میان جوامع شیعه، ضروری است. چه اینکه گاه مشاهده می شود که برخی با ارتباطات شخصی با خیرین، در اموری هزینه می کنند که هیچ ضرورتی ندارد در حالی که برخی از مناطق دیگر به شدت نیازمند کمک های اولیه هستند.

ششم: در نهایت در دهه های اخیر به برکت انقلاب اسلامی ایران و ایستادگی غیورانه آن در برابر دشمنان اسلام از جمله آمریکا و اسرائیل، جایگاه شیعه در میان عموم مسلمانان جهان تقویت شده است و چهره ای قدرتمند، مدافع مظلومان و ضد استکبار، از شیعه ارائه کرده است. امروز به خوبی مسلمانان جهان دریافته اند که همان اندازه که جمهوری اسلامی ایران با محوریت آموزه های شیعه ضد استعمار و استکبار و حامی مستضعفان است، به شدت نگاه تقریبی و امت گرایانه دارد و در راستای احیای تمدن اسلامی گام برمی دارد و شیعه مانند تکفیری ها، دست خود را به خون سایر مسلمانان و بی گناهان عالم آلوده نکرده است. حتی افراطی ترین جریان های شیعه نیز حکم به جواز قتل و غارت غیر شیعه نداده اند و نمی توان در میان مراجع شیعه از هر جریان و طیفی فردی را یافت که به اباحه خون مخالف اعتقاد داشته باشد. در حالی که متأسفانه تکفیریان به ناحق خود را به اهل سنت و سلف منسوب می کنند و این ایده را در میان مخالفان تقویت کرده اند که از دل عقاید اهل سنت، تکفیر و خشونت، تولید می شود. تکفیریانی که نه تنها کشتن و غارت شیعیان را مباح می دانند که حتی به همکیشان سنی خود که دیدگاه افراطی آن ها را بر نمی تابند، رحم نمی کنند.

چنین شرایطی اقتضا می کند که شیعه با محوریت آموزه های قرآن، سنت و معارف اهل بیت علیهم السلام، چهره ای عقلانی، پیشرو و تمدنی از خود ارائه دهد تا در این جهان خالی از معنویت، بتواند در پرتو معارف اهل بیت علیهم السلام و بر اساس آموزه های آن ها که «لو علموا الناس محاسن کلامنا لاتبعونا»، معنایی نو را به جهان عرضه کند.



ظرفیت پژوهی پروژه فقه، مرجعیت و آموزش در شیعه امامیه، دانشگاه اکستر

Law, Authority and Learning in Imami Shi'ite Islam

سید حامد علیزاده موسوی^۱

چکیده

پروژه «فقه، مرجعیت و آموزش در اسلام شیعی امامی» یکی از مهم ترین پروژه های تحقیقاتی در حوزه مطالعات شیعی در غرب است که در دانشگاه اکستر انگلستان انجام شده است. این پروژه پنج ساله با نظارت مرکز پژوهش های اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲ به بررسی و اصلاح بنیادین پژوهش های آکادمیک در فقه اسلامی و موسسات مربوط به آن پرداخته است. اهداف اصلی این پروژه عبارتند از: فهم ساختار عقلی و عملیاتی نظام فقهی اسلامی در قرن ۲۰ و ۲۱ میلادی؛ به چالش کشیدن تمرکز صرف بر تحولات فقهی مسلمانان سنی و تولید آثار پژوهشی پیشرفته درباره سنت های فقهی غیر اهل سنت، به ویژه فقه شیعه امامیه؛ بررسی نظریه های مربوط به تشکیل مکاتب فقهی اسلامی، رابطه بین نظریه های فقهی و اصول فقه؛ تبیین دقیق واژه «شریعت» و بررسی روش ها و نظریه هایی که عالمان در مطالعات دینی شان به کار می برند و در نهایت پاسخ به این سوال که آیا فقه شیعی توانایی جایگزینی با سایر مذاهب اسلامی یا مقابله و رویارویی با آن ها را دارد؟ این پروژه با بودجه ای بالغ بر ۲٫۲ میلیون یورو توسط اتحادیه اروپا تأمین شده و توسط پروفیسور رابرت گلیو رهبری می شود. از جمله اعضای علمی و اساتید اصلی این پروژه می توان به کمیل راجانی، رهار فیعی، امین احتشامی، کامرون زرگر، وسام هلوی و سجاد مکیده اشاره کرد. حوزه های پژوهشی این پروژه شامل شناخت سیستم فقهی شیعه و ظرفیت توسعه و تغییر آن، مکتب امامیه، نظریه فقهی/اصول فقه و فتاوا و فقه است. خروجی های این پروژه در قالب کتاب، مقاله و برگزاری سمینارها و کارگاه های آموزشی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: فقه، مرجعیت، شیعه، دانشگاه اکستر، شریعت.



یکی از مهم ترین پروژه های تحقیقاتی در حوزه مطالعات شیعی در غرب، پروژه ای است که در دانشگاه اکستر با عنوان «فقه، مرجعیت و آموزش در اسلام شیعی امامی» انجام شده است. این پروژه با عنوان LAWALISI با نظارت مرکز پژوهش های اتحادیه اروپا^۲ فعالیت داشت که به عنوان یک پروژه پنج ساله به دانشگاه اکستر^۳ واگذار شد. مدت زمان اجرای این پروژه از ابتدای سپتامبر ۲۰۱۶ تا ۲۸ فوریه ۲۰۲۲ م. تعریف شده بود.^۴ این پروژه از مجموعه طرح های افق ۲۰۲۰^۵ است. افق ۲۰۲۰ هشتمین برنامه از مرکز برنامه های چهارچوب توسعه تحقیقاتی و فناوری^۶ اتحادیه اروپا است.



1. <http://www.lawalisi.eu>
2. European Research Council.
3. Exeter university.
4. <https://cordis.europa.eu/project/id/695245/reporting>
5. Horizon 2020.
6. Framework Programs for Research and Technological Development.



زمینه و اهداف کلی پروژه

بنابر سیاست‌ها و اهداف اعلام شده از سوی این پروژه، «فقه، مرجعیت و آموزش در اسلام شیعی امامی» (LAWALISI) به دنبال تغییر و اصلاح بنیادین در پژوهش‌های آکادمیک در فقه اسلامی^۱ و مؤسسه‌های مربوط به آن است و از تحقیق‌های مهم آن، فهم ساختار عقلی و عملیاتی نظام فقهی اسلامی^۲ در قرن ۲۰ و ۲۱ میلادی است. بسیاری از تحقیق‌های انجام شده تا به امروز، بر تحولات فقهی مسلمانان سنی تمرکز دارد. این پروژه با تولید مجموعه‌ای از آثار و پژوهش‌های تحقیقاتی پیشرفته درباره سنت‌های فقهی غیر اهل سنت به ویژه فقه شیعه امامیه، این گرایش عمومی در این زمینه را به چالش می‌کشد. به طور خاص، این پروژه با هدف بررسی موارد زیر در حال فعالیت است:

۱. نظریه‌های مربوط به تشکیل مکاتب فقهی اسلامی؛^۳
۲. رابطه بین نظریه‌های فقهی و اصول فقه؛^۴
۳. هدف از تفسیر فقهی و پدیده تغییر فقهی؛^۵
۴. نقش برنامه آموزشی فقهی و نهاد آموزشی در تأمین و حفظ اصول فقه؛^۶
۵. رابطه بین فقه و حکومت / سیاست در جهان اسلام.^۷

مطالعه‌های انجام شده تا به امروز در هر یک از این زمینه‌ها، زیر نظر منابع اهل سنت بوده است. این پروژه در پی مطالعه قرائت شیعی از این موارد است و هدف آن، اطمینان از آن است تا در تحقیق‌های آینده، طیف وسیع‌تری از منابع توسط محققان استفاده شود. از جمله این اقدام‌ها، تبیین دقیق واژه «شریعت» است. این واژه به صورت گسترده در رسانه و فضای آموزشی به صورت اشتباه به کار می‌رود و بالتبع باعث خطا در پژوهش می‌شود. از دیگر اهداف^۸، بررسی و تبیین روش‌ها و نظریه‌هایی است که عالمان در مطالعه‌های دینی‌شان

1. Islamic law.

2. Islamic legal system.

3. Ideas concerning the formation of the Islamic legal schools.

4. The relationship between legal theory and legal doctrine.

5. The purpose of the legal commentary and the phenomenon of legal change.

6. The role of legal curriculum and educational institution in securing legal doctrine.

7. The relationship between jurisprudence and governance/politics in the Muslim world. V

8. جهت مطالعه اهداف و دستاوردهای این پروژه، ر.ک: <https://cordis.europa.eu/project/id/695245/reporting>.



به کار می‌برند. به عبارت دیگر، این پروژه در پی آن است که با بررسی آرای اسلامی برآمده از منابع اهل سنت و مقایسه آن‌ها با منابع و متون شیعی، به این سؤال پاسخ دهد که آیا فقه شیعی توانایی جایگزینی با سایر مذاهب اسلامی یا مقابله و رویارویی با آن‌ها را دارد؟ برای رسیدن به این هدف، اولین گام معرفی نوآوری‌ها و شاخصه‌های فقه شیعی در مقایسه با فقه اهل سنت دانسته شده است.

بودجه این پروژه مبلغ ۲,۲۱۲,۶۳۸ یورو است که به طور کامل توسط اتحادیه اروپا تأمین شده است.

ریاست پروژه: پروفسور رابرت گلیو



رابرت گلیو، استاد مطالعات عربی و پژوهشگر اصلی پروژه «فقه، مرجعیت و آموزش در اسلام شیعی امامی» است. او یکی از اعضای مرکز مطالعات اسلام (CSI) است و از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ م. مدیر آن بوده است. زمینه‌های تحقیقاتی او شامل اصول فقه اسلامی به ویژه هرمنوتیک فقهی و تاریخ اندیشه و نهادهای فقهی شیعه است. از وی آثار فراوانی در قالب کتاب، بخشی از کتاب و مقاله در حوزه مطالعات شیعی به

چاپ رسیده است. «نسب و ارزش‌های خانوادگی در فقه شیعی پیشامدرن»^۲ و «اصول فقه مدرن شیعی و سنت کلاسیک»^۳ از جمله این آثار است. رساله‌ها و پایان‌نامه‌های شیعی نیز زیر نظر وی نگارش یافته یا در حال نگارش است که از آن جمله می‌توان به «مفهوم‌سازی قدرت در اندیشه محمد حسین فضل‌الله»^۴ و «نظریه مقاصد الشریعه در فقه شیعی: محمد تقی

1. Robert Gleave, r.gleave@exeter.ac.uk/ phone: 72402501392

2. Gleave, "Filiation/nasab and Family Values in Pre-modern Shi'i Law", In (Ed) Filiation and the Protection of Parentless Children, p. 2544-.

3. Gleave, "Modern Shi'ite Legal Theory and the Classical Tradition", In Khan A, Kendall E (Eds.) Reclaiming Islamic Tradition Modern Interpretations of the Classical Heritage, Edinburgh: EUP, p. 1232-.

4. The Conceptualisation of Power in the thought of Muhammad Ḥusayn Faḍalallāh.



مدرسی به عنوان الگو^۱ اشاره کرد.^۲

گلیو همچنین پروژه‌های تحقیقاتی و مطالعاتی دیگری نیز در حوزه مطالعات اسلامی و شیعی را با همکاری سایر دانشگاه‌ها و مراکز و با دریافت بورسیه از مراکز مختلف، راهبری و مدیریت کرده است که از آن جمله، می‌توان «پروژه حوزه درباره فرهنگ و یادگیری در اسلام شیعی» را نام برد.^۳ این پروژه سه ساله (۲۰۰۹ - ۲۰۱۱ م) مشترک بین انجمن بریتانیایی مطالعات خاورمیانه^۴ (BRISMES) و مؤسسه مطالعات فارسی بریتانیا^۵ (BIPS)، تحت حمایت آکادمی بریتانیا^۶ است. این پروژه با عنوان «مرجعیت روحانی در اسلام شیعی؛ حوزه‌های علمی عراق و ایران» و با بودجه کلی ۱۴۲ هزار پوند، کارگاه‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی مرتبط با این موضوع را پوشش داده است. فعالیت این پروژه بین مارس ۲۰۰۹ م. و مارس ۲۰۱۲ م. صورت گرفته است.^۷ این کارگاه‌ها توسط پروفیسور روی متحده^۸ (دانشگاه هاروارد)، پروفیسور سابرینا مروین^۹ (CNRS) و پروفیسور لارنس لوتر^{۱۰} (Sciences-Po) ارائه شده است. «پروژه حوزه درباره فرهنگ و یادگیری در اسلام شیعی» در مارس ۲۰۱۲ م. با یک کنفرانس بزرگ در کالج Keble، آکسفورد به پایان رسید. این پروژه دوباره با برپایی کارگاهی در سال ۲۰۲۰ م. بسیاری از پژوهشگران فعال در آن راکه یک دهه پیش بخشی از شبکه این پژوهش بودند را گرد هم آورد. در این کارگاه، یافته‌های تحقیق به روز و راه‌های نوین تحقیق بررسی شد. رابرت گلیو در این کارگاه ارائه‌کننده مقاله‌ای با عنوان «حوزه و حرم: رابطه علما و حرم»^{۱۱} بود.^{۱۲}

1. The Theory of Maqāṣid al-Sharī‘a in Shī‘ī jurisprudence: Muḥammad Taqī al-Mudarrisī as a Model.

۲. برای آشنایی بیشتر با آثار و فعالیت‌های رابرت گلیو در زمینه مطالعات شیعی و اسلامی، ر.ک:

<https://socialsciences.exeter.ac.uk/iais/staff/gleave/>.

3. The Hawza project on culture and learning in Shi‘ite Islam, 20092013-.

4. British Society for Middle Eastern Studies.

5. The British Institute of Persian Studies.

6. British Academy.

7. www.thehawzaproject.net

8. Roy Mottahedeh.

9. Sabrina Mervin.

10. Laurence Louer.

11. Hawza and Haram: The Scholarly-Shrine Relationship.

12. <https://www.lawalisi.eu/workshops/>



وی به تازگی پژوهش بر روی پروژه‌ای با عنوان «مبانی تشیع مدرن: پایان اخبارگرایی و آغاز اصول‌گرایی»^۱ را آغاز کرده است. این پروژه اولین گزارش جامع از زمان تغییر بنیادی فکر شیعیان مدرن (پیروزی اصولیان بر اخباری‌ها) را ارائه می‌دهد. گلیو در این پروژه که از ژانویه ۲۰۲۳ م. به مدت سه سال به طول خواهد انجامید، از طریق تجزیه و تحلیل دقیق منابع عربی و فارسی - که بسیاری از آن‌ها هنوز نسخه خطی هستند -، در پی آن است که توضیح دهد چگونه در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، یک انقلاب اعتقادی در میان دانشمندان مسلمان شیعه دوازده امامی رخ داده است و علمای اخباری، جایگاه خود را در برابر علمای اصولی از دست دادند. اصولیان معتقد بودند که فقهای واجد شرایط (مجتهدین) دارای امتیاز تفسیری هستند و این پیروزی به این معنا بود که دیگر مرجعیت دینی - فقهی در نخبگان فقهی/علمی (فقها) مستحکم است و این امر تا به امروز نیز حفظ شده و دیدگاه‌های «آیت الله‌ها»^۲ (به اصطلاح «مراجع تقلید») عموماً برای مؤمنان شیعه الزام‌آور شمرده می‌شود.^۳



اعضای علمی و اساتید اصلی پروژه کمیل راجانی^۴

کمیل راجانی، پژوهشگر فوق‌دکتر در مطالعات اسلامی در مؤسسه مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه اکستر است که بر روی پروژه «فقه، مرجعیت و یادگیری در اسلام شیعی امامی» (www.lawalisi.eu) تحقیق می‌کند. علایق پژوهشی و مطالعاتی وی اگرچه عمدتاً بر خاستگاه و توسعه حدیث شیعی متمرکز بوده، اما تحقیقات او شامل تفسیر قرآن، فقه، اصول، مطالعات

اسماعیلیه و مطالعات شیعه است. او اکنون بر اصول فقه شیعه (القواعد الفقہیة) متمرکز است.

1. The Foundations of Modern Shi'ism: The End of Akhbārism and the Beginnings of Uṣūlism.

2. Grand Ayatallahs.

3. <https://www.thebritishacademy.ac.uk/funding/wolfson-research-professorships/past-awards/wolfson-research-professorships-awards-2022/>

4. Dr. Kumail Rajani.



کمیل پایان نامه دکترای خود را با عنوان «دریافت احادیث اسماعیلی: شیوه‌ها و معانی نقل حدیث در آثار القاضی النعمان (م ۳۶۳ ق/ ۹۷۴م)» در مؤسسه مطالعات عرب و اسلامی دانشگاه دفاع کرد. وی چندسالی را در حوزه علمیه قم به تحصیل و تدریس متون کلاسیک اسلامی، حدیث، فقه و اصول فقه اسلامی مشغول بوده است. از وی آثار فراوانی در حوزه مطالعات شیعی به چاپ رسیده که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: بین قم و قیروان: کشف منابع حدیثی شیعی اولیه^۱ و بررسی منابع حدیثی القاضی النعمان (م ۳۶۳ ق/ ۹۷۴م): مطالعه موردی الکتب الجعفریه^۲، او همچنین در مجموعه‌هایی مانند راهنمای مطالعات حدیثی آکسفورد^۳ و کتاب شناسی آکسفورد^۴ پژوهش‌هایی را در حوزه شیعه انجام داده است. کتاب اصول فقه شیعه: منابع و تفسیرها^۵ نیز عنوان کتاب جدیدی است که به همراه رابرت گلیو در سال ۲۰۲۳ م. نوشته است.^۶

مطالعه وی در پروژه LAWALISI بر فقه شیعه امامیه، پس از اخباری از ۱۷۷۲ تا ۱۸۵۰ م. و تأثیر آن بر مراکز آموزشی نجف و قم در سال‌های بعد متمرکز است. سال ۱۷۷۲ م. مصادف با درگذشت یوسف البحرانی و تعداد زیادی از علمای اخباری است که به اصولیان اجازه داد تا جنبش اخباری را که تا آن زمان از آغاز قرن ۱۱ قمری/ ۱۷ میلادی بر محافل امامیه تسلط داشتند، سرکوب کنند. این مأموریت به رهبری وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ ق/ ۱۷۹۱ م) رویکرد تحلیلی (اجتهادی) فقه را که علمای امامیه از قرن چهارم هجری به بعد به آن عمل می‌کردند، احیا و تجدید کرد. تحقیقات اولیه نشان می‌دهد که این مرحله شاهد استفاده گسترده از ابزارهای بدیع مانند مذاق الشرع (ظرافت شریعت، ذائقه روشن شریعت)، تنقیح المناط (استخراج معیار از یک سنت معین) و ترکیبی التقاطی از اصول هرمنوتیکی و رویه‌ای (اصول العملیه) در فرایند تفسیر فقه است. همچنین عوامل زمینه‌ای که در بازسازی و تهذیب فقه امامیه در این دوره نقش داشته، بررسی شده است. اولاً، اصولی‌ها

1. Rajani, "Between Qum and Qayrawān: Unearthing Early Shi'i Hadith Sources", The Bulletin of the School of Oriental and African Studies, 2021.
2. Kumail Rajani (University of Exeter): Examining Hadith Sources of al-Qāḍī al-Nu'mān (d. 363/974): A Case Study of al-Kutub al-Ja'fariyya.
3. Rajani & Rizvi, "Classical and Medieval Biographical Works: Twelver Shi'i Scholarship on Rijāl," and "Shi'ite and Zaydite Approaches to Ḥadīth Criticism," in The Oxford Handbook of Ḥadīth Studies, ed. Mustafa Shah, Oxford: Oxford University Press, 2020.
4. Rajani, "Hadith: Shi'i", Oxford Bibliographies in Islamic Studies.
5. Shi'ite Legal Theory: Sources and Commentaries.
6. <https://edinburghuniversitypress.com/book-shi-ite-legal-theory.html>



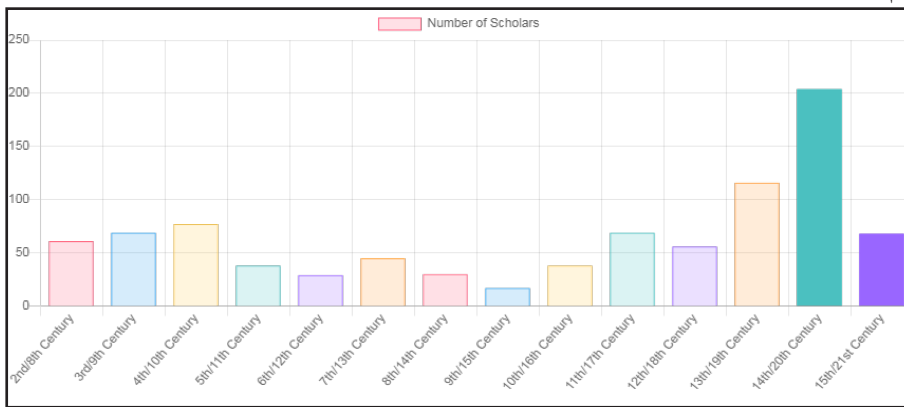
ناگزیر شدند که در این دوره از احیای فقه تحلیلی، خطوط کلی آموزه‌های فقهی خود را مشخص کنند. ثانیاً، علمای امامیه که از حمایت صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ق/۱۵۰۲-۱۷۲۲م) برخوردار بودند، اکنون باید از طریق شبکه مستقلی از علما و جمعیت امامیه فعالیت کنند. این تغییر سبک بسیار مهم بود؛ زیرا به تبدیل «دفتر» یک «مجتهد» که قادر به کسب نظر فقهی بود، به «مؤسسه» یک «مرجع» که مسئول رهبری شیعیان امامیه در جوامع مختلف بود، منجر شد. مواد پژوهشی و اصول فقهی به صورت متوالی توسعه یافتند و این پژوهش توضیحی برای چگونگی تفسیر این تغییر در پرتو عوامل زمینه‌ای یاد شده را ارائه می‌دهد.

کمیل راجانی افزون بر فعالیت در این پروژه شیعی، فعالیت‌های مطالعاتی شیعی دیگری را نیز به صورت مستقل و شخصی انجام می‌دهد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وبلاگ فقه اسلامی، کارگاهی پیشرو در باب احکام فقهی؛ خاستگاه، توسعه و تلاقی سبک و قواعد احکام فقهی (القواعد الفقهية) در مذاهب فقهی شیعی، اباضی و چهار مذهب اهل سنت است.^۱

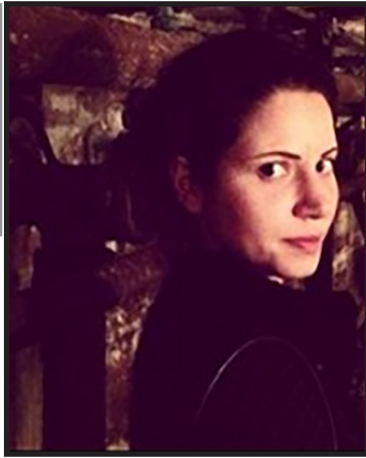
• پروژه تاریخ شیعی؛ وبلاگ دکتر کمیل راجانی.^۲

این سایت شخصیت‌های شیعی را از قرن دوم هجری تا کنون به ترتیب تاریخی فهرست کرده و کتاب‌شناسی مختصری از آنان را نیز ارائه داده است. تعداد دانشمندان شیعی نام برده شده در این سایت، به تفکیک قرن در جدول زیر آمده است:



1. Rajani, A Pioneering Workshop on Legal Maxims: Origins, Development and Intersection of the Genre of Legal Maxims (al-qawā'id al-fiqhiyya) in the Shī'ī, Ibāḍī and four Sunni legal madhāhib, Islamic Law Blog. <https://islamiclaw.blog/2020/02/11/pioneering-workshop-legal-maxims/>.

2. Rajani, Shii Dates Project: <http://shiidates.net/>



رها رفیعی^۱

دکتر رها رفیعی^۲ به عنوان پژوهشگر فوق دکترا در مؤسسه مطالعات عرب و اسلامی در دانشگاه اکستر فعالیت کرده است. او دکترای خود را از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کرد و در فقه اسلامی پیشامدرن و تاریخ‌نگاری عربی تخصص دارد. تحقیقات دکترای او بر سبک فقهی قضاوت و رویه دادگاه، معروف به «ادب القاضی»، در آثار شیعیان دوازده امامی و شافعی‌های نخستین قرون وسطا متمرکز بود. او دوره‌های تاریخ

خاورمیانه و جنسیت و امپراطوری را در دپارتمان زبان‌ها و تمدن‌های خاور نزدیک دانشگاه پنسیلوانیا تدریس کرده است. رها رفیعی در شمال نیوجرسی بزرگ شده و مدرک کارشناسی خود را در روابط بین‌الملل از دانشگاه جورج تاون و مدرک کارشناسی ارشد در مطالعات اسلامی و یهودی را از دانشگاه آکسفورد اخذ کرده است. او همچنین در گفت‌وگوهای بین‌ادیانی مسلمانان و یهودیان در ایالات متحده و بریتانیا شرکت داشته است و در میان شیعیان دوازده امامی در مساجد در مورد جوامع مسلمان آمریکایی و روابط بین‌ادیان سخنرانی داشته است.^۳

او از همکاران فعال پروژه «فقه، مرجعیت و آموزش در اسلام شیعی امامی» بوده است. وی در این پروژه به موضوع پایان‌نامه خود در مورد توسعه سبک فقهی ادب القاضی در میان فقهای دوازده امامی و شافعی قرن ۱۱ تا ۱۴ میلادی پرداخته است. انتخاب این موضوع براساس رویکرد تطبیقی تحقیقات قبلی وی است تا بتواند چگونگی تحولات دوران صفویه و پس از آن در فقه اثناعشری بر ارجاع و ادغام منابع اهل سنت، به ویژه در مورد فقیه شیعی قرن شانزدهم شهید ثانی رحمته الله علیه و جریان اخباری بعدی را تحلیل و

1. LinkedIn: <https://www.linkedin.com/in/raha-rafii-1570b6167>, R.Rafii@exeter.ac.uk

2. Dr. Raha Rafii.

۳. عنوان رساله دکترا وی در دانشگاه پنسیلوانیا: ژانر ادب القاضی: قضاوت و شیعیان دوازده امامی، سده‌های ۱۱-۱۴ ق:



تأثیرگذاری آن را تبیین کند. با وجود این که مشارکت تاریخی شیعیان دوازده امامی در آموزش فقهی اهل سنت یا به طور کلی رد شده یا به عنوان تقیه توضیح داده شده، هدف وی آن است که بررسی نماید چگونه چنین تعاملی واقعا فراتر از تصاحب یا تقلید ساده عمل می کند. او با گسترش دامنه زمانی پژوهش خود از طریق پروژه LAWALISI، قصد دارد با بررسی تأثیر توصیف های شیعه دوازده امامی کلاسیک متأخر از این پدیده بر تحقیقات آکادمیک معاصر در فقه دوازده امامی، یک عنصر روش شناختی اضافی را در تحقیق خود بگنجانند.^۱

پژوهشگران دیگر این پروژه عبارت اند از: دکتر امین احتشامی،^۲ کامرون زرگر،^۳ پائول

گلزیل،^۴ وسام هلوی^۵ و سجاد مکیعه.^۶



امین احتشامی^۷

احتشامی مدرک دکترای خود را از دانشگاه برکلی کالیفرنیا در سال ۲۰۱۹ م. با رساله «فیض کاشانی و گفتمان حدیثی صفویه» اخذ کرده است و در حال حاضر، در حوزه های عقاید اسلامی و نظریه های فقهی و تفسیری در حال تحقیق و پژوهش است. وی همچنین همکار پژوهشی پروفیسور گلیو در این

پروژه بوده است و در زمینه فقه شیعه با تمرکز بر آثار فیض کاشانی (بررسی مبنای وثاقت حدیثی وی) به فعالیت مشغول است. وی در این مرکز در راستای گسترش تحقیق پایان نامه دکتری خود به دنبال تحلیل برخی فتاوی فقهی فیض و مقایسه آن ها با مبانی او در اصول فقه و روش های توثیق حدیث است. این تحقیق های وی همچنین نگاهی داشته است به

1. <http://www.lawalisi.eu/people/>

2. Dr. Amin Ehteshami.

3. Dr. Cameron Zargar.

4. Dr. Paul Gledhill.

5. Dr. Wissam Halawi.

6. Dr. Sejad Mekic.

7. amin.ehteshami@hu-berlin.de.



شیوه‌های تفسیری و نظریه‌های توثیق حدیث که در شکل‌گیری تفکر شیعه تا به امروز نقش ایفا کرده است.

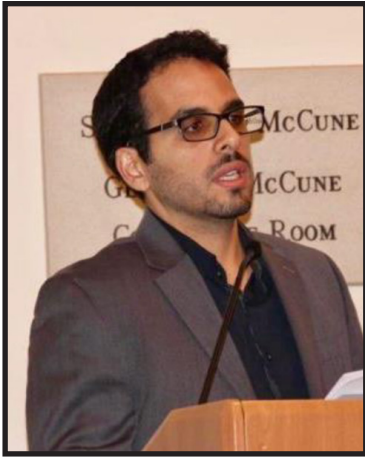
حوزه‌های اولیه تحقیقاتی او در فقه، کلام و تفسیر است و هم‌اکنون بر الهیات اسلامی، اصول فقه و تفسیر متمرکز است. امین احتشامی همچنین پژوهشگر فوق‌دکترای مؤسسه الهیات اسلامی دانشگاه هومبولت برلین است و در تیم دکتر سردار کرناز ذیل موضوع‌های فقه اسلامی در گذشته و حال فعالیت می‌کند. او قبل از پیوستن به BIT^۲، پژوهشگر فوق‌دکتر در پروژه LAWALISI در دانشگاه اکستر بود.^۳

فعالیت وی در پروژه «فقه، مرجعیت و آموزش در اسلام شیعی امامی» شامل تحقیقی در فقه شیعه است که بر فیض کاشانی (۱۵۹۸-۱۶۸۰م) به عنوان شخصیت اصلی، ۱۷۰۰-۱۵۰۰م. به عنوان دوره مورد توجه و نظریه‌های صحت حدیث به عنوان موضوع اصلی آن متمرکز است. وی پژوهشی را با عنوان «الوافی درباره خلاصه حدیث فیض» نوشته است. او ساختار و محتوای وافی، منابع و تأثیرها و روش فیض در تألیف و تفسیر حدیث را بررسی کرده است و آن را در آثار فیض و نیز گفتمان حدیثی صفوی، مورد بررسی بافتی قرار داده است. این امر مستلزم مطالعه ظهور کتب اربعه به عنوان محور بحث در مورد صحت حدیث در قرن شانزدهم و هفدهم بود. بخشی از هدف پژوهشی وی برای پروژه LAWALISI، پالایش بیشتر و گسترش دامنه رساله اش به منظور بررسی تعدادی از احکام فقهی فیض و بررسی چگونگی مقایسه آن‌ها با مبانی فقهی و روش‌های صحت حدیث است که وی در آن تحقیق به این مسئله می‌پردازد. این پژوهش در بررسی چگونگی شکل‌گیری رشته‌های فقه، حدیث و تفسیر توسط یکی از عالمان برجسته آن، چشم‌اندازی به روندهای تفسیری و نظریه‌های حجیت حدیث می‌گشاید.

1. Serdar Kernaz.

2. Berlin Institute for Islamic Theology.

3. <https://www.islamische-theologie.hu-berlin.de/en/professorships/professorship-islamic-law/team/amin-ehetshami-phd/amin-ehetshami-phd>.



کامرون زرگر^۱

او در سال ۲۰۲۰ م. رساله دکتری خود را در دانشگاه برکلی کالیفرنیا دفاع کرد و همکار پژوهشی پروفیسور گلیو در این پروژه بوده است. دکتر زرگر در این پروژه به بررسی نقش «تقلید» در شکل‌گیری هویت شیعیان اثناعشری پرداخته است.

زرگر در دو مقاله نیز این موضوع را توسعه داده است؛ نخست در «مراجع به مثابه الگو» نشان می‌دهد که فقها هیچ‌گونه مرجعیت معنوی قابل تشخیصی

ندارند و در عوض به عنوان چهره‌های نمادین تشیع اثناعشری عمل می‌کنند. کار میدانی وی در ایران نشان می‌دهد که پیروان (مقلدین) مراجع، از آن‌ها به خاطر ویژگی‌های خاصشان پیروی نمی‌کنند و به آن‌ها احترام نمی‌گذارند، بلکه نمونه‌های اولیه‌ای از پیش تعیین شده‌ای را که برگرفته از سنت دینی و فرهنگ ایرانی است، به آن‌ها تحمیل می‌کنند. این امر تصدیق می‌کند که مرجعیت ممکن است بینش‌های آرمانی ارائه دهد و در مقاطع حساس مربوط به هویت شیعیان دوازده امامی مورد توجه قرار گیرد. با این حال، در امور روزمره، این رهبران مذهبی محلی هستند که عمل‌رفتارها و اخلاقیات افراد غیرروحانی را شکل می‌دهند.

مقاله دوم با عنوان «تقلید به مثابه هویت»، استدلال می‌کند که مناسب‌تر است تأثیر مراجع بر زندگی پیروان خود را به عنوان شکل‌گیری هویت مطرح کنیم تا آن را به عنوان مرجع فقهی در نظر بگیریم. کار میدانی وی، تفاوت بین وابستگی ادعایی به مرجعیت و مرجع فقهی واقعی را آشکار می‌کند. همچنین مقلدی که عملاً مراجع نظر فقهی نمی‌خواستند، جایگاه کسانی را که مرجعیت ندارند، مشکل‌دار می‌دانستند. به عبارت دیگر، دل‌بستگی اسمی به مرجع - نه مرجع فقهی واقعی - کارکردهای اولیه تقلید را انجام می‌دهد که عبارت است از تکمیل ایمان و تمییز شخص از غیرمقلد.^۲ مرجعیت بین شریعت و عرف: الزامات فقها به

1. Cameron Zargar / cameronzargar@gmail.com

2. lawalisi.eu/people



تصور پیروانشان از جمله آثاری در حوزه تشیع است.^۲



وسام هلوی^۳

عضو هیئت علمی دانشگاه لوزان در دانشکده الهیات و معارف دینی، مؤسسه تاریخ و مردم‌شناسی ادیان IHAR. وی در پروژه «فقه، مرجعیت و آموزش در اسلام شیعی امامی» به این صورت همکاری داشته است: تحقیقات وی در پروژه LAWALISI بر «احکام اربعه» یا «اربعه احکام» متمرکز است که عبارتند از: پرداخت خمس (مالیات شرعی)، اعمال حدود (مجازات فقهی)،

مدیریت نماز جمعه و اقامه جهاد. بسیاری از روایات، این احکام شرعی پسینی را منحصر به امام زنده می‌دانند، یا حتی امام را به عنوان قانون‌گذار در این امور معرفی می‌کنند. در اواخر قرن دهم، دانشمندان شیعه تلاش کردند تا کاربرد حکم را با پدیده جدید غیبت امام تطبیق دهند. از این رو، کتاب‌های اول فقه، عقاید فقهی جدیدی را برای بحث در مورد نحوه اعمال هر یک از این احکام در جوامع شیعی، شرح می‌دهند. فقهای شیعه بغدادی پیشگامان این ادبیات در قرن یازدهم بودند؛ به ویژه شیخ مفید (م ۴۱۳ق/۱۰۲۲م) و شاگرد او، شریف مرتضی (م ۴۳۶ق/۱۰۴۴م) و بدون شک شیخ طوسی (شیخ الطائفه) (م ۴۶۰ق/۱۰۶۷م). تحلیل کامل آثار فقهی این نویسندگان به ما اجازه می‌دهد که اولاً، از روند تدوین آموزه‌های فقهی جدید، بینش شخصی فقها و استفاده آن‌ها از روایات تازه تأسیس شیعی آگاه شویم؛ ثانیاً، جعبه پاندورا را در مورد پرسش‌های تاریخی اجتماعی باز می‌کند. آیا اصول اولیه فقه شیعی، به ویژه

1. Cameron Zargar, Marja'iyah between law and laity: The requirements of jurists as imagined by their followers, Journal of the Contemporary Study of Islam, Volume 2, ISSue 1, 2021, p. 51–70, <https://doi.org/10.37264/jcsi.v2i1.40>.

۲. بیان این گزارش‌ها، صرفاً جهت آشنایی پژوهشگران داخلی با این سنخ پژوهش‌هاست تا زمینه ورود جدی برای نقد فراهم آید.

3. Wissam.Halawi@unil.ch, <https://applicationspub.unil.ch/interpub/noauth/php/Un/UnPers.php?PerNum=1209752&LanCode=8&menu=coord>

4. University of Lausanne, Faculté de Théologie et de Sciences de Religions, Faculty Member.



احکام اربعه، صرفاً نظری بوده است؟ آیا آن‌ها بر جوامع شیعی آن زمان، تأثیرهای اجتماعی داشتند؟ چگونه آن‌ها در عمل - اگر واقعاً چنین بوده‌اند - از طریق قوانین محلی سیاسی نفوذ کردند، و بنابراین با دیگر نظام‌های هنجاری اسلامی، عمدتاً نظام سنی در بغداد چه رابطه‌ای داشتند؟

بیشتر آثار هلوی به زبان فرانسه است.^۱

سجاد مکیعه



سجاد مکیعه پژوهشگر پیشین پروژه «فقه، مرجعیت و آموزش در اسلام شیعی امامی» در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۹ م. بود که هم‌اکنون به عنوان امام مسجد مرکزی کمبریج فعالیت می‌کند. دکتر مکیعه برای پروژه LAWALISI درباره مسئله «تفویض قدرت طلاق به زنان در سنت شرعی شیعه امامیه و مذهب حنفی در سنت فقهی اهل سنت» تحقیق می‌کرد. هدف اولیه این تحقیق، شناسایی و انتخاب موارد مرتبط و سپس تجزیه و تحلیل انتقادی مهم‌ترین آن‌ها بود. توجه اصلی او نیز بر آراء یا فتاوی فقهی برجسته‌ترین علمای دو سنت فقهی قرار داشت.^۲

پائول گلزیل



وی پژوهشگر دانشگاه اکستر در مؤسسه مطالعات عرب و خاورمیانه^۴ است که تحقیقات او بیشتر بر گسترش فقه اسلامی، جنبش‌ها و نهادهای فقهی

1. <https://unil.academia.edu/WissamHalawi>

2. <http://www.lawalisi.eu/people>

3. P.J.R.Gledhill@exeter.ac.uk.

4. University of Exeter, Institute of Arab and Middle East Studies, Faculty Member.



از قرن هشتم تا دهم پس از میلاد متمرکز است. جریان‌های فکری - اجتماعی‌ای که نشانگر آن گرایش‌ها بود و فرایندهایی که در آن دوره به مصالحه‌ای منجر شد، در قالب مکاتب فقهی کلاسیک بیان شد. وی در آثارش از زندگی نامه و پیروسی‌گرافی هم به عنوان منابعی که به طور بالقوه می‌توان گذشته را باز یابی کرد و هم به عنوان ابزار ادبی برای ساخت و اجرای حافظه تاریخی، مرجعیت فقهی و هویت گروهی بسیار استفاده کرده است. گلزیل قبل از آمدن به دانشگاه اکستر در سال ۲۰۱۷ م. فوق دکترا را در دانشگاه توکیو تمام کرد که در آن، به عنوان بخشی از یک پروژه مشترک گسترده‌تر با موضوع تداوم و تغییر در سنت فقهی شافعی (۷۸۰/ق/۱۲۷۰ م) به گذار از دکترا قدیم به جدید محمد بن ادریس الشافعی پرداخت.

وی در پروژه «فقه، مرجعیت، و یادگیری در اسلام شیعی امامی» (LAWALISI)، در موضوع تقاطع تاریخی سنت‌های فقهی سنی و شیعه کار می‌کرد. تحقیق وی پاسخی به یک فرضیه خاص در مورد منشأ فقه شیعی است. مطابق این فرضیه، شیعیان که در ابتدا از هم‌مذهبان سنی خود در خطوط عمدتاً سیاسی و کلامی متمایز شدند، به احتمال زیاد شروع به ایجاد هویت متمایز از نظر فقهی کردند.

حوزه‌های پژوهشی این پروژه

مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی این پروژه، شناخت سیستم فقهی شیعه و ظرفیت توسعه و تغییر آن است. برخی موضوع‌های انجام شده در این راستا عبارت‌اند از:

۱. مکتب امامیه؛ ریشه‌ها، نقش و چشم‌اندازها؛ بررسی روند و نهادینه شدن تشکیلات مذهبی شیعه امامیه و این‌که چگونه این امر به طور کلی درک ما را از تشکیل مکتب فقهی در تاریخ اسلام روشن می‌سازد.¹

۲. نظریه فقهی / اصول فقه؛ این نظریه به بررسی ظهور و توسعه نظریه‌های فقهی و ارتباط آن با تولید هنجارهای فقهی می‌پردازد و این‌که چگونه ادبیات اصول فقه امامیه، دیدگاه خاصی

1. The Imāmī School: Origins, Role and Prospects, examining the process and institutionalization of Imāmī Shī'ī madhhab formation and how this informs our understanding of legal school formation in Islamic history more generally.



را در مورد این مسئله علمی بحث می‌کند.^۱

۳. فتاوا و فقه؛ این موضوع بر توسعه مجموعه‌ای از آموزه‌های فقهی و تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای نحوه عملکرد تفسیرهای متون فقهی در شکل‌گیری سنت فقهی و تسهیل تغییرهای اعتقادی تمرکز دارد.^۲

این سه حوزه از حوزه‌های فنی و خاص پروژه یاد شده هستند که تا کنون بررسی دقیقی از آن‌ها در فقه شیعی صورت نگرفته است. در حال حاضر، برای پاسخ به پرسش‌های مربوط به تشکیل مکتب، روابط نظری و اعتقادی و چگونگی فتوا دادن و دریافت آن‌ها، غالباً منابع اهل سنت هستند که این پروژه سعی در بررسی این سه حوزه با تأکید بر منابع شیعی دارند.

خروجی‌های پروژه

خروجی‌های این پژوهش در قالب کتاب، مقاله و برگزاری برخی همایش‌ها قابل دسته‌بندی است. چنان‌که بیان شد، هر دو ماه یک بار کارگاهی یک روزه جهت تعامل با پژوهشگران شیعه و سنی و اشتراک یافته‌ها و پژوهش‌ها برگزار می‌شود.

مقالات

مقالاتی که می‌توان به عنوان خروجی‌های خاص این پروژه نام برد، عبارت‌اند از:^۳

• محمد تقی مجلسی و تشیع صفوی: اخبارگرایی و بحث‌های ضد سنی در دوران شاه عباس بزرگ و شاه صفی؛^۴

• قیام و امام: قیام زید النار و ادعاهای رهبری شیعه؛^۵

1. Legal Theory/Legal Doctrine examining the appearance and development of legal theory and its relationship to the production of legal norms, and how the Imāmī literature of uṣūl al-fiqh provides a particular perspective on this much debated scholarly issue.
2. Fatwas and Fiqh focussing on the development of a body of legal doctrine (fiqh, also expressed in fatwās), and carrying out a comparative analysis of how commentaries on legal texts functioned to form a legal tradition and facilitate doctrinal change.
۳. این مقالات به تفصیل در معرفی شخصیت‌های این پروژه گزارش شده است.
4. Gleave R, Muhammad Taqi al-Majlisi and Safavid Shi'ism: Akhbarism and Anti-sunni Polemic During the Reigns of Shah 'Abbas the Great and Shah Safi. Iran: Journal of the British Institute of Persian Studies, 55.1, In Press, p. 2434-.
5. Gleave R, The Rebel and the Imam: The Uprising of Zayd al-Nar and Shi'i Leadership Claims. In Tor



• اصول فقه شیعه امامی؛ از منشأ آن تا اوایل قرن بیستم کتاب راهنمای فقه اسلامی
آکسفورد.^۱

سمینارها و کارگاه‌های آموزشی^۲

تیم LAWALISI هر دو ماه یک بار میزبان کارگاه‌های یک روزه است که در آن دانشمندانی که در زمینه فقه سنی و شیعه کار می‌کنند، گرد هم می‌آیند و نتایج تحقیق‌های خود را در یک محیط غیررسمی به اشتراک می‌گذارند. این کارگاه‌ها فرصتی را برای دانشمندان فراهم می‌کند تا با یکدیگر شبکه‌ای را تشکیل دهند و تنوع سنت فقه اسلامی را کشف کنند. کارگاه‌ها بیشتر مبتنی بر متن به ویژه متون اصلی به زبان عربی هستند. متون القواعد الفقهیه^۳ (۲-۳) دسامبر ۲۰۱۹م، کتاب و سنت در متون اصول الفقه (۱۲-۱۴) اکتبر ۲۰۱۹م،^۴ ترجیح و تعارض در متون اصول الفقه (۲۲-۲۳) ژوئیه ۲۰۱۹م،^۵ قیاس در اصول و ژانرهای مرتبط (۳۱) ژانویه تا فوریه ۲۰۱۹م^۶ و قاعدگی (حیض) (۲۶-۲۷) نوامبر ۲۰۱۸م از جمله این کارگاه‌ها هستند.

D (Ed) The 'Abbasid and Carolingian Empires Comparative Studies in Civilizational Formation, Leiden and New York: BRILL, 2017, p. 169190-.

1. Imami Shi'i Legal Theory: From its Origins to the Early Twentieth Century The Oxford Handbook of Islamic Law, Edited by Anver M. Emon and Rumea Ahmed.
2. <http://www.lawalisi.eu/workshops/>
3. 2nd – 3rd December 2019: Texts on al-Qawā'id al-Fiqhiyya.
4. 12th – 14th October 2019: Kitāb and Sunna in Uṣūl al-Fiqh texts.
5. 22nd – 23rd July 2019: Tarjīḥ and Ta'arūḍ in Uṣūl al-Fiqh texts.
6. 31st January – 1st February 2019: Qiyās in uṣūl and related genres.



آسیب‌ها و راهکارهای مقابله با اختلاف درون شیعی

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد مسجدجامعی

| ۲۹ |

چکیده

اختلافات درون شیعی، پدیده‌ای تاریخی است، اما شکل و ماهیت آن در عصر حاضر، به دلیل عواملی مانند رسانه، سیاست، و رقابت‌های اقتصادی، تغییر کرده است. این اختلافات، نه تنها در میان شیعیان، بلکه در سایر ادیان و گروه‌های اجتماعی نیز وجود دارد و نشان‌دهنده یک بحران عمومی در انسجام و وحدت است. عقب‌ماندگی، به ویژه عدم شجاعت اخلاقی، نقش مهمی در تشدید این اختلافات ایفا می‌کند.

حساسیت نسبت به غیرهم‌اندیشان و عدم تحمل دیدگاه‌های متفاوت، عقب‌ماندگی فرهنگی و عدم توانایی در استفاده صحیح از فناوری‌های نوین و دخالت عوامل بیرونی از جمله عوامل اصلی در ایجاد اختلافات است. توسعه یافتگی و خروج از انزوا: تعامل فعال با جهان خارج، تبادل نظر، و بهره‌گیری از تجربیات مثبت سایر جوامع، از جمله راهکارهای اساسی برای غلبه بر عقب‌ماندگی و کاهش اختلافات است. تقویت اعتماد به نفس و هویت مستقل: احساس غرور واقعی نسبت به هویت شیعی و ایرانی، و پرهیز از تقلید کورکورانه، زمینه را برای تعامل سازنده با دیگران فراهم می‌کند. ایجاد کانال‌های ارتباطی میان علما: استفاده از واسطه‌های خوش‌نام، باسواد، و بی‌غرض، برای حل مسائل حاد و دشوار، ضروری است. پذیرش تنوع در عین حفظ وحدت: شناخت تفاوت بین تنوع و اختلاف و پذیرش این امر که شیعه دارای فرهنگ‌های مختلف است. مقاله حاضر، ضمن آسیب‌شناسی اختلافات درون شیعی، راهکارهایی عملی برای کاهش این اختلافات و ارتقای جایگاه شیعه در جهان ارائه داده است.

واژگان کلیدی: اختلافات درون شیعی، آسیب‌ها، راهکارها، وحدت، تنوع



مقدمه

هم‌گرایی و واگرایی درون شیعی از موضوعاتی است که قدمتی به درازای تاریخ اسلام و تشیع دارد. از همان سده‌های نخستین اسلامی، همواره شاهد بروز اختلافات فراوانی در میان شیعیان بوده‌ایم که گاه به ایجاد فرقه‌های درون شیعی و گاه به نزاع‌ها و درگیری‌های درون مذهبی انجامیده است. از این رو شیعه از همان آغاز با نوعی تکثرگرایی و اختلافات درون مذهبی روبه‌رو بوده است. اما اختلافاتی که امروزه در جهان تشیع وجود دارد و شیعیان اثنا عشری با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، شکل و صورت دیگری به خود گرفته است که ضرورت بحث و گفت‌وگو را دوچندان می‌کند. امروزه عناصر گوناگونی در بروز این اختلاف‌ها و گسترش آن‌ها نقش دارند که هویت کاملاً جدیدی - نسبت به گذشته - به اختلافات درون شیعی می‌بخشند. رسانه، سیاست و قدرت، رقابت‌های اقتصادی و دست‌های بیگانگان از جمله عناصری هستند که شکل و ماهیت جدیدی برای اختلافات درون شیعی رقم می‌زنند و آسیب‌های جدی فراوانی را به پیکره شیعه و شیعیان وارد می‌سازند که از آن جمله، از بین رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی است. در مسیر آسیب‌شناسی این اختلاف‌ها و همچنین بازشناسی راهکارهای مقابله با آن، نشست‌ها و گفت‌وگوهایی با کارشناسان و اساتید در مؤسسه «البیان للتواصل والتأصيل» صورت گرفت که در شماره‌های پیشین به برخی از آن‌ها اشاره شد. در ادامه این موضوع را در گفت‌وگو با حجت الاسلام و المسلمین دکتر مسجد جامعی پی می‌گیریم و نظر ایشان را درباره آسیب‌ها و راهکارهای رویارویی با این اختلاف‌ها جویا می‌شویم.

• اولین سؤالی که پیرامون اختلاف‌های درون شیعی، آسیب‌ها و راهکارها مطرح می‌شود، این است که مهم‌ترین جنبه‌های اختلاف در درون جهان تشیع چه موضوع‌هایی است؟ به بیان دیگر، اختلاف‌های درون شیعی براساس چه موضوع‌هایی شکل گرفته و چه عللی دارد؟

قبل از پاسخ به این سؤال لازم است مقدمه‌ای طرح کنم. در عصر حاضر فقط ما به عنوان شیعه نیستیم که یکسری مشکلات یا اختلافاتی داریم. تقریباً جایی در دنیا یا مجموعه دینی در دنیا نیست، مگر این‌که اختلافاتی در بین آن‌ها مطرح است و حتی شاید بتوان گفت اختلافات بین آن‌ها بحرانی‌تر و بیش از مقداری است که در بین ما مطرح است. ما در زمانی



زندگی می‌کنیم که همه بخش‌های منسجم و متمرکز قبلی در حال سست شدن هستند. حتی واحد کوچکی مثل خانواده که در بعضی کشورها و فرهنگ‌ها - نه این‌که تضعیف شده - از اساس از بین رفته است. یعنی از یک کانون کوچکی مثل خانواده گرفته تا مجموعه‌های بزرگ و بزرگ‌تر.

شرایط در این دو دهه اخیر متفاوت شده و گویی همه چیز در حال تضعیف و متزلزل شدن و از دست دادن انسجام داخلی خود است. به عنوان نمونه، یکی از قدیمی‌ترین، منسجم‌ترین و محاسبه‌شده‌ترین مجموعه‌ها، کلیسای کاتولیک است که هرچند امروزه پاپ فعلی (فرانسیس) - با این‌که ایشان به دلایل مختلف پاپی است که هماهنگی‌اش با نیازها و روح زمان از پاپ قبلی که استعفا کرد و پاپ پیش از آن، یعنی ژان پل دوم در مجموع بیشتر است - دارای مشکلات عدیده‌ای است. اگر کسی شرایط عمومی و بحران‌های کلیسای کاتولیک در سال ۲۰۱۲ م. - سال انتخاب وی به عنوان پاپ - به ویژه در مناطقی که این کلیسا ریشه‌دار بود، مانند آمریکای لاتین یا حتی اروپا - را به صورت فنی و دقیق بداند، اذعان می‌کند که انتخاب فرانسیس کاملاً با نیازهای مسیحیت کاتولیک متناسب بوده است. زمان راتسینگر در مراسم روز چهارشنبه که در آن سالن بزرگ برگزار می‌شد، حتی نیمی از سالن هم پر نمی‌شد؛ در حالی که در زمان فرانسیس، نه تنها سالن پر می‌شود، بلکه تمام فضاهای اطراف نیز مملو از جمعیت است. من بارها از رانندگان تاکسی‌م‌شنیدم که از زمان انتخاب پاپ جدید تا چند سال بعد از آن، ژانررم زیاد شده بود. تعداد کسانی که در مراسم روزهای یکشنبه با سخنرانی پاپ در میدان سن پیترو شرکت می‌کردند، بسیار افزایش یافته بود. پاپ جدید در حوزه‌هایی محبوبیت پیدا کرد که اساساً پاپ‌های قبلی در آن‌ها کم‌وبیش حضور و نفوذی نداشتند. بنابراین، زمان انتخاب او شرایطی وجود داشت که فردی مانند او را می‌طلبید.

نمونه دیگر این‌که آقای مارتینی، کاردینال میلان که بسیار محبوب بود، مصاحبه‌ای با نشریه «کوردیسرا» دارد و می‌گوید که کلیسای ما دو بیست سال عقب‌تر از زمان است. علی‌رغم این‌که این پاپ چنین موقعیتی دارد، ولی در حال حاضر می‌توان گفت پرمشکل‌ترین پاپ صد سال اخیر است. یعنی از اول قرن بیستم تا به حال، پاپی که این مقدار مورد انتقاد و اتهام نسبت به انحراف از اصول مسلم مسیحیت شده باشد، نداشتیم. برای فضای پیش آمده دلایل مختلفی وجود دارد که بخش کوچکی از آن اعتقادی و ناشی از قرائت‌های مختلف



است و بیشتر، دلایل سیاسی است. آقای بنون، مشاوره اسبق ترامپ که بسیار محافظه‌کار است، در این چند سال اخیر در رم مستقر شده و به اعتقاد اساتید کاتولیک - بارها از ایشان شنیده‌ام - یکی از هدف‌هایش تخریب پاپ است؛ نه تنها تخریب او، بلکه تخریب کلیسای کاتولیک به عنوان یک نهاد تاریخی، اجتماعی و دینی.

امروزه مسئله اختلافات اعتقادی و سیاسی در گروه‌های دینی موضوعی است که همگی گرفتار آن هستند؛ موضوعی که در کلیسای پروتستان، در بین اهل سنت و حتی گروه‌های کوچک دینی به شدت رواج دارد. به عنوان نمونه، آقاخان‌ها در گذشته خیلی منسجم‌تر از آقاخان‌های امروز بودند. اینها میراث‌دار حسن صباح و داستان الموت هستند؛ ولی در حال حاضر بیش از این که یک دین باشند، یک تشکیلات اجتماعی - اقتصادی هستند و مشکل دارند. این مشکلات آن‌ها مربوط به امسال نیست. زمانی که سفیر ایران در مراکش بودم، برای جایزه معماری اسلامی - که هر دو سال یکبار در هند برگزار می‌شود - دعوت شدم و در آنجا دو ملاقات با آقاخان داشتم. او به صراحت گفت - اگرچه قبلا از دیگران هم شنیده بودم - ما از جانب وهابی‌ها و سلفی‌ها تهدید می‌شویم؛ چون بعضی جوانان ما به آن‌ها متمایل هستند. پس معلوم است اصل موضوع اختلاف یک گرفتاری همگانی است. حتی یهودیت با این که آیین بسته‌ای است نیز در درون، مشکلات فراوانی دارد. آنچه در حال حاضر انسجام آیین یهودی را نگه داشته، قدرت راست‌گرایان اسرائیل است. راست‌گرایان در جامعه یهودیان دنیا جایگاهی دارند که برخی به آنها متمایل و عده‌ای متمایل‌تر هستند. تقریباً تمایل مذهبیون و روحانیون به راست‌گرایان یهودی بوده است. اگر این گروه در اسرائیل قدرت را در دست نداشتند، آن‌ها هم دچار مشکل می‌شدند. مثلاً در مورد دیوار ندبه، فتوای شخصیت‌های دینی این بود که زن‌ها برای عبادت نمی‌توانستند پای آن دیوار حاضر شوند. در آمریکا یهودی‌هایی که به جناح لیبرال تعلق دارند - و به اسرائیل هم خیلی پول می‌دهند - اعتراض کردند که اگر این مسئله حل نشود، ما کمک‌هایمان را قطع می‌کنیم.

در مجموع، به نظر من انسجام در داخل جامعه شیعه، اگر از بقیه گروه‌های دینی و ادیان دیگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. نزدیک‌ترین نمونه به ما، اهل سنت‌اند که در حال حاضر - و به اذعان خود آن‌ها - علمای آن‌ها با انواع و اقسام مشکلات مواجه هستند. تعدادی از آن‌ها



مخصوصاً در آن کشورهایی که به اعتباری بهار عربی اتفاق افتاده است، مانند مصر و تونس به معنای واقعی ضد دین هستند. لذا اساساً دیدگاهشان نسبت به اسلام، دیدگاه سنتی که خود اهل سنت داشتند، نیست. مضاف بر این که یک عالم دینی یا یک مؤسسه دینی مانند الازهر، در بسیاری از مسائل دینی مجبور به تقیه است. این جریان، در مصر و در زمان حسنی مبارک تقریباً وجود نداشت؛ در زمان محمد مرسی اتفاق افتاد و در زمان السیسی تقویت شد. در برخی مسائل شرعی مانند جاری شدن طلاق نزد اهل سنت، سیسی یک دیدگاه داشت و الازهر دیدگاه دیگر؛ به دنبال آن مطبوعات و رسانه‌های طرف‌دار سیسی به احمد الطیب، شیخ الازهر، و مجموعه نهاد الازهر، نه تنها انتقاد بلکه بدگویی و ناسزاگویی کردند. تنها عاملی که در آن زمان الازهر را نجات داد، سفر پاپ فرانسیس به مصر بود. آن موقع بود که سیاسیون احساس کردند به این نهاد دینی (الازهر) که بتواند طرف خطاب پاپ قرار گیرد، نیاز دارند و باید چنین نهادی وجود داشته باشد.

گاهی اوقات شما چیزی را برای خودش احترام می‌کنید و اعتبار قائل هستید؛ گاهی هم صرفاً به دلیل این که نزد دیگران محترم و معتبر است. احترام به الازهر از سنخ دوم است. پس می‌بینیم که اختلافات در همه جا وجود دارد و ما شیعیان هم به عنوان بخشی از جهان، به هر صورت این مشکلات را داریم؛ اما معمولاً در ایران و در میان شیعیان تصویری وجود دارد که گویی همه دنیا بر سر ما خراب شده است. این مشکلی است که در ادیان و فرق دیگر هم وجود دارد؛ به ویژه اگر به تنوع جغرافیایی، زبانی و تفاوت‌های تاریخی بین شیعیان توجه کنیم. ما یک اقلیت کوچک نیستیم؛ گرچه در مقایسه با سنی‌ها اقلیت هستیم. پراکندگی شیعه تقریباً در همه نقاط حتی قسمت‌های مهاجرنشین وجود دارد و می‌شود گفت کم‌وبیش در همه نقاط دنیا شیعه وجود دارد. در برخی کشورها از جمله ایران، آذربایجان، عراق و بحرین شیعیان در اکثریت هستند و در برخی کشورها مانند پاکستان و کویت، اقلیت بزرگی را تشکیل می‌دهند. در برخی مناطق هم اقلیت کاملاً کوچکی هستند. این شیعیان به طور طبیعی تحت تأثیر محیط و شرایط مختلفی قرار دارند که بسیار هم متفاوت هستند. شرایط موجود در برزیل و آرژانتین شرایطی نیست که در تایلند وجود دارد. در مجموع آنچه به عنوان اختلاف گفته می‌شود، با توجه به مقطع تاریخی حاضر، اهمیتی ندارد. اگرچه باید در مورد همین مقدار هم چاره‌ای اندیشه شود.



• پس به نظر شما اختلافات در شیعه از دیگر مذاهب کمتر است؟

غرض این نیست که بگوییم خیلی کمتر یا بیشتر است؛ مقصود این است که این پدیده در حال حاضر پدیده‌ای عمومی است که صرفاً در مورد دین هم نیست، بلکه در مورد انواع و اقسام حزب‌ها و تجمع‌های قدیمی که پیش‌تر مجموعه‌هایی منسجم بوده‌اند نیز صادق است. ظهور «جلیقه زردها» در فرانسه پدیده‌ی جدیدی است که خارج از چهارچوب نهادمند این کشور است. در گذشته نارضایتی‌هایی که وجود داشت از کانال یکی از احزاب شناخته شده نشان داده می‌شد؛ ولی جنبش جلیقه زردها خودافگیخته هستند؛ زیرا نه در گروه‌های چپ، نه در چهارچوب گروه‌های ناسیونالیسم و نه در چهارچوب راست‌های افراطی قرار می‌گیرند. آن‌ها پدیده‌ی خاصی هستند؛ لذا شرایطی که ما در آن زندگی می‌کنیم، شرایطی است که نه تنها نهادها و مجموعه‌های دینی، بلکه مجموعه‌های غیردینی هم آن انسجام و وحدت قبلی را ندارند.

• به نظر می‌رسد این اختلاف‌ها در ادیان شرقی کمتر وجود دارد یا به ندرت جلوه می‌کند.

بله؛ کاملاً موافقم. چندی پیش نویسنده‌ای آمریکایی، مقاله‌ای نوشت با این مضمون که «چینی‌ها ما را خواهند خورد». او این دیدگاه را به این علت می‌گفت که آمریکایی‌ها صرفاً بر روی چهارچوب‌های دموکراسی و حقوق تأکید و توجه دارند؛ اما یک چینی در این زمینه‌ها اساساً حرف، ادعا و مشکلی ندارد و فارغ از این مسائل به جلو می‌رود. جوان جنایت‌کاری که جنایت نیوزلند را مرتکب شد، در مقاله‌ای نوشته بود مادموکراسی‌های غربی، به دلیل این که به مسائل محیط‌زیستی و مانند آن زیاد تکیه می‌کنیم، عمل نمی‌توانیم با کشورهایی مانند چین و هند که به این مسائل ملتزم نیستند، هم به لحاظ تکنولوژیک و هم به لحاظ پولی و صادراتی رقابت کنیم. البته من این دیدگاه را از دیگران هم دیده بودم.

در چین به عنوان یک کشور شرقی و آسیایی واقعی، فارغ از دین، نوعی هماهنگی و انسجام طبیعی وجود دارد. گاهی ثبات، انسجام و اتحاد با اعمال قدرت ایجاد می‌شود؛ اما گاهی این انسجام و اتحاد ناشی از تحقق طبیعی ویژگی‌هایی است که در درون افراد وجود دارد. به نظر می‌رسد اتحاد در چین از قسم دوم است. ویژگی‌هایی در کشور چین وجود دارد که تحقق بیرونی آن، نوعی انسجام اجتماعی و جمعی را موجب می‌شود. در جاهای دیگر آنچه موجب ایجاد انسجام می‌شود، تا مقدار زیادی مربوط به قوانین و حقوق شهروندی و حقوق متقابل است؛ یعنی چیزهایی به صورت قراردادی و اعتباری تعریف می‌شوند و این امور سپس به



بستری برای این‌که جامعه در کنار هم قرار بگیرند و با هم منسجم شوند، تبدیل می‌شود. البته این تنها عامل نیست؛ اما عامل مهمی است. به نظر می‌رسد انسجام موجود در چین از درون خود جامعه می‌جوشد.

روایت یک رویداد: حدود پانزده سال پیش و زمانی که سفیر ایران در کشور مغرب بودم، طی دعوتی به طور خصوصی به فلورانس رفتم؛ در آنجا تعدادی از اساتید و شخصیت‌های بعضاً طراز اول سیاسی از جمله رئیس کهنه‌کار و با سابقه UNDP حضور داشتند. وی گفت که معجزه بزرگ چین در آن زمان - یعنی در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ - این است که ۱۵۰ میلیون نفر را از زیر خط فقر به بالای خط فقر کشیده است. همه شرکت‌کنندگان متفقا می‌گفتند که چین در سال‌های آینده با یک انفجار درونی مواجه می‌شود. آن‌ها معتقد بودند که مناطق شرقی و مناطق شهری آن کشور بسیار رشد کرده و بسیار پولدار شده است؛ اما مناطق مرکزی، شمالی و غربی و بخش‌های روستایی به مراتب فقیرتر شده‌اند و این یک حالت عرضی است که نمی‌تواند ادامه پیدا کند و به انفجار منتهی می‌شود. اما من باور داشتم که چنین نخواهد شد؛ چون در درون فرهنگ چین نوعی هماهنگی درونی و داخلی وجود دارد که آن‌ها را در کنار هم قرار می‌دهد و نمونه‌ای را مطرح کردم که مربوط به یک افسر اطلاعاتی ایتالیا بود. او می‌گفت پس از جنگ جهانی دوم، تعداد چینی‌ها در استان ونتو ایتالیا افزایش یافت؛ اما حتی در مواردی که اختلافشان به قتل منجر می‌شد هم به دادگاه‌های ایتالیایی‌ها مراجعه نمی‌کردند و مسائلشان را بین خودشان حل می‌کردند. در درون آن‌ها سلسله عواملی وجود دارد که آن‌ها را در کنار هم قرار می‌دهد. همچنین در جریان ناآرامی دانشجویی در هنگ‌کنگ - حدود ۳ یا ۴ سال پیش - که شبیه شلوغی‌های کیف در اوکراین بود، طرفین علی‌رغم شرارت آمریکایی‌ها و غیربومی‌ها بلافاصله با هم کنار آمدند.

• همین‌طور که فرمودید، اختلافاتی از صدر اسلام هم وجود داشته و شدید شده است. این اختلاف‌ها ناشی از چیست؟ آیا ناشی از عوامل ایدئولوژی و اعتقادی یا عوامل سیاسی عوامل اقتصادی است؟ یا این‌که جنگ قدرت است؟ و اگر همه این‌ها است، کدام یک مهم‌تر است و می‌شود گفت که آن علت اصلی است که دیگر علت‌ها را به سمت خود می‌کشاند؟
اصل وجود این اختلافات در بین شیعه قابل انکار نیست و از گذشته هم وجود داشته



است؛ ولی در نگاه دقیق‌تر، گاهی شیعه را به عنوان یک مجموعه کامل و همه شیعیان را به عنوان بخش‌هایی از این مجموعه بزرگ در نظر می‌گیرد و بررسی می‌کند که چه مسائل، ویژگی‌ها و چه اختلاف‌ها و هماهنگی‌هایی دارند. به طور مثال، این مجموعه یک امر مشترک و مقدسی دارد، مثل عزاداری برای امام حسین علیه السلام و تکثیر یا تنوعی در مسائل دیگر دارد؛ اما این تنوع و تکثیر را نمی‌توان اختلاف تلقی کرد؛ زیرا هر دسته از شیعیان مقلد یک مرجع هستند. این اختلاف نیست؛ تنوع است. به نظر من در بحث اختلافات، این‌که شیعه را یک کل ببینیم کار دقیقی نیست. بهتر است به صورت موردی موضوع را ببینیم.

نکته مهم دیگری نیز به طور کلی در خصوص مسلمانان و به طور خاص شیعیان وجود دارد و آن این‌که حساسیت زیادی به غیر هم‌اندیشان خود دارند. یعنی بسیاری از این اختلاف‌ها به طور طبیعی نکته خاصی نیست، ولی چون یک طرف حساسیت دارد، در نتیجه به طور متقابل اختلافات دو طرف با همدیگر تشدید می‌شود. اگر از کنار این اختلاف‌ها «مَرُوا کِرَامًا» بگذریم، اتفاقی نمی‌افتد. این اختلاف‌ها و مشکلاتی که از آن‌ها ناشی می‌شود تا مقدار قابل توجهی مخلوق همان فرهنگ ضدیت با دیگران است که فرد براساس این نگاه، می‌خواهد همه همان‌گونه که او عمل می‌کند، عمل کنند؛ لذا شاید بتوان گفت عامل مهمی که از آن به اختلاف یاد می‌شود را در روان‌شناسی «تحمل غیرخود» می‌نامند. نه فقط عدم تحمل غیرخود، بلکه الزام غیرخود به این‌که باید مانند من شود و مانند من معتقد باشد و عمل کند. متأسفانه باید اذعان کرد که چنین حالتی در مسلمانان وجود دارد و در شیعیان هم احتمالاً قوی‌تر است.

• این روحیه به خاطر قوی بودن بُعد ایدئولوژی مسلمانان نیست؟ چون یک فرد مسیحی قطعاً ایدئولوژی دینی ضعیف‌تری از یک مسلمان - به خصوص از نوع سلفی - دارد؛ یعنی هرچه ایدئولوژی قوی‌تر باشد، حساسیت هم بیشتر است؟

کسی که عقب مانده است تمام رفتار و افکار او عقب مانده است. این موضوع پیش از این‌که در ایدئولوژی ریشه داشته باشد، در عقب ماندگی ریشه دارد. قطعاً چین ۲۰۱۹ م. از چین چهل سال قبل به لحاظ اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، حقوق بشری و حقوق طبیعی خیلی قوی‌تر است. آن‌ها از رشد اقتصادی شروع کردند؛ فارغ از این‌که اساساً عقب ماندگی ناشی از چیست و با چه راه‌هایی می‌شود آن را از بین برد. باید گفت بسیاری از مشکلات امروز



مسلمانان ناشی از عقب ماندگی است؛ به عنوان نمونه، زمانی ماهواره و فضای مجازی ایجاد شد و به همه جای دنیا رفت؛ ولی در چهارچوب دینی، بخش قابل توجهی از این فناوری در خدمت توهین به دیگری درآمده و کارکرد آن صرفاً ناسزاگویی، زنده کردن کینه‌های تاریخی، حساس کردن مردم به یکسری مسائل تاریخی و شعله‌ور کردن تعصبات است. درحالی‌که یک جامعه توسعه یافته می‌داند از این تکنولوژی چگونه و تا چه اندازه‌ای استفاده کند. به همین دلایل است که معتقدم بخش عمده‌ای از این مشکلات در عقب ماندگی ریشه دارد.

• یعنی اگر این عقب ماندگی حل شود، تقریب مذاهب محقق می‌شود؟

با این‌که تقریب محقق می‌شود یا خیر کاری نداریم؛ ولی اختلاف‌ها به مراتب کمتر می‌شود.

• دست‌کم حساسیت‌ها کمتر می‌شود.

بله؛ حساسیت‌های بی‌موردی مثل این‌که کی مقلد چه کسی است و همین‌طور موارد دیگر.

• آیا می‌شود این عقب ماندگی را در حقیقت ناشی از عوامل سیاسی دانست؟

مسائل و عوامل سیاسی اگرچه عقب ماندگی را تشدید می‌کنند، اما دلیل اصلی آن نیستند.

• یعنی عقب ماندگی مسلمانان ذاتی است؟

این بحث مفصلی است. در و دیوار همسایگان جنوبی ما زیباتر و مدرن‌تر از شانگهای است؛ ولی ذهنیت آن‌ها هنوز بدوی است. گاهی اقداماتی از این کشورها و سران آن‌ها سر می‌زند که اوج بدویتشان را نشان می‌دهد. به‌طور مثال، اگر جنبه‌های انسان‌دوستانه و برادرکشی و مسلمان‌کشی را که مرتکب می‌شوند کنار بگذاریم، برای انهدام یک مدرسه یا یک اتوبوس لازم نیست از هواپیمای F۱۶ استفاده کرد؛ زیرا اصلاً به صرفه نیست. نمونه دیگر آن، تصمیم‌های سیاسی آن‌ها است. در حدود ۲۰۵ سال پیش، بالاترین استقبال تاریخی در قطر از بن سلمان انجام شد؛ اما به فاصله کمی، نه تنها با قطر قطع رابطه کردند، بلکه تمامی حصرها و تحریم‌های ممکن را علیه او گذاشتند. نمونه دیگر، عمر البشیر دوست صمیمی سعودی‌ها است که به ریاض بسیار سفر می‌کرد؛ اما این روزها طی یک کودتا و سناریوی سعودی - اماراتی سرنگون شد. این بدویت است؛ من به این، عقب ماندگی می‌گویم؛ یعنی در و دیوار زیبا شده است، اما ذهنیت همان ذهنیت بدوی است.



• نمود این عقب‌ماندگی در جامعه تشیع چیست؟

حساسیت داشتن به این‌که هر شخص از چه کسی تقلید می‌کند مصداقی از عقب‌ماندگی است. امروزه همه جای دنیا تاریخشان را به‌گونه‌ای می‌نویسند که از این مسائل عبور کند. کمتر دو ملتی به اندازه آلمانی‌ها و فرانسوی‌های اوایل قرن نوزدهم - تا جنگ جهانی دوم - با هم دشمن بودند، ولی بعد از جنگ جهانی دوم در چهارچوب بازار مشترک با یکدیگر توافق‌نامه فولاد و زغال‌سنگ امضا کردند که تبدیل به اتحادیه شد. اما ما به‌عنوان شیعیان در این موضوع چندان مقصر نیستیم، بلکه اهل سنت بیشتر مقصر هستند. بسیاری از کتاب‌های نوشته شده یا علیه شیعه هستند یا بیشترشان تحریف تاریخ، تهمت، دروغ‌پردازی و زنده کردن کینه‌های گذشته است. من به این عقب‌ماندگی می‌گویم.

• این عقب‌ماندگی در بدنه جامعه است یا علما هم دچار این مشکل هستند؟ نقش علما

و خواص با توجه به این‌که قاطبه مردم دنباله‌روی آن‌ها هستند، چیست؟

جمله معروفی وجود دارد که «ما خواص از عوام هستیم»، یعنی تفاوتی با آنها نداریم. البته باید اذعان کرد که در جامعه روحانیت ایران (روحانیت به معنای عام کلمه) نوابغ و نخبگان - در مقایسه با طبقات دیگر - بیشتر هستند؛ یعنی روحانیت چه در سطح عموم باشد و چه بین مراجع، کیفیت و حجم پختگی آن‌ها از نخبگان اجتماعی و سیاسی دیگر قوی‌تر است. آیت‌الله سیستانی اگر چه در عراق است، ولی عملاً ایرانی است؛ شما در بین رجال سیاسی، اجتماعی و مدنی چه در ایران و چه در عراق و چه در کل منطقه، کسی را به پختگی سیاسی ایشان پیدا نمی‌کنید. این را بی‌طرفانه می‌گویم، نه به معنای جانب‌دارانه‌اش.

• راه برون‌رفت جامعه شیعه از این مشکلات چیست؟ آیا می‌شود با برگزاری نشست‌ها،

هم‌اندیشی‌ها و این قبیل تعاملات و مبادلات این عقب‌ماندگی را جبران کرد؟

به نظر من خیر؛ عقب‌ماندگی مظاهر مختلفی دارد؛ یکی از مهم‌ترین نمودهای آن عدم شجاعت اخلاقی است. البته این غیر از سد شکستن‌های بی‌مورد و ولنگاری فکری و عملی است. ولی بدون شک در حال حاضر نمی‌توان به دلایل صرفاً تئوریک، جامعه را در حالت ایزوله نگه داشت و در عین حال انتظار داشت که جامعه بتواند توسعه پیدا کند. چین را مثال بزنم؛ یک پزشک متخصص قلب چینی می‌گفت، در دهه هشتاد میلادی بعد از این‌که



چین دروازه‌های خود را به روی جهان گشود، اعزام پزشکان چینی به اروپا از جمله انگلستان آغاز شد. آن موقع این پزشک در لندن بود و گفت: پزشکان متخصص چینی که به انگلستان می‌آمدند، از پزشکی جدید هیچ چیز نمی‌دانستند؛ دانش پزشکی آن‌ها به پزشکی خاص چینی منحصر بود؛ ولی در حال حاضر به سبب ارتباطاتی که پزشکان چینی با علم پزشکی دنیا برقرار کرده‌اند، همه چیز پزشکی جدید را می‌دانند. مسئله و مشکل ما صرفاً ایدئولوژیک نیست؛ به همین دلیل، من مثال پزشکی رازدم؛ اما به عنوان مثال، به گفته خود متخصصین بانک مرکزی، سیستم بانکی ما حداقل ۲۵ سال از سیستم بانکی دنیا عقب است. با سیستم بانکی و تجاری این چینی نمی‌شود با دنیا تعامل کرد. وقتی یک جامعه تصمیم دارد که از حالت ایزوله درآید، باید با دنیا تعامل کند.

ما عادت داریم که دنیا را همیشه از جنبه منفی می‌بینیم، مثلاً همیشه از جنبه انحرافات جنسی می‌بینیم؛ البته این مسائل وجود دارد، اما بخش کوچکی از واقعیت است. البته در جامعه عقب مانده، همیشه ذهن‌ها به همین سمت می‌رود؛ ولی این جامعه اگر بخواهد تجارت یاد بگیرد، بیمه، بانکداری و در کل سیستم واردات و صادرات را یاد بگیرد و عملی کند، باید بتواند با طرف مقابل تعامل کند و حرف بزند؛ همین کاری که در این چهل سال اخیر ترک‌ها انجام دادند. به هر حال، این که شما توان تعامل فعال با جامعه بیرونی را داشته باشید، مهم‌ترین مقدمه برای آن است که بتوانید رشد کنید. حتی در جنبه مذهبی آن نیز این ضرورت تعامل و گفت‌وگو وجود دارد.

• یعنی در حقیقت راه برون‌رفت و راهکار مقابله با اختلاف این است که جامعه شیعه از ایزوله بودن و دور خود حصر چیدن دربیاید، جهانی شود و ارتباطات را بیشتر کند؟

این در صورتی است که فرد خودش احساس غرور واقعی کند که من شیعه هستم؛ دارای این ویژگی‌ها و این تاریخ هستم؛ حتی به عنوان یک ایرانی دارای این تاریخ مفصل تمدنی هستم. آن اعتماد به نفسی که همه نخبگان پیدا می‌کنند، متأسفانه الان وجود ندارد. وقتی وجود ندارد فرد در این حوزه خودش را به این و آن می‌چسباند و در مواردی که خوشش نمی‌آید، به نفی کردن و طرد کردن رو می‌آورد. باید به لحاظ درونی افراد را واجد اعتماد به نفس کنیم و شخصیتشان را از داخل رشد و تقویت کنیم؛ زیرا این، یکی از مقدمات توسعه یافتگی است.



• اجازه دهید مقداری ملموس‌تر و مصداقی‌تر ادامه دهیم. در خصوص هم‌فکری علما با یکدیگر، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی علما و صاحب‌نظران نشست‌ن‌صاحبان دیدگاه‌های مختلف در میان گروه‌های مختلف از علمای شیعه دور یک میز، مذاکره، شنیدن حرف یکدیگر، تبادل نظر و حل مشکلاتشان با هم را بسیار ضروری می‌دانند. برخی این کار را ممکن و بی‌ضرر می‌دانند، اما معتقدند که به نتیجه‌ای دست نخواهد یافت. برخی دیگر نیز آن را کاملاً نفی کرده و معتقدند هرگز نمی‌توانند با گروه مخالف فکری خود - مثلاً آن فرد لندن‌نشین که لعن خلفا می‌کند و احیاناً او را دست‌پرورده استکبار می‌دانند - دور یک میز حاضر شوند. دیدگاه حضرت عالی کدام است؟

معتقدم اصل این قضیه نه ممکن است و نه مفید؛ نمی‌خواهم بر روی این که ممکن نیست، تأکید کنم؛ ولی قطعاً مفید نیست. این مفید نبودن به دلیل کیفیت شکل‌گیری ذهنیتی است که آقایان علما نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند. اصلاً خود اجتهاد و اجتهاد به رأی اگر متعادل نباشد، به سمت افراط می‌رود (دوباره تأکید می‌کنم که آیت الله سیستانی متعادل است).

یکسری مسائل حاد وجود دارد که باید برای آن‌ها فکری کرد و چاره‌ای اندیشید. این مسائل دشوار از طریق نشست‌ن‌علما در کنار یکدیگر حل و فصل نمی‌شود، بلکه باید از روش‌های خود علما استفاده شود. به این معنا که باید واسطه‌هایی باشند که به فلان عالم پیغام بدهند و از او بپرسند چرا نظر او در خصوص فلان موضوع چنین است؛ زیرا این نظر دارای این نتایج، عوارض و مشکلات است. تقریب ذهنی که به نفع کسی یا علیه کسی نیست، بلکه متوجه منافع عالی تشیع است. منظور از این که گفتم نشست‌ن دور یک میز مفید نیست و بر آن هم اصرار دارم، آن است که این کار یک سلسله واسطه می‌خواهد. البته واسطه‌های خوش‌نام، باسواد و بی‌غرض که هدفشان پایان دادن اختلاف به نفع یک نفر یا یک جناح نباشد؛ چرا که کار را خراب‌تر از قبل می‌کند. این راه حل برای مسائل سخت و دشوار است؛ اما جاهایی که اختلاف میان علما حاد نیست - مانند موضوع رؤیت هلال - باید «مژوا کراما» عبور کرد.

• برخی دیدگاه حضرت عالی (مفید نبودن تعامل مستقیم) را دارند؛ اما با یک دلیل و توجیه دیگر؛ آن‌ها معتقدند تعامل مستقیم علما با یکدیگر به نتیجه نخواهد رسید؛ چرا؟ چون در طرف مقابل آن‌ها تعمدی وجود دارد که چنین دیدگاهی داشته باشد. یعنی فلان عالم لندن‌نشین که نسبت به اهل سنت دیدگاه تکفیری دارد و دیگر علمای شیعه و سنی را لعن می‌کند، چون عامل



سرویس بیگانه (به عنوان عامل بیرونی از شیعه) است باید این دیدگاه را داشته باشد (در حقیقت قضیه‌ای که فرد خودش را به خواب زده است)؛ از این رو تعامل با او را مفید نمی‌دانند. مداخله بیرونی چیزی نیست که فقط برای ما شیعیان باشد؛ برای آن‌ها هم که خیلی توسعه یافته هستند، وجود دارد؛ ما جلوی عوامل بیرونی را نمی‌توانیم بگیریم. صرف این‌که شما این حرف را بزنید و به آن اصرار کنید، چیزی را تغییر نمی‌دهد. البته نقش عوامل هم شدت و ضعف دارد. مشکل ما این است که آن کانال‌های ارتباطی را برای حل اختلاف نداریم.

در اوج جنگ سرد بین آمریکا و شوروی - که در چند مورد مثل قضیه خلیج کوک‌ها - نزدیک بود جنگ اتمی رخ دهد، ولی به این دلیل که طرفین از یک حدی توسعه یافته تر بودند، میان آن‌ها کانال‌هایی وجود داشت - به اصطلاح یک تلفن قرمزی وجود داشت - که شرایط را تعدیل می‌کرد. یعنی در مجموعه‌های توسعه یافته هم این طور نیست که اختلاف به وجود نمی‌آید؛ اما کانال‌های واسطه‌ای وجود دارد که شرایط را تعدیل می‌کنند. ما در درون خود در بین نقاط تصمیم ساز و حساس تشیع این چنین کانال‌هایی نداریم و به شدت به آن نیاز داریم. البته اگر این کانال واسطه‌ای میان علما، به صورت موردی نباشد و به یک نهاد تبدیل شود، معضل بزرگی خواهد شد. مشکل جوامع عقب مانده این است که مرتب در آن‌ها نهادسازی می‌شود. این نهاد به جای حل مشکل، خودش مشکل ایجاد می‌کند. در دوره مدرن و عصر حاضر، بهترین حالت این است که شما کمترین تعداد نهاد را داشته باشید. مهم این است که اقدامات واسطه‌ای میان علما باید به صورت موردی - نه شخصی - باشند.

• آیا مدل مطلوب شما همان است که در ترکیه وجود دارد؟

خیر؛ ترکیه دولتی است که نه ما می‌توانیم مانند آن‌ها باشیم، نه مطلوب ما است و نه با ویژگی‌های جامعه ایران و مبانی تشیع هماهنگ است. به لحاظ حجیت شرعی چنین الگویی نمی‌تواند برای ما معتبر باشد. البته در حال حاضر سیستم ترکیه که در بین سنی‌ها بهترین سیستم است، ناشی از آن است که دولت را به معنای واقعی، دولت یا آن کسی که رئیس دولت است را مانند خلفای گذشته ولی امر و او را مشروع به شریعت دینی می‌دانند؛ لذا می‌تواند چنین سیستمی را ایجاد کند. اما در ایران مبانی شیعه اساساً در تعارض با این موضوع است. مدل ترکیه برگرفته از یک واقعیت اجتماعی و یک واقعیت تاریخی است و با هیچ چیز ما شیعیان هماهنگ نیست.



• در شیعه مدل «ولایت فقیه» نمی‌تواند جایگزین مدل ولی امر ترکیه باشد؟ مدل جدیدی

به نام چتر ولایت؟

خیر؛ زیرا بسیاری از فقها ولایت را قبول ندارند؛ البته به این معنا نیست که با این موضوع مخالفت می‌کنند؛ اما به هر حال بر اساس ملاک‌های فقهی [مسئله ولایت را] قبول ندارند. مشکل بزرگ در ایران این است که سیستم مطلوب برای ایرانی‌ها، سیستمی است که خیلی یکپارچه و متحد است و در این سیستم، تنوع را به رسمیت نمی‌شناسند و تعریف نمی‌کنند؛ در حالی که یک مجموعه می‌تواند متحد باشد و در عین حال متنوع هم باشد. اشکال ما این است که خیلی مرکز محور هستیم و می‌خواهیم همه چیز کاملاً با ما هم سو باشد؛ این توقع نه ممکن است نه مطلوب و نه مفید. اختلافاتی که شما مدعی هستید وجود دارد، برساخته ذهنیت شما در خصوص وحدتی است که خود مطلوب نیست. شیعه مطلوب یا جامعه شیعه مطلوب این نیست که همه شبیه همدیگر و بدون هیچ تفاوت و اختلافی باشند؛ گویی که یکسری ماشین هستند. چنان‌که گفته شد این عینیت نه محقق می‌شود، نه مفید است و نه مطلوب. باید در اصل و هویتی که برای تشیع تعریف می‌شود، «تنوع» به عنوان یک عامل مثبت تعریف شود - که واقعاً هم مثبت است -؛ زیرا دست‌کم در دنیای امروز تکثر داشتن درونی مثبت است.

• با نگاه به آینده این اختلافات چه آسیب‌هایی را برای جامعه شیعی به دنبال دارد؟ یا اگر

بخواهیم روی نکته شما متمرکز شویم، اگر این توسعه‌یافتگی مد نظر شما رخ ندهد، چه اتفاقی می‌افتد؟

آنچه مد نظر شما است، اختلاف نیست؛ شما تنوع (تفاوت) را با اختلاف اشتباه می‌گیرید. علت آن هم این است که وحدت مطلوب شما، نوعی وحدت فیزیکی است نه بیولوژیکی؛ یعنی می‌گویید همه مثل من باشند، در حالی که این وحدت محقق نمی‌شود و مطلوب هم نیست. باید هر کسی در جای خود کار خود را انجام دهد؛ ولی در عین حال همدیگر را دفع نکنند و در درون خودشان مرتب در حال جنگ نباشند.

• تکثری که آسیب نباشد و مطلوب هم باشد یا دست‌کم آسیب تلقی نشود، موقعی است که

ما هویت واحد را و وحدت را به مثابه قله یک کوه و افراد را به گونه‌ای تصور کنیم که از دامنه‌های مختلف کوه در حال صعود و رسیدن به قله (و یکی شدن) هستند؛ تفاوت‌های مد نظر شما در



حکم همان تفاوت در راه‌ها و دامنه‌های صعود به قله است؛ در این فرض کاملاً با شما موافق هستیم که تفاوت‌ها آسیمی به وحدت نمی‌زند؛ زیرا قله یکی است؛ اما نکته در این است که در اصل قله اختلاف وجود دارد.
نه؛ مثل شما غلط است.

• آنچه در خارج با آن مواجه هستیم، چنین چیزی است.

در مورد این که چه کسی شیعه است، مسئله فقط اعتقادی نیست، بلکه فرهنگی هم است. اصولاً دین یک مجموعه صرفاً اعتقادی نیست؛ اگر دین نتواند در بین پیروانش فرهنگ خاص خود و ساختارهای شخصیتی و جمعی خودش را ایجاد کند، دین نیست، بلکه صرفاً مجموعه‌ای از احساسات است. این مشکلی است که عموم مستبصرین با آن مواجه هستند؛ یعنی پس از اسلام آوردن یکسری اعتقادات را گرفته‌اند، بدون این که فرهنگش را هم اخذ کرده باشند؛ به همین دلیل خودشان با خودشان دچار تعارض می‌شوند. این که مقومات شیعه بودن چیست و شیعه چه کسی است و حداقل‌ها چیست، صرفاً مجموعه‌ای اعتقادی نیست. شما باید بپذیرید عزاداری پاکستانی که ذوالجناح در آن بسیار مهم است، با عزاداری شما فرق می‌کند. البته تفاوت هم نباید به گونه‌ای باشد که از ضوابط دینی خارج شود و اگر احیاناً خارج از ضوابط دینی بود - همانند تصمیم آیت الله بروجردی رحمته‌الله است در قضیه ورود شیپور و... به عزاداری‌ها که مصلحت را در اغماض دیدند - باید اغماض کرد. نکته این است که این مصلحت‌اندیشی‌ها در حال حاضر وجود ندارد و این حالت، هنگامی وجود دارد که یک فرد یا جامعه‌ای توسعه یافته باشد. به هر حال ما باید این حالت توسعه یافتگی را ایجاد کنیم.

• مؤلفه‌های این توسعه کدام‌اند؟

مسئله توسعه به شیعه ربطی ندارد؛ توسعه نیافتگی صرفاً از باب بیان آفتی است که از آن رنج می‌بریم. این مسئله فقط به شیعه اختصاص ندارد. در جریان حادثه منا، امام جماعت مسجد الحرام می‌گفت، افراد کشته شده باید خیلی خوشحال باشند که در اینجا کشته شدند. به نظر من کسی که این حرف را می‌زند و مردمی که این حرف را قبول می‌کنند، مطلقاً عقب مانده هستند. باید از او پرسید پس مسئولیت تو و کشور تو چه می‌شود؟ مبالغی که دولت از حجاج گرفته است، چه می‌شود؟ فراهم کردن حداقل امکانات در مقابل پولی که دولت شما گرفته از وظایف آن است نه اینکه وظیفه دینی دولت سعودی باشد، بلکه در مقابل



پولی که گرفته است، باید پاسخ‌گو باشد. امروز اگر در گوش یک فرنگی بزیند، میلیون‌ها نفر اعتراض می‌کنند، ولی اینجا هزاران نفر کشته می‌شوند، انگار نه انگار؛ من به این می‌گویم عقب ماندگی.

• آینده محتمل جهان تشیع را با توجه به وضع موجود و وجود آنچه شما آن را عقب ماندگی و عدم توسعه نامیدید، چگونه است؟

در این موضوع نباید خیلی اغراق کرد. عراق در سال‌های اخیر، توسعه درونی زیادی پیدا کرده است. اگر روشی که گروه‌های شیعی بعد از صدام داشتند را با امروز مقایسه کنید، تفاوت عمده‌ای را می‌بینید و روند تغییرات قابل قبول است. کم شدن حساسیت‌ها نسبت به موضوع رؤیت هلال و اثبات اول ماه در ایران نیز به دلیل توسعه است؛ اما این سطوح از توسعه و تغییر نه کافی است و نه متناسب با توسعه‌ای که در دنیا اتفاق می‌افتد. عقب مانده‌ترین بخش دنیا از لحاظ فرهنگی و سیاسی، آفریقا است؛ اما در طی دو سه سال اخیر در آفریقای عقب مانده، پدیده انتقال قدرت به راحتی در چهارچوب قانون و بدون مشکل انجام شده است. به طور نمونه، در زیمبابوه، مוגابه، رئیس‌جمهور مادام‌العمر این کشور، بدون هیچ دردسری کنار رفت؛ در حالی که همین انتقال قدرت در بیست سال پیش در آفریقا همیشه با خون‌ریزی همراه بوده است. حتی در آفریقای جنوبی نیز رئیس‌جمهوری پیشین قصد کناره‌گیری نداشت؛ اما مردم او را بدون درگیری کنار گذاشتند. این که امروزه در غرب به مسائل محیط‌زیستی اهمیت داده می‌شود، نوعی توسعه یافتگی است. به هر حال چه در ایران و چه در عراق این قابل انکار نیست که توسعه ایجاد شده است، ولی برای رفع همه مشکلات لازم است که این توسعه بیشتر شود.

نکته دوم این است که شیعه همان‌طور که مجموعه‌ای از اعتقادات است، مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها نیز است؛ این فرهنگ‌ها در بخش‌های مختلف با هم تفاوت دارند و باید حتماً لحاظ شوند. در بسیاری از موارد عملکرد ما در تعارض با فرهنگ‌های محلی است. من بارها از شیعیان - مخصوصاً در سال‌های گذشته - شنیدم که هر هیئت ایرانی که به هند و پاکستان می‌آید، به دیدن اهل سنت می‌روند و اصلاً به دیدن ما نمی‌آیند. این غلط عمل کردن، غلط فکر کردن و تشخیص ندادن این است که چه کسی متحد تو است.



از سنت‌گرایی اروپایی تا تشیع ایتالیایی

کامران محمد حسینی^۱

| ۴۵ |

چکیده

کتاب «بحران‌ها و تغییر مذهب‌ها» نوشته مینو میرشاه ولد، به بررسی پدیده گرویدن شهروندان ایتالیایی به مذهب تشیع می‌پردازد. این کتاب با تمرکز بر افرادی که ریشه مهاجرتی ندارند، به دنبال پاسخ به این پرسش است که چرا و چگونه افرادی با زمینه فرهنگی اروپایی و مسیحی به تشیع روی می‌آورند.

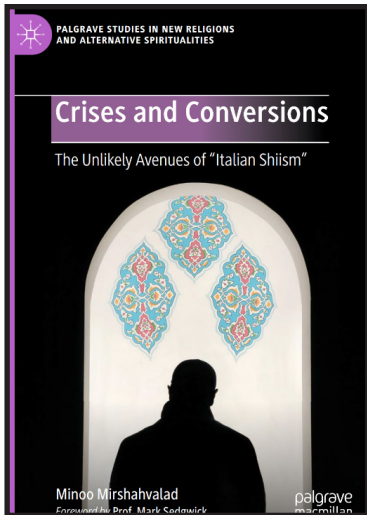
نویسنده با بررسی زمینه‌های فکری و تاریخی، به نقش سنت‌گرایی اروپایی به عنوان بستری برای این تغییر مذهب می‌پردازد. سنت‌گرایی، با نقد مدرنیته و جستجوی ارزش‌های سنتی، به ویژه در شرق، زمینه‌ای را برای پذیرش تشیع فراهم می‌کند. در این میان، چهره‌هایی مانند رنه گنون و ژولیوس اولابا تأکید بر حکمت خالده و ارزش‌های باستانی، نقش مهمی در شکل‌دهی به این دیدگاه ایفا می‌کنند.

میرشاه ولد با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی، از جمله قوم‌نگاری و مصاحبه، به بررسی تجربی پدیده تشیع ایتالیایی می‌پردازد. او نشان می‌دهد که نوکیشان ایتالیایی با حفظ هویت ملی خود، به دنبال ایجاد نوعی تشیع مستقل و سازگار با فرهنگ اروپایی هستند. این افراد با تأکید بر جنبه‌های باطنی و رازورزانه تشیع، از نهاد مرجعیت سنتی فاصله گرفته و به دنبال ایجاد الگوهای جدیدی برای زندگی دینی خود هستند. این کتاب با ارائه تصویری از چالش‌های دین‌پذیری در جهان مدرن، به بررسی رابطه سنت، دین و هویت در عصر جهانی شدن می‌پردازد. نویسنده با طرح پرسش‌هایی درباره تفسیر سنت‌گرایانه از تشیع و آمیختگی آن با عناصر فاشیستی، به نقد این پدیده می‌پردازد و ضرورت تفکر انتقادی در این زمینه را یادآور می‌شود.

واژگان کلیدی: تشیع، ایتالیا، سنت‌گرایی، هویت

۱. پژوهشگر مطالعات تاریخ اسلام و دانش‌آموخته دکتری تاریخ، دانشگاه تهران

k.mohammadhoseini@gmail.com



گزارشی از کتاب

Crises and Conversions The Unlikely Avenues
“of” Italian Shiism

نویسنده: Mino Mirshahvalad

انتشارات: Palgrave Macmillan

۲۰۲۴

درباره نویسنده

مینو میرشاه‌ولد، دانش‌آموخته فلسفه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد از دانشگاه بولونیا و دکترای جامعه‌شناسی دین از دانشگاه تورین ایتالیا

است. او امروزه پژوهشگر پست‌دکتری در دانشگاه کپنهاگ است و حیطه پژوهشی‌اش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی اسلام قید شده. او تاکنون مقالات متعددی در زمینه جامعه‌شناسی جوامع اسلامی و به خصوص جامعه شیعیان ایتالیا منتشر کرده است.

مقدمه

کتاب Crises and Conversions (بحران‌ها و تغییر مذهب‌ها) فرایند تغییر مذهب گروهی از شهروندان ایتالیایی به تشیع را بررسی می‌کند؛ آن دسته از شیعیان ایتالیایی که مهاجریا مهاجرزاده نیستند و مذهب تشیع سنت قومی و ملی آنان نبوده است. برخلاف شیعیان مهاجر که به دلیل پیوندهای قومی و خانوادگی شیعه هستند، این افراد از بستری اروپایی و مسیحی برخوردارند و انتخاب آن‌ها برای گرویدن به تشیع، پرسش‌هایی بنیادینی را در زمینه‌های جامعه‌شناسی دین، هویت و فرهنگ ایجاد کرده است. تعداد دقیق جمعیت ایتالیایی‌های شیعه شده مشخص نیست - چون پرسش از مذهب در سرشماری‌های این کشور ممنوع است - . احتمالاً این دسته از شیعه‌شدگان کمتر از دو درصد کل شیعیان ایتالیا را تشکیل می‌دهند و تعداد آنان از حدود هزار نفر بیشتر نیست؛ اما به رغم تعداد اندک، ویژگی‌هایی دارند که پژوهش درباره آنان را معنادار کرده است. آنان حضور اجتماعی پررنگی دارند و در



برخی جنبه‌ها از شیعیان مهاجر فعال‌ترند. تولید محتوا به زبان ایتالیایی را در فضای مجازی در دست دارند و انتشارات شیعی به زبان ایتالیایی بیشتر در اختیار آنان است. این گروه، به تعبیر نویسنده، واسطهٔ جامعهٔ ایتالیایی و شیعیان ساکن در این کشور هستند.

فرد مسلمان یا شیعه‌ای که از کشورهای مسلمان به ایتالیا یا کشورهای دیگر اروپا مهاجرت می‌کند، برای سازگاری با فرهنگ جامعهٔ مقصد فرایند فرهنگ‌پذیری را طی می‌کند؛ اما وقتی فردی از یک جامعه به دینی که در آن جامعه ریشه ندارد، بگردد، مسئله‌های متفاوتی ظاهر خواهند شد. به خصوص این‌که آن فرد اروپایی باشد و از زمینهٔ فرهنگ مسیحی که در دورهٔ مدرن همواره خود را برتر از ملت‌ها و آیین‌های شرقی دیده است، به دین و آیینی از شرق بگردد. مسلمانان در ایتالیا جمعیت قابل‌توجهی - حدود دو و نیم میلیون نفر - را تشکیل می‌دهند که بیش از یک میلیون نفر از آنان تابعیت ایتالیایی دارند؛ اما اسلام هنوز در ذهنیت عمومی جامعه با مهاجرت پیوند دارد. مسلمانان جمعیتی همگن دانسته می‌شوند و فعالیت مسلمانان تدریجاً به پای همهٔ آنان نوشته می‌شود و بیشتر ایتالیایی‌ها، مسلمانان را تهدیدی برای ارزش‌های فرهنگی به شمار می‌آورند. مسئلهٔ نویسنده در این تحقیق از همین جا آغاز می‌شود.

پرسش نخست این است که یک ایتالیایی در چه زمینهٔ فکری و تاریخی به تغییر کیش تصمیم می‌گیرد و چرا به تشیع رو می‌آورد؟ پرسش دوم این است که وقتی یک ایتالیایی شیعه می‌شود، چگونه خود را با معضل پیوستن به دینی از جنوب جهانی، از فرهنگی پایین‌تر (مطابق برداشت عموم ایتالیایی‌ها)، تطبیق می‌دهد و با چه راهکاری هویت ملی و قومی خود را در جامعهٔ ایتالیایی حفظ می‌کند؟ پاسخ هردو این پرسش‌ها در شناخت سنت‌گرایی (Traditionalism) است. از نظر نویسندهٔ کتاب، سنت‌گرایی هم زمینهٔ تاریخی و نظری مناسب برای تغییر کیش این دسته از شیعه‌شده‌های ایتالیایی را فراهم کرده و هم تفسیر خاصی از مذهب تشیع به دست داده است؛ تعریفی که کمک می‌کند تا نوکیش ایتالیایی از هویت ملی، تاریخی و تمدنی خود گسسته نشود.

میرشاه‌ولد برای پاسخ به پرسش‌هایش دو بحث را در این پژوهش پیش برده است؛ بحث نخست، شرح مبسوطی از سنت‌گرایی اروپایی است؛ گرایش فکری و فلسفی که ادعا شده



زمینه تاریخی تغییر کیش گروهی از ایتالیایی‌های شیعه شده را فراهم آورده است. چهار فصل نخست کتاب به شرح مهم‌ترین نمایندگان تفکر سنت‌گرایی در اروپا و به خصوص در ایتالیا و تصور آنان از اسلام و تشیع اختصاص داده شده است. نویسندگان در پی نشان دادن عناصری از اندیشه این متفکران است که در زمینه تاریخی ایتالیای معاصر، به برداشت خاصی از تشیع انجامیده است.

نویسندگان در فصل‌های بعدی کتاب تلاش کرده عناصر فکری ایتالیایی‌های شیعه شده را دسته‌بندی کند و عناصر تفکر سنت‌گرایی را در اندیشه آنان نشان دهد. عناصری که برای حفظ هویت ملی و تاریخی نوگروندگان اهمیت زیادی دارند. میرشاه ولد برای آوردن این دسته از اطلاعات، از روش‌های تجربی بهره گرفته است: قوم‌نگاری، بررسی ادبیات شیعیان ایتالیایی و مصاحبه. او بخشی از اطلاعات خود را به روشی که آن را «قوم‌نگاری آنلاین» می‌نامد، با بررسی محتوای تولیدشده توسط شیعیان ایتالیا در فضای مجازی به دست آورده است. علاوه بر قوم‌گرایی آنلاین و مرور ادبیات منتشرشده توسط نوکیشان ایتالیایی، او بین ژوئن ۲۰۱۸ تا ژانویه ۲۰۲۳، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و قوم‌نگاری حضوری استفاده کرده و ۲۷ مصاحبه رسمی و نیمه‌ساختاریافته با ایتالیایی‌های بزرگسالی انجام داده که شیعه شده‌اند. این افراد شامل ۶ زن و ۲۱ مرد هستند.

میرشاه ولد همچنین ابزار دیگر مطالعه تجربی خود را «قوم‌نگاری حضوری» در مکان‌های تجمع و مؤسسه‌های مدیریت شده توسط نوکیشان معرفی می‌کند:

در تابستان ۲۰۱۸، من به MC و DDS در رم مراجعه کردم. MC (Associazione Islamica Imam Mahdi) یکی از زیباترین سالن‌های عبادت اسلامی در ایتالیا را دارد. این انجمن فرهنگی تنها شهروندان ایتالیایی را در هیئت اجرایی خود می‌پذیرد. سالن که تقریباً ۴۵۰ متر مربع مساحت دارد، در طبقه زیرزمین یک ساختمان مسکونی واقع شده....

DDS یا (Dimore della Sapienza) یک حلقه از روشن‌فکران با پیشینه‌های دینی متنوع است که شب‌ها در یک اتاق ساده (احتمالاً یک گاراژ قدیمی) به مساحت حدود ۴۰ متر مربع گرد هم می‌آیند. این سالن ساده همچنین مقر انتشارات عرفان



است. عرفان کتاب‌هایی در زمینه فلسفه و الهیات شیعه یا دیگر موضوعات مرتبط با عرفان منتشر می‌کند. مجله Quaderni della Sapienza یکی از محصولات همین مؤسسه است.

در می ۲۰۲۲، فرصتی برای بازدید از Centro Tarsis در تریست داشتیم که یک حلقه روشن فکری دیگر از نوکیشان شیعه در یک آپارتمان ساده با مساحت تقریباً ۸۰ متر مربع در مرکز شهر واقع شده است...

در طول تحقیق من، همچنین با دیگر نوکیشان در مکان‌های تجمعی که مورد بازدید شیعه‌زادگان قرار می‌گیرد، از جمله مرکز امام علی (AC) با پشتیبانی ایرانی در میلان و مرکز توحید، اداره شده توسط لبنانی‌ها در تورین ملاقات کردم (ص ۱۲-۱۳).

توضیح تصویر: جلد نشریه Quaderni della Sapienza از انتشارات عرفان



این مقاله گزارشی کوتاه از کتاب حاضر است که صرفاً برای آشنایی جامعه نخبگان با رویکردهای مطالعاتی در این حوزه ارائه شده است و نویسنده این مقاله و مسئولان دوفصلنامه معرفت شیعه با دیدگاه‌های مطرح شده در آن موافق نبوده و بر این باورند که چنین مقالاتی زمینه نقد علمی و همچنین ضرورت ارائه پژوهش‌هایی کارشناسانه که تبیینی دقیق و درست از موضوع ارائه دهد را مهیا می‌سازد.

سنت‌گرایی

سنت‌گرایی واکنشی انتقادی به بحران از دست

رفتن ارزش‌های قدیم در مدرنیته است و نگاهی نوستالژیک به دنیای پیشامدرن دارد. این تفکر بعد از انقلاب صنعتی اروپای غربی، در پایان قرن هجدهم، در فلسفه و ادبیات بازتاب گسترده‌ای یافت. در این دوران گروهی از متفکران، فیلسوفان و متکلمان مسیحی در نقد



مدرنیته سخن گفتند. برای نمونه، می‌توان از پاپ پیوس نهم (م ۱۸۷۸م) یاد کرد که ناخشنودی خود را از ایده پیشرفت و لیبرالیسم اعلام کرد. سنت‌گرایی اروپایی خیلی زود راه خود را از دین جدا کرد. بسیاری از سنت‌گرایان غربی راه برون رفت از بحران مدرن را بازگشت به مسیحیت نمی‌دانستند. آنان در جست‌وجوی حقیقتی بودند که می‌پنداشتند فراتر از ادیان است و شاید در ادیان مستقر یافت نشود؛ به خصوص در مسیحیت که با مدرنیته آمیخته شده است. آنان از این حقیقت‌نهایی و پنهان با عنوان «حکمت خالده» یا «جاودان خرد» (perennial philosophy) یاد می‌کردند. بدین ترتیب انتقاد به بحران مدرنیته غربی و جست‌وجوی حکمت جاویدان، دو پایه سنت‌گرایی غربی بود.

در آغاز سده بیستم میلادی، مهم‌ترین چهره سنت‌گرایی که سنت‌گرایان بعدی وام‌دار آثارش هستند، رنه گنون (م ۱۹۵۱م) René Guénon فیلسوف فرانسوی مسلمان شده بود. از دیدگاه گنون منظور از سنت، آداب و رسوم نیست، بلکه سنتی غیر قابل تغییر الهی است و راه دستیابی به آن، شناخت تجلی‌های اصیل آن است. دستیابی به این سنت کار همگان نیست و تنها نخبگان بر آن توانمندند. از همین جا است که سنت‌گرایی گنونی با ایده‌های برابرخواهانۀ دموکراسی و با آرمان همگانی کردن دانش مخالفت می‌کند؛ زیرا حکمت جاویدان تنها برای گروهی از خواص قابل درک است و از طریق آموزش همگانی انتشار نخواهد یافت. از دیدگاه گنون، بیان اصیل سنت را باید در شرق جست‌وجو کرد؛ چون حتی سنت‌های دینی غربی مانند کاتولیسیسم چنان با دنیای مدرن آمیخته شده‌اند که از حکمت جاودان دور افتاده‌اند. شرق، مهد حکمت خالده بود. گنون بیش از همه سنت مورد نظرش را در آیین هندوئیسم یافت و عناصر تفکر هندی از جمله تعالیم ودانتا در اندیشه او باقی ماند؛ اما او در نهایت به اسلام گرایش پیدا کرد و سال ۱۹۱۰م. مسلمان شد و نسخه اسلامی تعالیم ودانتا را در اندیشه «وحدت وجود» در عرفان اسلامی یافت.

تفکر سنت‌گرایی در ایتالیا، با فکر بازگشت به روم باستان پیوسته بود؛ دورانی پرشکوه که سنت‌گرایی ایتالیایی می‌کوشید آن را در جهان مدرن احیا کند. نزد برخی سنت‌گرایان ایتالیایی، از جمله ژولیوس اوولا Julius Evola (م ۱۹۷۴م)، آرزوی بازگشت به سنت‌های رومی با گرایش به شرق و با ایدئولوژی فاشسیم درهم آمیخت. اوولا نماینده مهم اندیشه گنون در



ایتالیا بود و نزد نوکیشان ایتالیایی نیز شخصیت شناخته شده‌ای است. نویسنده کتاب، نام اوولا را نخستین بار در یکی از مجالس شیعه شدگان ایتالیایی شنید و از نفوذ افکارش نزد این دسته از شیعیان اطلاع یافت.

اوولا آشکارا طرفدار فاشیسم مقدس بود. او بسیاری از آثارش را در فاصله جنگ جهانی اول و دوم و در دهه ۱۹۲۰م. نگاشت؛ زمانی که در اروپا و به خصوص در ایتالیا، جنبش‌ها، احزاب و ایدئولوژی فاشیسم در حال رشد بودند. اوولا به فاشیسم اعتقاد داشت که قادر به احیای دولت مقدس براساس مدل امپراطوری روم باشد. یک دولت مرکزی قدرتمند که در عین حال هم موجودیتی سیاسی و هم ساحتی اخلاقی داشت. پادشاه چنین امپراطوری‌ای هم نماینده معنویت بود و هم نمونه کامل یک جنگجو. اوولا در پی غلبه بر نیهیلیسم غرب بود؛ اما نه از طریق دین. او برخلاف گنون، ادیان را لزوماً پیروان سنت نمی‌دانست و برای ادیان

به استقلال ارزشی قائل نبود، بلکه تنها تاجایی که ادیان بازتاب دهنده سنت و وفادار به آن بودند، برای او قابل پذیرش بودند. او به خصوص با مسیحیت دشمنی داشت و تعالیم این دین را از میان برنده سنت‌های قدیم رومی و اروپایی می‌دانست.



اوولا در برابر تجدد، جهان باستان را می‌ستود. از نظر او غرب باستان با شرق که مراکز معنویت در آن قرار داشت، ارتباط نزدیکی داشتند. پارس، هند و اروپا یک ریشه داشتند و از منشأ نژادی یکسانی می‌آمدند.

سنت اروپایی حقیقی همانی بود که در هند، ایران و یونان باستان جاری بود. از نظر دینی نیز میترائیسم غرب و شرق را به هم پیوند می‌داد. میترائیسم همان معنویت است که اوولا آرزو داشت در امپراطوری آرمانی جانشین مسیحیت شود.

علاقه به میترائیسم اوولا را به ستایش ایران باستان کشاند. ایران باستان یکی از تمدن‌هایی بود که ماهیت «اصیل» دولت را به نمایش گذاشته بود. چنین دولتی نه تنها یک سیستم قدرت، بلکه یک واقعیت معنوی و اخلاقی بود. از نظر اوولا سنت بت پرستانه روم باستان با سنت‌های



ایران باستان در میترائیسم متحد می‌شد. اوولا به خصوص ایران را به دلیل درهم آمیختگی گنوسیسم و جنگاوری می‌ستود. گنوسیسم ایرانی تنها دل خوش به ساحت اندیشه درونی نبود، بلکه ذاتی جنگجو و قهرمانی داشت. اوولا بر معنویت باطنی جنگ و جنگاوری تأکید می‌کرد و - برخلاف گنون که در برابر مدرنیته نوعی کناره جویی عرفانی را تجویز می‌کرد - در عرصه سیاسی انقلابی و طرف دار اقدام نظامی بود. او در برابر تواضع مسیحی از جنگ مقدس دفاع می‌کرد و بر آن بود که جنگ در جهان باستان نوعی مناسک مذهبی به شمار می‌رفت و مرد سنتی جانبازی را راه کاتارسیس و جاودانگی تلقی می‌کرد.

هم‌زمان که در بین دو جنگ جهانی فاشیسم ایتالیایی در برابر بلشویسم با مسلمانان متحد می‌شد، اوولا نیز به برخی جنبه‌های اسلام توجه نشان داد. فاشیست‌های ایتالیا، این کشور را پلی بین دنیای عرب و اروپا توصیف می‌کردند و حتی گاهی موسولینی را حامی اسلام معرفی می‌کردند و فاشیسم را نوعی احیای اسلام در قرن بیستم می‌دانستند. اوولا در کتاب شورش علیه جهان مدرن، اسلام را ستایش کرد. از نظر او اسلام ارتباط مستقیمی با سنت اولیه داشت. با این‌که اسلام ریشه سامی داشت؛ اما توانست بر جنبه‌های منفی سامی‌گری که در یهودیت و مسیحیت ظاهر شده بود، غلبه کند. ریاضت در اسلام از طریق عمل بود نه تفکر محض. مسلمانان با ارزش گذاشتن به جهاد و شهادت، توانستند روح خود را از ماده‌گرایی برهانند و از سنت‌های مسیحی و یهودی فاصله بگیرند. اسلام همچنین برخی عقاید جزمی دیگر ادیان ابراهیمی از قبیل نجات یا واسطه‌گری طبقات روحانی را نپذیرفت. هم‌زمان اسلام به نوعی جانشین سنت آریایی ایرانی نیز بود. به عقیده او، نگرش معنوی به جنگ، میراثی ایرانی بود که به اسلام رسیده بود. ترکیب عرفان و جنگاوری چیزی بود که از نظر اوولا، زرتشتی‌گری را به اسلام پیوند می‌زد. اوولا درباره تشیع نیز داورایی‌هایی کرده است. باطن‌گرایی اسلامی که مهم‌ترین تجلی آن در تصوف و تشیع بازتاب یافته، ویژگی جذاب دیگری برای اوولا بود که شناختی نه‌چندان روشن و کامل درباره سنت تشیع اسماعیلی داشت.

این جانشینان فکری اوولا بودند که پروژه بازخوانی تشیع را به گونه‌ای دنبال کردند که با تاریخ ایتالیا و سنت‌گرایی جدید غربی پیوند یابد. واسطه چنین پیوندی ایران بود. تشیع در



چنین خوانشی از خاستگاه عربی - سامی اسلامی جدا می شد و رنگ و ریشه ایرانی می یافت. شناخت تشیع همچون مذهبی ایرانی یا قرآنی ایرانی از دین اسلام سابقه طولانی داشت و در بین خاورشناسان نیز طرفداران زیادی داشت. آرتور گوینو، ارنست رنان و هانری کرین کسانی بودند که یا تشیع را شورشی در برابر اسلام می دانستند یا دست کم آن را میراث بر روح ایرانی می دیدند. از میان شاگردان اوولا، فیلیپانی رونکونی (م ۲۰۱۰م) Pio Filippini Ronconi سهم عمده ای در درک سنت گرایانه از ایران باستان و تشیع داشت. او ایده آل های اوولا در مورد روم باستان و اسرار آمیز را با تفسیر آرمان شهری کرین از ایران ادغام کرد. به این ترتیب راه حل بحران غرب که از نظر اوولا با احیای امپراطوری روم باستان مطابقت داشت، در رونکونی در ایران قابل ردیابی بود. تصویر رونکونی از تشیع، شامل عناصری بود که قبلا کرین را مجذوب خود کرده بود؛ ویژگی های رازورزانه و غیبی که عناصر سازنده تفکر غالبان شیعه بود؛ بی دلیل نبود که رونکونی کتاب ام الکتاب را به ایتالیایی ترجمه کرد.

او همچنین بر تناسب تشیع و آیین زرتشت پافشاری کرد. از نظر او، امامت بازتاب انتقال زروان بود که در ایران باستان از شاهی به شاه دیگر منتقل می شد. رونکونی تأکید کرد که عرفان اسلامی از ابن عربی تا عرفان ایرانی معنویتی را توسعه داده است که از میراث پیامبر اسلام ﷺ و

Centro Studi Internazionale
Dimore della Sapienza - Dipartimento Studi Storici

presenta:
JULIUS EVOLA
UN PENSATORE
SEMPRE ATTUALE

SABATO 12 NOVEMBRE 2016 ALLE ORE 15.30
Sala Pasquali - Via Pietro Pasquali 5 - Brescia
vicino alla stazione della metropolitana - Marconi

ingresso gratuito

relatori:
Prof. Claudio Mutti
fondatore delle Edizioni all'Insegna del Vetro - "L'Islam nella prospettiva di Julius Evola"
Vincenzo Iurato
Heliodromos - "Evola: una consegna per i tempi ultimi"

moderatore:
Paolo Rada

Centro Studi Internazionale Dimore della Sapienza - "Introduzione al pensiero di Evola"

seguirà dibattito

ELIODROMOS EURASIA

قرآن نشئت نمی گیرد؛ بلکه وام دار سنت های عرفانی، هرمسی و زرتشتی باستانی است. او حتی باورهای شیعی درباره امامان به عنوان صاحبان حکمت الهی و انسان کامل را برگرفته از قرآن و جریان اصلی اسلام نمی داند. چنین برداشتهایی از تشیع نزد برخی دیگر از شاگردان رونکونی مانند موتی Claudio Umar Amin و Mutti ادامه یافت.

بدین ترتیب نزد بخشی از متفکران سنت گرای ایتالیا، پیوندی بین سنت های ایرانی، بخش هایی از دین اسلام و مذهب تشیع و عناصری از تفکر فاشیستی به هم آمیخت. میرشاه ولد، نویسنده کتاب مورد بحث، مدعی است که این زمینه فکری در شکل گیری تشیع ایتالیایی در روزگار



معاصر تأثیرگذار بوده است؛ هرچند نمی‌توان آن را یک عامل علی برای تغییر دین شیعیان ایتالیایی مطرح کرد.

← تصویر روبه‌رو، پوستری یکی از جلسه‌های DDS برای بررسی اندیشه اوولابا سخترانی موتی در سال ۲۰۱۶ است.^۱

جست‌وجوی دین تازه و مسئله هویت ملی

تغییر دین، دست‌کم برای گروهی از سنت‌گرایان ایتالیایی، واکنشی به بحران مدرنیته بود. بحرانی که از نظر آنان کلیسای مسیحی توان پاسخ به آن را نداشت. نارضایتی از کلیسای مسیحی در پاسخ برخی مصاحبه‌شوندگان، یکی از دلایل تغییر مذهب عنوان شده است. آنان برخی عقاید جزمی کلیسا مانند تثلیث، رستگاری، ماهیت الهی عیسی و وساطت طبقه روحانی در اجرای آیین‌های مقدس را توجیه‌پذیر نمی‌دانستند و نبود فقه مدون در مسیحیت را عامل سردرگمی مؤمنان و سستی اخلاقی آنان به شمار می‌آوردند و از عدم دسترسی یا ناکارآمدی خدمات کلیسایی دل‌زده شده بودند.

اما چرا این گروه از سنت‌گرایان اروپایی از بین معنویت‌های جایگزین، تشیع را برگزیده‌اند؟ پاسخ نویسنده این کتاب این است که تشیع که با انقلاب اسلامی ایران در برابر غرب به سرکردگی آمریکا ایستاده بود، نمونه عملی آرمان مبارزه‌ای بود که برای سنت‌گرایان و علاقه‌مندان به فاشیسم ایتالیایی الهام‌بخش بود. بعد از شکست در جنگ جهانی دوم، احزاب فاشیست در دوران جنگ سرد به بحران ایدئولوژیک گرفتار شده و دچار انشقاق و اختلافات درونی شدند و از سوی دیگر، توسط حکومت‌ها به شدت محدود گردیدند. در چنین شرایطی، در ایتالیا حمایت از آرمان مسلمانان به جایگزینی برای بخشی از علاقه‌مندان به فاشیسم تبدیل شد؛ گروهی که دیگر نمی‌توانست به جنگ یا بسیج بزرگی علیه مدرنیته غربی دست یازد. نویسنده توضیح می‌دهد:

در حین کار میدانی، با چند سازمان راست افراطی مواجه شدم که به آشکال مختلف و با همکاری نوکیشان از جنبش‌های اسلامی طرف‌دار ایران در لبنان، سوریه، یمن و عراق حمایت می‌کردند.

1. <https://www.raido.it/politico/tag/centro-studi-internazionale-dimore-della-sapienza/>



مهم‌ترین و قابل‌درک‌ترین ویژگی تشیع ایتالیا، تلاش آن برای حفاظت از خودپنداره فرد شیعه شده به عنوان یک ایتالیایی است. این دسته از نوکیشان، معمولاً تغییر دین را به معنای زندگی کاملاً تازه یا تبدیل (conversion) کامل تلقی نمی‌کنند، بلکه آن را بهبود روش زندگی و عقیده‌شان می‌دانند. بیشتر سنت‌گرایان به نوعی تکثرگرایی دینی اعتقاد دارند و تفاوت ادیان را به ظاهر آن‌ها (شریعت) مرتبط می‌دانند و آنچه را در باطن ادیان وجود دارد، حقیقتی واحد به شمار می‌آورند. به گفته میرشاه ولد، همین عقیده نزد نوکیشان مورد مطالعه او رواج دارد و به آنان کمک می‌کند تا هویت اصلی خود را حفظ کنند و تغییر دین را تنها تغییری در ظاهر زندگی به حساب آورند نه همچون تولدی دوباره.

تلاش برای حفظ هویت ملی بین شیعیان ایتالیایی، نمودهای گوناگونی دارد. برای نمونه، بسیاری از نوکیشان از نام‌هایی استفاده می‌کنند که با تاریخ و تمدن روم و ایتالیا ارتباط می‌یابد. داستان‌هایی که نوکیشان درباره نام خود می‌گویند، پل‌هایی است که بین گذشته و حال خود می‌سازند: بین شیعه شدن و ایتالیایی ماندن. برای نمونه، نام «نرجس»، مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که براساس روایات یک زن رومی بود، از نام‌های محبوب زنان شیعه شده است. حتی مردی ایتالیایی در تریست نیز نام «بشیر» را برای خود برگزید؛ زیرا (به ادعای او) این نام خدمت‌کار نرجس بود. نام سلمان نیز بین نوکیشان بسیار رواج دارد. سلمان همچون نماینده کهن‌الگوی انسان کامل و معنویتی است که در عین حال عرب نیست و نژاد ایرانی دارد و مانند ایتالیایی‌ها، از نژاد هند و اروپایی است.

تمایز و برتری (شیعه شده / شیعه زاده)

بازگردیم به یکی از پرسش‌های اصلی کتاب؛ نوکیشان ایتالیایی چگونه باید هویت غربی و مدرن خود را از آمیختگی با دینی که هنوز به طور گسترده با مهاجرت و سبک زندگی عقب مانده تداعی می‌شود، جدا کنند؟ آیا می‌توان از نظر مذهبی سنتی شد، اما از نظر فرهنگی مدرن ماند؟ تمایز بین خود و شیعیان مهاجر که در خانواده‌های شیعه به دنیا آمده‌اند، یکی از راه‌هایی است که نوکیشان به آن رو آورده‌اند. به گفته میرشاه ولد، ایتالیایی‌های شیعه شده نه تنها در خلال مصاحبه‌ها از راه‌های گوناگون تأکید کردند که مذهبشان و شیوه شیعه بودنشان با



مهاجران تفاوت اساسی دارد، بلکه شیوه‌های بیرونی کردن تعلق‌های مذهبی آن‌ها نیز گواه این تفاوت است. برای نمونه، توانمندی در زبان ایتالیایی، آن‌ها را قادر می‌سازد تا بیشتر از ارتباطات کلامی استفاده کنند و مثلاً به جای راهپیمایی، از طریق نشریه‌ها و گفتگوهای عمومی دیده شوند. از نظر نوکیشان ایتالیایی، نه تنها افراد شیعه‌زاده چیز خاصی برای انتقال به نوکیشان ندارند، بلکه این نوکیشان هستند که از نظر فکری به اندازه کافی برای آموزش تشیع به افراد شیعه‌زاده احساس آمادگی می‌کنند. آنان حتی در مسیر دینی، خود را وابسته یا تأثیرگرفته از شیعه‌زادگان ساکن ایتالیا نمی‌دانند. نوکیشان ایتالیایی حتی در مخالفت با مهاجران با دیگر اقبشار جامعه ایتالیا هم‌زبان هستند.

بدین ترتیب، - به تعبیر نویسنده - تشیع نوکیشان یک میراث خانوادگی نیست، بلکه تلاشی برای ساخت سپری در برابر مدرنیته است. سپری که مستقل از شیعیان در سرزمین‌های اصلی ساخته شده است. در چنین گرایشی، اسلام از خاستگاه فرهنگی خود در خاورمیانه جدا دانسته می‌شود. یکی از شیعه‌شدگان ایتالیایی معتقد است که اروپایی‌هایی مانند او، باید راه غربی خود را به سوی اسلام بیابند و بکوشند هویت خاص مسلمان غربی یا شیعه غربی را بسازند. نوکیشان عقیده دارند که تشیع یا اسلام می‌تواند به اروپا کمک کند تا بر بحران جهان مدرن غلبه کند و اروپای سنتی را احیا نماید؛ اما در عین حال معتقدند که اسلامی کردن اروپا، باید توسط نوکیشان انجام شود نه شیعیان متولدشده که بیشتر برای بهبود شرایط مادی خود به اروپا آمده‌اند تا دلایل معنوی.

بازتولید ادبیات شیعی به زبان ایتالیایی، یکی از ابزارهای نوکیشان ایتالیا برای حفظ استقلال فرهنگی‌شان از شیعه‌زادگان است. غیر از عبادت‌های اسلامی، سخنرانی‌ها و سایر ارتباطات، همه به زبان ایتالیایی صورت می‌گیرد. نوکیشان حتی برای دیدارهای جهانی که به مناسبت عاشورا برگزار می‌شود، مرثیه‌های ایتالیایی می‌نویسند که علاوه بر مرثیه‌های فارسی و عربی خوانده می‌شود. زمانی که یک نوکیش ایتالیایی، تشیع را به فرهنگ و زبان ایتالیایی تبلیغ می‌کند، برای مردم ایتالیا جذاب‌تر است. از این رو نسل اول نوکیشان، بهترین تبلیغ‌کنندگان شیعه در ایتالیا بوده‌اند. آن‌ها عاشق تبلیغ مسئله‌هایی هستند که تجربه کرده‌اند. بسیاری از نوکیشان ادعا می‌کنند که اگر شیعه‌زاده‌ها این دین را به آنها ارائه می‌کردند، آنان نمی‌پذیرفتند.



به همین دلیل، اجتماع‌های نوکیشان پیرامون اولین نسل نوکیشان، یعنی یوجنیو حسن تابانو (Eugenio Hasan Tabano) و لوئیجی عمار د مارتینو (Luigi Ammar De Martino) شکل گرفته است.

تشیع ایتالیایی

سنت‌گرایان ایتالیایی شیعه شده، در تفسیر خود از تشیع تا حدودی از سنت‌های شیعی سرزمین‌های شیعه‌نشین فاصله گرفته‌اند. پیش‌تر گفتیم که آنان طرف‌دار قرائتی از تشیع‌اند که بر جنبه‌های رازورزانه بنیاد دارد و به میراث غالبانه و باطنی نزدیک می‌شود. درست است که تشیع در ایتالیا تا حد زیادی در پی انقلاب شیعی دوازده‌امامی در ایران احیا شد؛ اما تحت تأثیر تفسیرهای سنت‌گرایانه از تشیع، به تفکر اسماعیلی نزدیک گردید. برداشت ادواری از تاریخ، باطن‌گرایی، مبالغه درباره ویژگی‌های اهل بیت علیهم‌السلام و برداشت آخرالزمانی از مهدویت، از ویژگی‌های تفکر شیعی نزد شیعیان ایتالیا است. امامان شیعه در دیدگاه سنت‌گرایانه، حامل اندیشه رازورزانه، تجلی الهی و مرکز عالی سنت‌اند. این امامان بودند که تفسیرهای باطنی و گنوسی از قرآن ارائه داده‌اند، امری که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قادر به انجام آن نبود؛ زیرا او تنها مروج پیام الهی و قانون‌گذار بود. نزد این گروه، نخبه‌گرایی از دیگر ویژگی‌هایی است که به تشیع بار می‌شود. از نظر شیعیان ایتالیایی سنت‌گرا، اسرار موجود در تشیع برای همگان قابل فهم نیست و تنها به گروهی از خواص اختصاص داد.

برداشت باطنی از تشیع، زمینه جدایی شیعیان ایتالیا از نهاد فقه و مرجعیت شیعه است. به باور شیعیان ایتالیا، تمایز اصلی مذهب شیعه و سنی در میزان توجه هر یک از آن‌ها به احکام فقهی است. از نظر آنان، اسلام سنی فقه‌گرا است؛ در حالی که در تشیع عشق به امام محور است. میرشاه ولد بر آن است که نزد شیعه شدگان ایتالیا، جایگاه روحانیت و مراجع دینی با آنچه در جوامع شیعی از جمله ایران رایج است، تفاوت دارد. جامعه شیعه ایتالیایی تا حدی از مراجع تقلید شیعه گسسته هستند. بخشی از این گسستگی به دلیل عدم دسترسی به مجتهدان است که در ایتالیا فعالیت چندانی ندارند؛ اما بخشی دیگر به برداشت شیعه ایتالیایی از تشیع و تلاش برای ساخت نوعی تشیع مستقل ایتالیایی مربوط است. هرچند



در ایتالیا یک حوزه علمی به واسطه شیعیان پاکستان و نیز شعبه‌ای از جامعه المصطفی صلى الله عليه وآله تأسیس شده است، اما نوکیشان ایتالیایی، به تشکیل یک حوزه ایتالیایی علاقه مند هستند. آن‌ها فکر می‌کنند به گونه خاصی از راهنمایی نیاز دارند. از نظر آنان مرجع دینی، باید کسی باشد که بتواند مسائل را به زبان ایتالیایی، برای ایتالیایی‌ها و مطابق با نگرانی‌های آنان مطرح کند. به گفته نویسنده کتاب، شیعیان ایتالیایی گاهی نمی‌دانند مرجع تقلید کیست و آنان که مرجعیت را می‌شناسند، ارتباط با مراجع در کشورهایی مانند ایران و عراق را مفید نمی‌دانند. یک نمونه از اظهارنظرهای یکی از نوکیشان می‌تواند چارچوب اندیشه آنان را آشکار نماید:

زندگی در اینجا واقعاً سخت است و پیروی از قوانین دشوار است، حتی چیزی به سادگی دست دادن با جنس مخالف. در ایران، این مسئله مشکلی ندارد؛ اما اینجا، این کار بی ادبی محسوب می‌شود. در شیعه‌گری، ما اصل «عقل» را داریم. من یک پسر ۹ ساله دارم. تا کی می‌توانم به او بگویم که نمی‌تواند با دوستانش به بار برود؛ زیرا آن‌ها الکل می‌نوشند. این مسخره است که از مقام دینی در ایران بپرسم آیا می‌توانم این کار را بکنم یا نه (ص ۱۳۳).

مصاحبه‌شونده دیگری ضمن اشاره به اهمیت مرجعیت و لزوم پیروی از آنان تأکید می‌کند که نمی‌توان در فقه سخت‌گیر بود و باید در مواردی از قضاوت شخصی بهره گرفت. برای نمونه، با این که مراجع، گوش دادن به موسیقی را حرام می‌دانند، از نظر او رعایت چنین قاعده‌ای برای شیعه‌ای که در ایتالیا زندگی می‌کند، امکان‌پذیر نیست.

این چالش‌ها باعث شده است که در بین شیعیان ایتالیایی جایگزین‌هایی برای مرجعیت شیعه ایجاد شود. گاهی افرادی از شیعیان که مورد اعتماد جامعه محلی هستند و مطالعه‌های حوزوی هم دارند، جای مراجع را گرفته‌اند و دستورالعمل‌هایی هم برای جامعه شیعه ایتالیا صادر می‌کنند. نویسنده از یک نمونه سخن گفته است؛ گروهی از شیعه‌شدگان در ایتالیا، یوجینو تابانو در تریست را امام می‌نامند و برای مسائل خود به او مراجعه می‌کنند. او نیز دستورالعمل‌هایی را برای این پیروان پیشنهاد کرده است و مثلاً به جای حجاب، از زنان خواسته موهای خود را کوتاه نگاه دارند یا دامن و آستین کوتاه نپوشند.



سخن آخر

کتاب Crises and Conversions نشان می‌دهد که تغییر دین تنها یک انتخاب معنوی فردی نیست، بلکه فرایندی پیچیده و چندلایه است که در تعامل با زمینه‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. نویسنده نشان می‌دهد که چگونه جریان فکری سنت‌گرایی اروپایی بستری را برای پذیرش تشیع در ایتالیا فراهم کرده و در عین حال، راهی برای حفظ هویت ملی و تاریخی نوکیشان ایتالیایی ارائه داده است. ایتالیایی‌های شیعه شده نه تنها با چالش‌های فردی تغییر کیش مواجه‌اند، بلکه در بستر جامعه‌ای که اسلام را با مهاجرت پیوند می‌دهد، باید هویت جدید خود را بازتعریف کنند. در این راستا، تأثیر سنت‌گرایی که از یک سو در نقد مدرنیته و از سوی دیگر، در بازخوانی خاصی از اسلام و تشیع ریشه دارد، نقشی اساسی ایفا می‌کند.

بدین ترتیب، این پژوهش بخشی از چالش‌های پدیده دین‌پذیری در جهان مدرن را در مقابل ماقرار می‌دهد. پرسش‌هایی که این تحقیق مطرح می‌کند، نه تنها برای شناخت شیعیان ایتالیایی، بلکه برای درک رابطه سنت، دین و هویت در عصر جهانی شدن اهمیت دارند. همچنین تصویری که این کتاب از جدایی فرهنگی شیعیان اروپایی از سرزمین‌های اسلامی در خاورمیانه ترسیم کرده است، آستن پرسش‌های مهم و عمیقی درباره رابطه جوامع شیعی در جهان غرب با سرزمین‌های اصلی شیعی است. درست است که تفسیر سنت‌گرایانه از تشیع زمینه مناسب را برای گروه‌های اروپایی از ایتالیایی‌ها به تشیع فراهم آورده است، اما تشیع این گروه، چندان که در نگاه اول انتظار می‌رود، با تفسیر رایج از آن در سرزمین‌های شیعی هم‌خوان نیست. پرسش بی‌راهی نیست اگر پرسیم تفسیر سنت‌گرایانه از تشیع که عناصری از فاشیسم را با تشیع آشتی می‌دهد تا کجا قابل دفاع است؟ آمیختگی تشیع ایتالیایی با عناصری از تفکر فاشیستی مانند باستان‌گرایی، اقتدارگرایی، نظامی‌گری و تفسیر سنت‌گرایانه اروپایی از امامت و امامان شیعه از ارزیابی انتقادی بی‌نیاز نخواهد بود. این، مسئله‌ای است که متفکران شیعی دیر یا زود باید به آن بیندیشند.



جایگاه مرکز اسلامی امام علی علیه السلام هامبورگ در مقوله چندگانگی فرهنگی در آلمان

رضا کاظمی راد^۱ / سید محسن آل بتول^۲ | ۶۱

چکیده

کشور آلمان با بیش از ۸۰ میلیون نفر جمعیت، دومین کشور پرجمعیت اروپا است که حدود ۲۰ درصد سکنه آن، غیربومی و خارجی هستند. تعداد مسلمانان آلمان بیش از ۶ میلیون نفر است که بیش از نیم میلیون نفر از آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دهند؛ همچنین تعداد مساجد و مراکز اسلامی بیش از ۲۷۰۰ مرکز تخمین زده می‌شود. با توجه به تنوع ملیت، فرهنگ و ادیان مختلفی که در آلمان حضور دارند، بسیاری از جامعه شناسان، جمهوری فدرال آلمان را یک جامعه چندفرهنگی توصیف کرده و به رسمیت شناختن فرهنگ‌های متنوع را برای این کشور یک اصل دانسته‌اند. در همین راستا، مسئولان برخی ایالت‌ها اقدام به انعقاد تفاهم‌نامه‌ها و تصویب تبعیض‌های مثبت به نفع برخی اقلیت‌های فرهنگی، دینی و قومی نموده‌اند. سؤال مطرح در این پژوهش، در کنار بررسی چیستی مفهوم چندگانگی فرهنگی و جنبه‌های آن، چگونگی مواجهه مراکز اسلامی آلمان به ویژه مراکز شیعی و به طور خاص مرکز اسلامی امام علی علیه السلام هامبورگ با این مقوله فرهنگی است. یافته‌ها نشان از این دارد که مراکز اسلامی و به ویژه مرکز اسلامی امام علی علیه السلام آلمان با توجه به کارکردهای متنوع خود از جمله مشارکت اجتماعی، هم‌گرایی و انسجام اجتماعی، هنجارمندی و امنیت اجتماعی، هویت بخشی و تقویت فرهنگ قومی، معنا بخشی به زندگی، تولید معنویت و آرامش روانی در جامعه، تحکیم نظام خانواده و... با همراهی و استقبال از رویکرد چندگانگی فرهنگی، مخاطبان خود را برای زندگی در یک جامعه چندفرهنگی آماده می‌کنند و عملکرد مراکز اسلامی به طور کلی، در جهت تقویت و تعمیق سیاست‌های چندگانگی فرهنگی و شکل دادن به جامعه‌ای مبتنی بر پذیرش کثرت از نوع چندفرهنگی است.

واژگان کلیدی: چندگانگی فرهنگی، آلمان، مرکز اسلامی امام علی علیه السلام، تنوع مذهبی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم السلام.
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم السلام.



۱. مقدمه

امروزه یکی از ویژگی‌های جوامع مدرن، چندگانگی فرهنگی است. چندگانگی فرهنگی مجموعه‌ای از تفکرات درباره نحوه صحیح واکنش به تکرر فرهنگی و دینی در جامعه است که بر مبنای آن، انسان‌ها با ملیت‌ها و ادیان گوناگون و از اقوام و نژادهای مختلف، با داشتن حقوق شهروندی یکسان در یک منطقه جغرافیایی در کنار هم زندگی می‌کنند (سونگ، ۱۳۹۲: ۸). در چندگانگی فرهنگی، حضور و زیست در جامعه‌ای متنوع و چندفرهنگ همراه با مدارا و تساهل در مورد آداب و رسوم دیگران، به لحاظ اخلاقی امری مطلوب محسوب می‌شود (وینسنت، ۱۳۷۱: ۲۶۷). پذیرش و درک درست چندفرهنگ‌گرایی منجر می‌شود تا نگاه یکتانگارانه به فرهنگ به نگاهی همتانگارانه مبدل شده و امکان زیست مسالمت‌آمیز انسان‌ها در کنار یکدیگر مهیا شود. چندگانگی فرهنگی مقدمات شکل‌گیری نظمی مبتنی بر تنوع را ایجاد می‌کند تا اشکال گوناگون زندگی، در عرصه‌ای موزاییک‌وار کنار هم حضور پیدا کنند (شایگان، ۱۳۸۰: ۵۰-۵۱).

کشور آلمان با جمعیت بیش از ۸۰ میلیون، هفتمین کشور از نظر وسعت و دومین کشور پرجمعیت اروپا است. اداره مهاجرت و امور پناهندگان آلمان در تحقیقی که با عنوان «زندگی مسلمانان در آلمان» در سال ۲۰۲۰ م. منتشر نمود، اعلام کرد حدود ۲۰ درصد از جمعیت آلمان غیربومی و خارجی هستند. همچنین تعداد مسلمانان آلمان اعم از شیعه و سنی حدود ۶ میلیون نفر تخمین زده می‌شود که پس از پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها، سومین اقلیت مذهبی آلمان شمرده می‌شوند. در میان گروه‌های مختلف دینی، جمعیت مسلمانان سرعت رشد بیشتری دارد؛ به‌گونه‌ای که در حال حاضر حدود ۵۰ درصد مسلمانان آلمان زیر ۲۵ سال سن دارند و مهم‌ترین که ۳۵ درصد از کل جمعیت زیر پنج سال آلمان، از خانواده مسلمان هستند.^۱ این امر نشان‌دهنده آن است که اسلام در آلمان در حال بومی شدن است و به گفته «کریستیان وُلف»، رئیس‌جمهور سابق آلمان «امروزه اسلام جزئی از آلمان است».^۲ با افزایش

1. Multiculturalism.

2. Der Forschungsbericht zur Studie „Muslimisches Leben in Deutschland 2020 (MLD 2020)“

3. <http://www.bundespraesident.de/SharedDocs/Reden/DE/Christian-Wulff/Reden/201020101003/10/Rede.html>



جمعیت مسلمانان، تعداد مساجد و مراکز اسلامی در آلمان به بیش از ۲۷۰۰ مرکز رسیده که از این تعداد ۲۳۰ مرکز متعلق به شیعیان است. مرکز اسلامی امام علی علیه السلام به عنوان قدیمی ترین و مهم ترین مرکز شیعی در آلمان، شعب و مراکز اقماری مختلفی در شهرهای دیگر از جمله در برلین و مونیخ دارد.

با توجه به واقعیت فوق و در نظر داشتن مقوله چندگانگی فرهنگی، آنچه در این بین مهم می نماید، پاسخ به این پرسش است که چگونه می توان عملکرد مراکز اسلامی به ویژه مراکز شیعی را در مجموع با نظریه چندگانگی فرهنگی مورد ارزیابی قرار داد؟ یعنی آیا به شکل کلی، عملکرد مراکز اسلامی با گفتمان چندگانگی فرهنگی سازگار است؟ آیا مراکز اسلامی بخشی از سیستم چند فرهنگی آلمان محسوب می شوند یا خیر؟ اگر برخی مراکز اسلامی، هم سو و هم جهت با سیاست های چندگانگی فرهنگی عمل نمی کنند، آیا این بدان علت است که مدیران این مراکز به این نتیجه رسیده اند که تغییر در ساختار و برنامه ها در راستای چندگانگی فرهنگی، باعث می شود که کار از دست آن ها خارج شده و خود و مخاطبان شان در جامعه و فرهنگ اروپایی غرق شوند و در نتیجه از روی عمد راغب نیستند که عملکردشان منجر به چندگانگی فرهنگی شود؟ یا این که مدیران مراکز اساساً نمی دانند که مراکز آن ها چه تأثیری در چندگانگی فرهنگی می توانند داشته باشند. به عنوان مثال، گاهی این گونه بیان می شود که جامعه مسلمانان ترک تبار اعم از شیعه و سنی (چه تحت تأثیر کشور ترکیه، چه تحت تأثیر آموزه های دینی خود و چه تحت تأثیر نوع فرهنگ بومی خود) هرگز نخواسته اند سیاست های چندگانگی فرهنگی را به درون خود راه دهند و لذا حالتی گتو مانند و ایزوله پیدا کرده اند. همچنین در تحلیل تروریسم و برخی خشونت های مذهبی در اروپا، ممکن است گفته شود که یکی از دلایل بروز چنین مسائلی این است که جامعه بزرگ مسلمانان با چندگانگی فرهنگی در اروپا سازگاری پیدا نکرده و مراکز اسلامی فعالیت خود را در راستای اندیشه چندگانگی فرهنگی انجام نداده اند. بنابر چنین تفکری، فعالیت مساجد و مراکز اسلامی ظاهراً در جهت مخالفت با چندگانگی فرهنگی است. به هر ترتیب، اگرچه مسلمانان آلمان و مراکز اسلامی آن ها حق دارند که بخواهند یک هویت مستقل داشته باشند، اما سؤال این است که آیا آن ها

1. <http://www.welt.de/politik/article2606235/Wie-viel-Moschee-vertraegt-das-Land.html>

2. Ghetto.



می خواهند یک هویت مستقل و ایزوله شده داشته باشند یا این که می خواهند در تعامل با دیگر ادیان و فرهنگ ها بوده و ضمن پذیرش چندگانگی فرهنگی، احترام به مقدسات سایر ادیان و فرهنگ ها، زندگی مسالمت آمیز و توأم با مدارا و رواداری را با دیگران داشته باشند.

۲. مفهوم شناسی

مهم ترین مفهوم قابل بررسی در این تحلیل، مفهوم چندگانگی فرهنگی است. اگرچه وجود تنوع فرهنگی در جوامع مختلف، واقعیتی دیرپا و کهن است؛ اما سیاست چندفرهنگ گرایی با نتایج هنجارگرایانه و اثرگذاری های سیاسی - فرهنگی خود، امری نوظهور است. رویکرد چندفرهنگ گرایی از دهه شصت میلادی در راستای پاسخ گویی به نیازهای واقعی اقلیت های قومی و فرهنگی موجود در کشورهای غربی که بیشتر مهاجران و پناهنجویان بودند، پدید آمده و با سیاست های هویتی در تعامل است.

اگرچه در جوامع کنونی، گروه های فرهنگی، زندگی اجتماعی مشترک و در کنار یکدیگر راتجربه می کنند، این امر به نوبه خود موجب پیچیدگی های فرهنگی نیز شده است. این تنوع فرهنگی، به خصوص در کشورهای مهاجرپذیر موجب شده است اقلیت های فرهنگی دائماً در مورد موضوعاتی همچون حق ترویج زبان بومی، حق مهاجرت به سایر سرزمین ها، حق دریافت تابعیت، حق خودمختاری، حق نمایندگی در امور سیاسی، حق بهره مندی از برنامه های آموزشی چندفرهنگی و حتی حق اظهار نظر در مورد نمادهای ملی همچون انتخاب سرود ملی یا تعیین تعطیلات رسمی کشور، با حاکمیت موجود در جوامع مختلف اختلاف داشته باشند (کیملیکا، ۱۳۹۵: ۱۳).

چندگانگی فرهنگی، مفهومی است که براساس آن عقاید، باورها، کنش ها و عملکرد اقشار مختلف مردم در سطح جامعه با وجود تفاوت های فرهنگی، مورد احترام واقع می شود. براین اساس، انسان ها می توانند عملکرد و رفتارهای خویش را بر مبنای هنجارهای فرهنگی مورد قبول خود تنظیم نمایند (کریمی وزارعی، ۱۳۹۴: ۱۲۲). چندگانگی فرهنگی این زمینه را مهیا می کند که بدون آن که وحدت سیاسی یک جامعه ملی مورد تهدید واقع شود، حقوق اقلیت های قومی و فرهنگی در مورد حفظ زبان بومی، در مورد انجام مناسک دینی و مذهبی،



حفظ آداب و رسوم جمعی افراد و... شناسایی شود (لیوپچی، ۱۳۷۰: ۱۷۹-۱۸۰).

بنابراین، چندگانگی فرهنگی را می‌توان چنین تعریف کرد: «گفتمانی است که از تنوع فرهنگی جامعه به عنوان یک ارزش و یک ظرفیت اجتماعی یاد می‌کند و به دنبال هم‌زیستی مسالمت‌آمیز خرده‌فرهنگ‌های موجود در جامعه است تا ضمن پذیرش و به رسمیت شناختن یکدیگر، با احترام در کنار یکدیگر زندگی کرده و علاوه بر تعامل میان فرهنگ‌ها، افراد را در پایبندی به ارزش‌های خرده‌فرهنگ خود، تشویق کند» (کریمی و زارعی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

۳. پیشینه چندگانگی فرهنگی در آلمان

در دهه‌های اخیر، مسئله افزایش مهاجرت مسلمانان به کشورهای مهاجرپذیر از پدیده‌ای صرفاً جمعیتی، به مسئله‌ای اجتماعی-سیاسی بدل شده است. بخشی از این تحول، به دلیل رواج تصویری در میان جمعیت بومی این کشورها بود که ادغام مهاجران و هماهنگی با روال زندگی در غرب برای مهاجران دشوار می‌نمود. یکی از زمینه‌های رشد این تصور، حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م. بود. کمی بعد در اروپا سلسله‌ای از حوادث خشونت‌بار و تروریستی در هلند، فرانسه، لندن، اسپانیا و... رخ داد که در بسیاری از آن‌ها ردپای مسلمانان افراط‌گرا مشاهده شد. در نتیجه این حوادث، بحث‌های اروپاییان در خصوص مهاجران مسلمان بالا گرفت و تردیدهای جدی در خصوص توانایی اقلیت‌های مسلمان برای ادغام و نزدیک شدن به فرهنگ غرب و زندگی در صلح و آرامش در کنار دیگر اقلیت‌های فرهنگی را ایجاد کرد.

در آلمان بحث در مورد مفهوم جامعه چندفرهنگی چندین سال است که مورد توجه است. جامعه چندفرهنگی یکی از مهم‌ترین محورهای اختلاف در سیاست آلمان است؛ زیرا به آینده جامعه مربوط می‌شود. از مهم‌ترین پرسش‌های مطرح در این زمینه این است که چگونه باید با خارجی‌ها رفتار کرد؟

در خصوص سیاست چندگانگی فرهنگی که از اوایل دهه ۱۹۷۰ م. به کار گرفته شد، گرچه از همان آغاز هم انتقاداتی بر آن وارد می‌شد، اما از اواسط سال ۲۰۰۰ م. بر شدت این انتقادات افزوده شد و این بار مسلمانان در کانون بحث قرار گرفتند. بنابر نوشته طارق



مُدود: «مسلمانان به محور ارزیابی محاسن و معایب چندفرهنگ‌گرایی به مثابه سیاستی عمومی بدل شده‌اند» (Modood, ۲۰۰۴).^۱ علاوه بر این به تعبیر کیملیکا، شدت مخالفت با چندفرهنگ‌گرایی در کشورهای مختلف با تعداد مهاجران مسلمان در آن‌ها نسبت مستقیم دارد (کیملیکا، ۱۳۹۵: ۱۴).

۴. چالش‌های مرتبط با موضوع مهاجرت در آلمان

امروزه بیش از ۲۲ درصد از ساکنان آلمان، سابقه مهاجرت دارند. با این حال، برای مدت طولانی سیاستمداران آلمان انکار می‌کردند که این کشور در واقع یک کشور «مهاجرپذیر» است. این اصل دیرینه مبنی بر این که آلمان کشوری برای مهاجرت نیست، اصلاحات مربوط به سیاست مهاجرت و اتخاذ اصولی عمل‌گرایانه، آینده‌گرا و مبتنی بر واقعیت را تا سال‌ها به تعویق انداخت. امروزه چند میلیون مهاجر خارجی در آلمان زندگی می‌کنند که به نسبت نژاد، تحصیلات و میزان جامعه‌پذیری با اعضای غرب مسیحی همراه و یکسان نیستند. همچنین فراموش نکنیم که کارگران مهمان، به صورت غیرقانونی به آلمان نیامده‌اند. دولت آلمان خودش از آن‌ها خواسته و الان نمی‌تواند دوباره آن‌ها را بازگرداند. آن‌ها اگر می‌خواستند از مشکلاتی که با یک جامعه چندفرهنگی با آن مواجه می‌شوند، اجتناب نمایند، باید زمانی که این افراد را دسته‌جمعی استخدام می‌کردند به آن فکر می‌کردند. از سوی دیگر، تعداد مرگ‌ومیرها در آلمان از سال ۱۹۷۰م. به بعد بیشتر از تعداد تولدها بوده است. از این رو بدون مهاجرت از خارج، جمعیت آلمان کاهش می‌یابد. در برخی مناطق آلمان، بسیاری از شرکت‌ها در حال حاضر از مشکلات پیدا کردن کارکنان مناسب شکایت دارند. کمبود کارگران ماهر، به ویژه در امور مهندسی، بخش‌های پزشکی و پرستاری وجود دارد. از این رو مهاجران دیگر نباید به عنوان باری بر نظام‌های جامعه تلقی شوند، بلکه باید به عنوان یک فرصت بالقوه و سرمایه اجتماعی شناخته شوند.

به گفته «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه»،^۲ اصلاحات سیاست مهاجرت به

1. Modood, Multiculturalism: A Civic Idea: p4

2. Organisation für wirtschaftliche Zusammenarbeit und Entwicklung (OECD).



آلمان کمک کرده است تا در مقایسه با ۳۵ کشور عضو این سازمان، به یکی از لیبرال ترین کشورها در زمینه سیاست مهاجرت کاری تبدیل شود. با این حال، باز کردن آغوش برای مهاجرت واجدین شرایط کار نیز با این انتقاد روبه روست که مهاجران تنها براساس قابلیت استفاده اقتصادی و جمعیتی مورد قضاوت قرار می گیرند و آن گونه که پیدا است، به عنوان «کالا» در نظر گرفته می شوند.^۱ سیاستمداران آلمان به این نکته نیز توجه داشتند که سطح بالای مهاجرت، به تنهایی برای مقابله با تغییرات جمعیتی و کمبود نیروی کار ماهر کافی نیست. مهاجران باید در مورد اقامت طولانی مدت در آلمان تصمیم بگیرند. به منظور تأثیر مثبت بر این تصمیم، نمایندگان سیاست و تجارت چندین سال است که در مورد ایجاد یک «فرهنگ استقبال و به رسمیت شناختن»^۲ بحث می کنند. این امر باید آلمان را برای مهاجران بالقوه واجد شرایط، جذاب تر کند و آن را به یک خانه واقعی برای مهاجرانی که در درازمدت در آن زندگی می کنند و نیز برای فرزندان آن ها تبدیل کند. این اصطلاح در ابتدا به حضور کارگران ماهر از خارج اشاره داشت؛ اما از سال ۲۰۱۵ م. به طور فزاینده ای با موضوع پناهندگان مرتبط شد. تصاویر استقبال آلمانی ها از پناهجویان در ایستگاه های قطار با تشویق و پوسترهایی که بر روی آن شعار «آوارگان خوش آمدید» نوشته شده بود، توجه سراسر جهان را به خود اختصاص داد؛ اما به زودی سرخوشی اولیه به میزان قابل توجهی کاهش یافت. تردیدها در مورد این که آلمان واقعا می تواند این همه مردم را در خود جاداده و ادغام کند یا خیر، افزایش یافت. در سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ م. سطح بالای مهاجرت پناهجویان باعث ایجاد چالش های قابل توجهی برای جامعه آلمان شد؛ تا جایی که سال ۲۰۱۵ م. به عنوان سال «بحران پناهجویان»^۳ در حافظه جمعی آلمان نقش بست. هرگز در تاریخ جمهوری فدرال تعداد پناهجویان تازه وارد به این میزان نبوده است.

۵. گونه های مختلف روابط آلمانی ها و مهاجران

در بررسی رابطه بین اکثریت و اقلیت در یک جامعه، چهار نوع کلاسیک از رابطه ممکن

1. <https://www.bpb.de/themen/migration-integration/laenderprofile/deutschland/256375/migration-nach-deutschland-aktuelle-herausforderungen-und-zukunfftige-entwicklungen/>

2. Willkommens- und Anerkennungskultur.

3. Flüchtlingskrise.



است وجود داشته باشد که با اصطلاحات همسان سازی، ادغام،^۲ جداسازی^۳ و حاشیه سازی^۴ توصیف می شوند.

«همسان سازی» به معنای جذب کامل اقلیت در فرهنگ اکثریت است.^۵ پدیده ای که در گذشته در آلمان، گاه شاهد آن بوده ایم. به عنوان مثال، در جذب پناهندگان مذهبی اوگنودر پروس،^۶ معدن چیان لهستانی در منطقهٔ روهر^۷ و مهاجران پیمونتی در جنوب و غرب آلمان.^۸ یهودیان آلمان نیز در دوران سلطنت سی سالهٔ امپراطوری «ویلهلم»^۹ در همین مسیر قرار داشتند. «ادغام» رابطه ای است که به ایده آل جامعهٔ آلمان نزدیک تر است. ادغام به معنای پذیرش و مدارای متقابل، همراه با تبعیت از یک اصل مشترک است؛ در حالی که استقلال فرهنگی اقلیت محفوظ باشد.^{۱۰}

«جدایی» عبارت است از به حاشیه راندن اقلیت در مناطق بسته و به اصطلاح قرار دادن آن ها در «گتوها».^{۱۱}

«به حاشیه راندن» مانند وضعیت سرخ پوستان آمریکای شمالی یا بومیان استرالیایی در مناطق حفاظت شدهٔ خود، یا وضعیت کولی ها در اروپا است که به افول فرهنگی این طیف منجر می شود. البته باید دانست که افراطی ترین روش برخورد با اقلیت، نابودی فیزیکی آن ها است. متأسفانه آلمان بر اثر اتفاقاتی که در دورهٔ «ناسیونال سوسیالیسم»^{۱۲} به وقوع پیوست، در این زمینه هم شهرهٔ عام و خاص گردید.

1. Assimilation.

2. Integration.

3. Separation.

4. Marginalisation.

5. Assimilation bedeutet das völlige Aufgehen in der Kultur der Mehrheit.

6. Assimilation der hugenottischen Glaubensflüchtlinge in Preußen.

7. Assimilation der polnischen Bergleute im Ruhrgebiet.

8. Assimilation der piemontesischen Einwanderer in Süd und Westdeutschland.

9. Das wilhelminische Reich, zwischen 1888 und 1918.

10. Integration bedeutet volle gegenseitige Akzeptanz und Toleranz, verbunden mit Unterordnung unter ein gemeinsames Prinzip, bei Intaktbleiben der kulturellen Eigenständigkeit der Minderheit.

11. Separation ist die Ausgrenzung der Minderheit in geschlossenen Bezirken, in sogenannten Ghettos.

12. Nationalsozialismus.



۵-۱. همسان سازی در قالب فرهنگ پیشرو

یکی از موضوعاتی که در حاشیه چندگانگی فرهنگی در آلمان از آن بحث می‌شود، «فرهنگ پیشرو»^۱ است. فرهنگ پیشرو به این معنا است که فرهنگ آلمان برای همه اعضای جامعه آلمان و همچنین برای مهاجران الزام آور است. از این رو فرهنگ آلمانی بر سبک زندگی بیگانه اولویت دارد و به عنوان عامل اتحاد و هم بستگی جامعه عمل می‌کند. فرهنگ آلمانی بیانگر ارزش‌های یک جامعه، قوانین آن و جهان بینی مردم است (Nadine, ۲۰۰۳). قائلان به فرهنگ پیشرو در قامت منتقدان جامعه چند فرهنگی معتقدند برای حفظ صلح در جامعه، حفظ فرهنگ بومی و کاهش انزجار آلمانی‌ها از خارجی‌ها، باید نسبت به جذب فرهنگی مهاجران به فرهنگ پیشروی آلمانی تلاش کرد (Eibl-Eibesfeldt, ۱۹۹۸).

در آلمان حزب CDU که خانم «آنجلا مرکل» نیز از همین حزب بود، از مدافعان ایده فرهنگ پیشرو هستند. طرف داران این دیدگاه معتقدند، تنوع فرهنگی که در واقع امروز وجود دارد، با معایب متعددی همراه است. توجه به فرهنگ‌های متفاوت بیگانه و ادغام فرهنگ‌ها، فرهنگ بومی و ملی آلمان را از بین می‌برد. در نگاه این سیاستمداران، اسلام به طور فزاینده‌ای نشان می‌دهد که مانع واقعی یکپارچگی و هم بستگی اجتماعی است؛ در حالی که اروپا قرن‌ها برای ارزش‌های لیبرال و دموکراتیک مانند آزادی مذهب، جدایی کلیسا و دولت و برابری جنسیتی مبارزه کرده است (Meier, ۲۰۰۰).

۵-۲. چند فرهنگی گرایی آلمانی

در برابر قائلان به فرهنگ پیشرو و به تعبیر کامل‌تر، همسان سازی فرهنگی، بسیاری از اندیشمندان آلمانی معتقدند که تحقق یک جامعه چند فرهنگی در آلمان در حال حاضر یک واقعیت است. همچنین مشکلات جامعه چند فرهنگی، طبیعی بوده و در نتیجه غیر قابل حل نیست، بلکه با سیاست‌های درست قابل حل است (Geißler, ۱۹۹۰). در آلمان، واژه «جامعه چند فرهنگی» در اواخر دهه ۱۹۸۰ م. به بحث‌های سیاسی و جامعه‌شناختی وارد شد. بسیاری معتقدند که این «هاینر گایسلر»^۲ حقوق دان و سیاست مدار آلمانی از حزب CDU

1. Die Leitkultur.

2. Heiner Geißler (Heinrichjosef Georg Geißler).



بود که برای اولین بار اعلام کرد آلمان یک جامعه چند فرهنگی است. وی معتقد بود:
جامعه چند فرهنگی به معنای تمایل به زندگی با مردم از کشورها و فرهنگ‌های
دیگر و احترام به منحصر به فرد بودن آن‌ها است، بدون این که بخواهیم آن‌ها را
جذب و آلمانی کنیم.^۱

مدافعان چند فرهنگی‌گرایی آلمانی معتقدند ماده ۱۱۶ قانون اساسی جدید می‌تواند چنین
باشد: «شهروند آلمانی کسی است که در آلمان متولد شده باشد. همچنین هر کسی که به مدت
پنج سال در جمهوری فدرال آلمان اقامت داشته باشد، می‌تواند شهروند شود» (Leggewie, ۱۹۹۳).
به هر مهاجری به شدت توصیه می‌شود که زبان آلمانی را یاد بگیرد. بدون زبان مشترک،
زندگی مشترک کارساز نیست؛ اما این بدان معنا نیست که مهاجران نباید از زبان مادری خود
استفاده کنند (Leggewie, ۲۰۰۲).

۶. هم‌سویی عملکرد مرکز امام علی علیه السلام هامبورگ با گفتمان چندگانگی فرهنگی

بسیاری از جامعه‌شناسان و اندیشمندان آلمانی، جمهوری فدرال آلمان را جامعه‌ای
چند فرهنگی توصیف می‌کنند؛ نویسندگان براساس مشاهده‌های عینی و مبتنی بر تجربه
زیست خود و نیز براساس آنچه از صاحب نظران و کنشگران اجتماعی دریافت کرده‌اند، بر
این باورند که چندگانگی فرهنگی در آلمان در سطح توصیفی یک واقعیت انکارناپذیر است؛
زیرا مردم فرهنگ‌های مختلف با آداب و رسوم خودشان در آلمان زندگی می‌کنند، معابد و
مراکز فرهنگی فعالی را در اختیار داشته و از حق آزادی عقیده و آزادی بیان برخوردار هستند.
آن‌ها آزادانه امکان چاپ و نشر کتاب‌های خود را دارند و می‌توانند در جلسات دیالوگ، در
مورد عقاید و فرهنگ خود صحبت کنند و به معرفی ارزش‌های خود بپردازند.

اگر کسی در طول روز به مرکز شهر هامبورگ، برلین، فرانکفورت و... سفر کند، به سادگی
اقلیت‌های مختلف قومی، دینی، زبانی و... را مشاهده می‌کند که با پوشش‌های متنوع و

1. Wir müssen uns darauf einstellen, in der Zukunft mit Millionen von Menschen zusammenzuleben, die eine andere Muttersprache, eine andere Herkunft, ein anderes Lebensgefühl, andere Sitten und Gebräuche haben. Deswegen werden wir unsere nationale Identität nicht verlieren [...]. Multikulturelle Gesellschaft bedeutet die Bereitschaft, mit Menschen aus anderen Ländern und Kulturen zusammenzuleben, ihre Eigenart zu respektieren, ohne sie germanisieren und assimilieren zu wollen (Geißler, 1990).



بالهجه‌ها و زبان‌های مختلف در سطح شهر رفت و آمد می‌کنند. آن‌ها برای تهیه مایحتاج خود علاوه بر فروشگاه‌های آلمانی، به مغازه‌های ترکی، هندی، ایرانی، افغانی و... مراجعه می‌کنند و آخر هفته‌ها به همراه خانواده به رستوران‌هایی می‌روند که در آن‌ها غذای محلی طبخ می‌کنند.

همچنین یهودیان، بوداییان، بهاییان، هندوها و مسلمانان در کنار مسیحیان به معابد متعدد خود مراجعه کرده و به انجام مناسک عبادی و آداب و رسوم مذهبی خود می‌پردازند. براساس اطلاعات اداره آمار شمال آلمان در پایان سال ۲۰۲۰ م. تقریباً ۷۰۰ هزار نفر با پیشینه مهاجرت در هامبورگ زندگی می‌کردند. این عدد براساس کل جمعیت هامبورگ، معادل ۳۶/۷ درصد از کل ساکنان آن شهر است.^۱



پرسش اساسی این تحلیل این بوده است که مرکز اسلامی امام علی علیه السلام هامبورگ به عنوان بزرگ‌ترین مرکز شیعی در این کشور، چه نسبتی با گفتمان چندگانگی فرهنگی می‌تواند داشته باشد؟ در پاسخ به این سؤال با توجه به تعریف چندگانگی فرهنگی و

1. Ende 2020 lebten knapp 700 000 Menschen mit Migrationshintergrund in Hamburg.
https://www.statistik-nord.de/fileadmin/Dokumente/Presseinformationen/SI21_082.pdf



براساس شاخصه‌های اصلی مطرح شده برای آن، می‌توان ادعا کرد که مرکز اسلامی امام علی (ع) هامبورگ براساس کارکردهای اجتماعی بی‌بدیلش، در مجموع می‌تواند در رشد و بالندگی جامعه چندفرهنگی آلمان تأثیرگذار باشد و هم‌سو و در راستای گفتمان چندگانگی فرهنگی این کشور حرکت کند. شایان ذکر است که کارکرد مساجد و مراکز اسلامی آلمان عبارت‌اند از: کارکردهای حمایتی، مشارکت اجتماعی، وحدت و انسجام اجتماعی، هنجارمندی و امنیت اجتماعی، هویت بخشی و تقویت فرهنگ قومی، کارکرد اقتصادی، معنابخشی به زندگی، تولید معنویت و آرامش روانی در جامعه، تحکیم نظام خانواده و کارکرد آموزشی (آل بتول، ۱۴۰۲).

۶-۱. تأثیر محیط چندفرهنگی بر عملکرد مرکز اسلامی هامبورگ

نهاد دین وقتی در یک فضای جدید و غیربومی وارد می‌شود، کارکردهایش را منطبق با نیازهای مخاطبان جدید و متناسب با اقتضائات جامعه میزبان بازتعریف نموده و عملکرد متفاوتی خواهد داشت. به عنوان مثال، در کشورهای اسلامی، گفت‌وگوی امامان مساجد با اهل کتاب و نشست و برخاست آن‌ها با پیروان ادیان غیرالهی و دعوت از غیرمسلمانان برای حضور در مسجد و پذیرایی نمودن از آن‌ها، نه تنها پذیرفتنی نیست و حتی ممکن است با شئون روحانیت نیز ناسازگار تلقی شده و در نگاه برخی ممکن است به خروج امامان جماعت از عدالت منجر گردد. این در حالی است که تقریباً همه امامان مراکز اسلامی در آلمان به نوعی انجام چنین نشست‌هایی را لازم و ضروری می‌دانند.

علت این‌که در مسجد امام علی (ع) هامبورگ، فقط محدوده فرش شده زیر گنبد، صیغه خاص مسجد را دارد، برای این است که بتواند در محیط چندفرهنگی خود تأثیرگذار باشد. شهید بهشتی (ره) برای این‌که غیرمسلمانان هم بتوانند داخل مرکز اسلامی آمده و از نزدیک مناسک دینی مسلمانان را مشاهده و تجربه کنند، چنین تصمیمی را اتخاذ نمودند. همچنین در مرکز اسلامی هامبورگ هنگام نماز جماعت بین صفوف زنان و مردان از پرده یا دیوار حائل خبری نیست. به علاوه برای احترام به مسلمانان اهل سنت و برای تقویت وحدت و انسجام بین مسلمانان، در مراسم نماز جمعه امام جماعت به جای مهر بر حصیر سجده می‌کند و نماز جمعه هامبورگ قنوت ندارد.



مرکز اسلامی امام علی (ع) در طول حیات خود تلاش کرده تا متناسب با فضای چندفرهنگی جدید، رویکردهای دینی و مذهبی خود را تنظیم کند. به عنوان مثال، این که امامان مرکز کدام بخش از معارف اسلامی را بیشتر و با تأکید مضاعف بیان کنند و کدام امور را کمتر و کم رنگ تر؛ این که چه مباحثی در سخنرانی ها بیشتر تأکید شود و چه نکاتی کمتر؛ این که موضوع نشست ها و کنفرانس ها متناسب با فضای حاکم بر جامعه میزبان، بیشتر به سمت موضوعات حقوق بشری سوق داشته باشد و نیز این که موضوع و محتوای نشریات چه سمت و سویی داشته باشند. در آموزش های کوتاه مدت و بلندمدت از جمله برنامه های حوزه علمیه هامبورگ چه اهداف و برنامه هایی باید بیشتر مد نظر باشد. به عنوان مثال، در حوزه علمیه هامبورگ درس «تاریخ ادیان» یا درس «حقوق زنان در اسلام» بیش از حوزه های سنتی ایران و عراق مورد توجه است؛ زیرا در هامبورگ مردم از ادیان مختلف حضور دارند و نیز مباحث حوزه فمینیسم در این منطقه پررنگ و مورد توجه است. مثال دیگر این که در کشورهای اسلامی رسیدگی به امور پناهندگان و ارائه خدمات حمایتی در مورد مهاجران ارتباطی به مساجد و نهاد دین ندارد. همچنین چاپ کتاب و نشریه، ایجاد شبکه های اجتماعی، پرداختن به امور کفن و دفن و تجهیز اموات جزء برنامه های کاری مساجد قلمداد نمی شود؛ به طور مثال در ایران قابل تصور نیست که مسجد جمکران اموات کفن و دفن ساکنان شهر قم را برعهده بگیرد یا دفتر مربوط به امور عقد ازدواج و طلاق احداث نماید؛ اما



برنامه ریزی برای این امور، متناسب با اقتضانات جامعه‌ای که در آن قرار دارد، جزو وظایف ذاتی مساجد و مراکز اسلامی در اروپا محسوب می‌شود.

امامان و مدیران مسجد و مرکز اسلامی امام علی علیه السلام هامبورگ تحت تأثیر محیط چندفرهنگی جدید و متناسب با نیازهای مخاطبان، به مراتب از همکاران خود در داخل کشور باید وظایف بیشتری را برعهده بگیرند. نکته مهم این است که همه این وظایف با عنوان نهاد دین صورت می‌گیرد؛ اگرچه ممکن است که این کارکردها، کارکردهای عرفی و ذاتی نهاد دین نباشند. کارکردهای متفاوت مراکز اسلامی در آلمان به دلیل نیاز و ضرورتی است که در آن محیط فرهنگی وجود دارد و نهاد دین مشغول پاسخ‌گویی به این نیازها است؛ یعنی در کنار نیازهای دینی به نیازهای اجتماعی مردم هم پاسخ می‌دهد و کارکردهای اجتماعی دارد. ناگفته نماند اگر گفته می‌شود که فعالیت‌ها و عملکردهای مرکز اسلامی امام علی علیه السلام هامبورگ با نظریه چندقانگی فرهنگی هم‌سو است و به نوعی آن را تقویت می‌کند، بدان معنا نیست که در این مرکز نوعی دین‌داری سکولار و فروکاست ارزش‌های دینی را شاهد هستیم؛ زیرا همان‌گونه که در تعریف چندقانگی فرهنگی بیان شد، یکی از ویژگی‌های گفتمان چندقانگی فرهنگی، تشویق افراد به حفظ هویت و آداب و رسوم خاص فرهنگ خود است. براین اساس، چندقانگی فرهنگی نه تنها اقلیت‌های حاضر در جامعه را حمایت و احترام می‌کند، بلکه آن‌ها را به سوی انجام آداب و رسوم مخصوص خود و حفظ ارزش‌های گروهی فرامی‌خواند.

در پایان این نکته قابل ذکر است که کارکردهای اجتماعی مرکز اسلامی هامبورگ اگرچه - چنان‌که گفته شد - بنابه اقتضای فرهنگی همواره دایر بوده، اما این موضوع هرگز روند یکسانی را در دوره‌های مختلف خود پشت سر نگذاشته است. این هم به دلیل رویکردهای متفاوتی است که رؤسای این مرکز به ویژه در دو سه دهه اخیر داشته‌اند. مرکز اسلامی در دوره‌های پیش و تا حدودی پس از انقلاب، فعالیت محدودی در زمینه امور اجتماعی و فرهنگی داشته است؛ هرچه رو به جلو می‌رویم نقش مرکز اسلامی هامبورگ در کنشگری فرادینی و نیز تصدی‌گری امور فرهنگی و به اصطلاح، همراهی با فضای چندقانگی فرهنگی در آلمان پررنگ‌تر می‌شود. البته در



همین دوره پس از انقلاب و به ویژه در حدود سه دهه اخیر نیز فراز و فرودهایی در رویکرد و کارکرد مرکز دیده می‌شود؛ اما به طور خاص در یک دهه اخیر که صدارت و ریاست مرکز را «آیت الله رضوانی گیلانی» برعهده داشتند، شاهد بسط روزافزون فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی مرکز اسلامی هامبورگ و خروج مرکز از یک مسجد صرف با کارویژه خاص و تبدیل به محلی برای رتق وفتق همه امور مربوط به مسلمانان حتی در خارج از گستره جغرافیایی کشور آلمان هستیم.

همچنین آموزش زبان مادری، فرهنگ بومی، تقویت فرهنگ اسلامی و آداب و رسوم اجتماعی مهم‌ترین اهداف و برنامه‌های مرکز اسلامی در هامبورگ شده است. در یک دهه اخیر در این مرکز انواع هنرهای شرقی به جوانان و نوجوان مسلمان و نیز عموم علاقه‌مندان غیرمسلمان معرفی می‌شود. در روزهای باز مساجد نیز مرکز اسلامی غرفه‌های گوناگون خطاطی، نقاشی، موسیقی سنتی، نمایشگاه عکس از کشورهای اسلامی و آداب و رسوم مردم شرق، اجرای گروه سرود کودکان و... را در دستور کار خود دارد که همگی موجب پایبندی افراد به ارزش‌های خرده فرهنگ خود می‌شوند.

در کنار این فعالیت‌ها باید حضور فعال و مستمر مرکز و به ویژه امام آن در برنامه‌های دیالوگ با ارباب ادیان دیگر به خصوص مسیحیت در سراسر اروپا را به فعالیت‌های مرکز اضافه کرد؛ امری که تا پیش از آن و در دو سه دهه پیش، نمود چندانی نداشته است.

نتیجه این که همراهی مرکز اسلامی هامبورگ با پدیده چندفرهنگی، اگرچه تقریباً همواره وجود داشته، اما دارای فراز و فرودهایی بوده که برخاسته از رویکرد و نگاه حداقلی یا حداکثری امامان این مرکز بوده است؛ اما این روند در یک دهه اخیر با توسعه فعالیت‌های مرکز به جنبه‌های گوناگون دینی، فرهنگی، اجتماعی و... به حد اعلای خود رسیده است. براین اساس، می‌توان گفت به طور کلی کارکردهای مسجد و مرکز اسلامی در هامبورگ در تقابل و مخالفت با سیاست‌های چندگانگی فرهنگی نیست و مرکز اسلامی هامبورگ به نمایندگی از بزرگ‌ترین اقلیت دینی حاضر در این ایالت، به تقویت و تعمیق سیاست‌های چندگانگی فرهنگی کمک می‌کند.



۷. نتیجه‌گیری

در پاسخ به این سؤال مهم که آیا عملکرد مرکز اسلامی امام علی علیه السلام هامبورگ آلمان در راستای تقویت چنگانگی فرهنگی است یا خیر؟ باید گفت که ضروری است میان بینش و کنش (یعنی ذهنیت و عملکرد) مدیران و مسئولان مرکز اسلامی تفکیک قائل شد. به عبارت دیگر، چند فرهنگی به مثابه ذهنیت و تئوری، با چند فرهنگی به مثابه کنش و عمل، دو امر کاملاً تمایز هستند. گفت‌وگوهای انجام شده با مدیران مراکز اسلامی و کنشگران عرصه فرهنگ دینی، ما را به این نتیجه رسانده که بسیاری از این افراد به لحاظ بینشی با مفهوم چنگانگی فرهنگی ارتباط ذهنی صحیحی پیدا نکرده و با این مفهوم بیگانه هستند. آن‌ها معنای حقیقی چند فرهنگی و ثمره‌ها و فواید چنگانگی فرهنگی برای اقلیت مسلمان را نمی‌دانند و گاه بدون شناخت صحیح در مقابل آن موضع می‌گیرند.

این در حالی است که اگر چنگانگی فرهنگی را وضعیتی بدانیم که در آن، اقلیت‌های قومی و مذهبی به رسمیت شناخته شده و فرصت ابراز هویت و بیان ارزش‌های فرهنگی به آن‌ها اعطا می‌شود، نباید در پذیرش چنگانگی فرهنگی تردید کنیم؛ چراکه حرکت به سمت آن نه تنها تهدیدی برای دیانت و فرهنگ مسلمانان نیست، بلکه فرصتی برای معرفی بهتر ارزش‌ها و فرهنگ اصیل اسلامی است و این فرهنگ و اندیشه در رقابت با دیگر فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها، امکان معرفی و گسترش بیش از پیش را خواهد داشت. همچنین به نظر می‌آید چنین وضعیتی با مبانی و آموزه‌های اسلامی نیز هم‌خوانی دارد؛ چراکه قرآن کریم در آیاتی مانند آیه ۲۵۶ سوره بقره، بر آزادی عقیده و اراده اشاره دارد. به علاوه اگر به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و تمایزها را اصل مهم و اساسی چنگانگی فرهنگی بدانیم، خواهیم دید که اسلام نیز بر اساس آیه ۱۳ سوره حجرات تنوع، تمایز و تفاوت را از ویژگی‌های زندگی انسانی بر شمرده و آن را برای شناسایی متقابل انسان‌ها و تبیین باورها، ارزش‌ها و رسوم مشترک، امری ضروری می‌داند. از این منظر باید پذیرفت که اسلام قائل به اجرای سیاست اجبار و اکراه بر یکسان‌سازی فرهنگی نبوده و در مقابل بر حضور فرهنگ‌های متنوع و متفاوت تأکید دارد. همچنین آموزه‌های دینی بر ارزش‌های مانند چون عقلانیت، آزادی عقیده، مدارا با مردم، تساهل و تسامح و... تأکید دارد و به دنبال آن است که مردم در عین وجود تفاوت‌های



فراوان، با هم گفت و گو و در یک جامعه چند فرهنگی، به شکل مسالمت آمیز با یکدیگر زندگی کنند. اما به لحاظ عملکرد و فعالیت های نهادی، به رغم این که به لحاظ معرفتی، ذهنیت و بینش صحیح و کاملی نسبت به مفهوم چند فرهنگی وجود ندارد، با این حال می توان از میان انواع فعالیت های مساجد و مراکز اسلامی، به ویژه مرکز اسلامی هامبورگ و کارکردهای آن ها، هم خوانی این فعالیت ها با نظریه چندگانگی فرهنگی را مشاهده کرد؛ به طوری که کارکردهای مراکز اسلامی، هم سو و در راستای گفتمان چندگانگی فرهنگی بوده و مؤلفه های اصلی آن را پوشش می دهند. از این رو به نظر می رسد فعالیت های این مراکز در قالب نهاد، به هر دلیلی می تواند مشوق و تقویت کننده نظریه چند فرهنگی باشد؛ اما اینکه دلایل این امر چیست، به تحقیقات بیشتری نیاز دارد. با این حال می توان گفت شاید علت اصلی این هم سویی، اجبار قوانین کشور یا اقتضای فضای جامعه و فرهنگ عمومی یا حتی نیاز و درخواست مخاطبان بوده باشد. به عبارت دیگر، مراکز اسلامی به خاطر جو حاکم بر جامعه و نیازهای موجود، به سمت برنامه ها و فعالیت های هم سو با سیاست چندگانگی فرهنگی سوق پیدا کرده اند و اگر این نیاز اجتماعی نبود، این نهاد های دینی چنین فعالیت ها و کارکردهای سازگار با این مقوله را دنبال نمی کردند؛ چنان که در کشورهای اسلامی نیز چنین کارکردهایی را از نهاد دین مشاهده نمی کنیم. به عبارت دیگر، ممکن است امامان و مدیران مراکز اسلامی، باور و اعتقادی به سیاست چندگانگی فرهنگی نداشته باشند؛ ولی در عمل به خاطر نیاز مخاطبان و جامعه، به اجرای چنین برنامه هایی سوق پیدا کنند.

در مجموع، با ارزیابی یافته ها و تطبیق آن ها با مبانی ارائه شده، می توان به این نتیجه رسید که مراکز اسلامی آلمان و به طور خاص مرکز اسلامی هامبورگ، اگرچه همه شاخصه های مربوط به مؤسسه های چند فرهنگی ایده آل را به شکل کامل در اختیار ندارند، بر اساس کارکردهای منحصر به فرد این مرکز، به نظر می رسد در مجموع هم سو و هم جهت با گفتمان چندگانگی فرهنگی بوده و می تواند باعث رشد و توسعه چند فرهنگی باشد.

۸. پیشنهادهایی برای تمامی مراکز اسلامی فعال در غرب

۱. بسیاری از مراکز فرهنگی و دینی فعال در غرب بر اساس تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی



موجود در میان مراجعان خود و نیز براساس تنوع برنامه‌ها و خدماتی که به مخاطبان خود ارائه می‌کنند، به سادگی خود را به عنوان یک مرکز چندفرهنگی معرفی می‌کنند. با این حال، باید دانست که مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ممیزهای یک مرکز چندفرهنگی عبارت‌اند از: چشم‌اندازها، سیاست‌ها، برنامه‌ها، محیط چندفرهنگی و اقدامات عملی مؤسسه چندفرهنگی.

برنامه‌ها و اقدامات یک مرکز چندفرهنگی، بیانگر تجربه‌ها، نگاه چندفرهنگی و رویکردهای فرهنگی و قومی حاکم بر مجموعه است. سبک ارائه خدمات توسط چنین مراکزی با سبک‌های فرهنگی و انگیزشی جامعه باید مطابقت داشته باشد. چنین مراکزی برای زبان اول مخاطبان خود احترام زیادی قائل هستند. تنوع خدمات و تعدد برنامه‌ها و کلاس‌های آموزشی و... متناسب با گروه‌های مختلف فرهنگی مرتبط با مؤسسه از دیگر ویژگی‌های یک مرکز چندفرهنگی است.

۲. امامان و مدیران مراکز اسلامی در غرب، نقش مهمی در هویت‌دهی و ظهور و بروز فرهنگ اسلامی در نسل آینده اقلیت‌های مذهبی دارند. تحقق راهبرد چندفرهنگی در مراکز اسلامی برای بهره‌مندی از فرصت تنوع فرهنگی، به اعمال مدیریت چندفرهنگی در این نوع مراکز وابسته است. در این راستا، آگاهی‌ها و مهارت‌های مربوط به مدیریت چندفرهنگی از نیازهای مهم مدیران مراکز دینی و مؤسسه‌های فرهنگی در جوامع چندفرهنگی است.

برای مدیریت موفق یک مؤسسه چندفرهنگی، بینش صحیح و تنظیم برنامه‌های بلندمدت و همه‌جانبه ضروری است. در یک مرکز اسلامی، برای این که برنامه‌ریزی‌ها متناسب با محیط جامعه میزبان باشد، مدیران باید دارای بینش لازم و درک صحیح از محیط چندفرهنگی خود داشته باشند. بدون شک فرق است میان بتّایی که فقط آجرها را روی هم می‌گذارد و نقش این کار را در نقشه کلی ساختمان نمی‌داند، با معماری که می‌فهمد چه می‌کند و هر لحظه نقشه کلی ساختمان را در ذهن دارد و می‌داند که تأثیر این چیدن آجرها روی هم در کلیت کار چیست. متأسفانه برخی امامان مراکز اسلامی، نسبت به جامعه و فرهنگ آلمان کم‌اطلاع هستند و به دلیل کمبود مطالعه، عدم آگاهی از شرایط زندگی در آلمان، نداشتن مهارت کافی در تکلم به زبان آلمانی، نداشتن فرصت کافی و... از نیازهای واقعی جامعه میزبان شناخت



کافی ندارند. از آنجاکه بیشتر امامان در آلمان بزرگ نشده و تحصیلات آن‌ها شرایط زندگی در غرب را در نظر نداشته است، عمدتاً به سختی قادر به درک مشکلاتی هستند که مردم جامعه با آن مواجه می‌شوند؛ چه رسد به این‌که بخواهند راه حل‌های کافی و مناسب نیز ارائه دهند. به عبارت دیگر، از آنجاکه امامان مراکز با فرهنگ آلمان آشنایی عمیق ندارند، حتی اگر بخواهند به فرهنگ و جامعه آلمان کمک کنند، امکانات و ابزارش را در اختیار ندارند. در برخی مراکز اسلامی، به جای این‌که بین جایگاه امام مسجد و سمت مدیریت مرکز اسلامی تفاوت و تفکیک وجود داشته باشد، یک نفر، هر دو مسئولیت را عهده‌دار است که عموماً برای مدت مشخص و محدود از خارج از آلمان اعزام می‌شود و آشنایی و درک صحیحی از فرهنگ آن کشور و به خصوص تکثر فرهنگی موجود در منطقه ندارد. از سوی دیگر، اولویت‌های کاری و سیاست‌گذاری‌های کلان این مراکز در خارج از آلمان صورت می‌گیرد و این نیز عامل دیگری در فاصله بین کارکردهای مرکز اسلامی از لوازم چند فرهنگی است.

مدیران این مؤسسه‌ها از همکاران خود انتظارات زیادی در نحوه تعامل با گروه‌های مختلف نژادی، قومی و زبانی دارند. ایجاد مهارت‌های لازم در کارمندان و تبیین نقش‌های آن‌ها نیز در مدیریت مؤسسه مهم است. مدیرانی که به تفاوت‌های فرهنگی احترام می‌گذارند، می‌دانند که مخاطبانی که از فرهنگ غالب نیستند نیز با استعداد هستند و با تفکر، رفتار و سبک گفتاری متفاوت از آنچه در فرهنگ غالب وجود دارد، آمده‌اند. برای ارتقای کیفیت یک مرکز چند فرهنگی، استخدام کارمندان و همکارانی که از ملیت‌ها و قومیت‌های مختلف باشند، بسیار ضروری است. آن‌ها باید با هم کار کنند و در تصمیم‌گیری‌های مؤسسه شرکت داده شوند.

۳. نقش جامعه، مخاطبان، مراجعان و به‌طور کلی ذی‌نفعان در موفقیت مراکز چند فرهنگی مهم است. در این رابطه، افراد باید سعی کنند اعتبار باورها و مفروضات شخصی خود را با استفاده از منابع مختلف تا حد امکان آزمایش کنند. آن‌ها باید وقت خود را با افرادی بگذرانند که به درستی نماینده یک گروه فرهنگی خاص هستند. همگان باید دائماً در برابر تعصبات و اظهارات تعصب‌آمیز دیگران مراقب باشند. همچنین مدیریت خوب روابط بین فرهنگی به شدت با توانایی محدود کردن خود مرتبط است. این امر شامل تساهل و تسامح بالا، مدارا



و خویشتن داری، توانایی تحمل سکوت، مهارت بالای خوب گوش دادن، مقاومت در برابر میل به بحث و جدل است.

۴. مراکز اسلامی غرب مهم ترین نهادهایی هستند که می توانند فرصت مناسبی برای تعامل میان اقلیت مسلمانان حاضر در غرب و جامعه میزبان را فراهم کنند. از این رو ضروری است که امامان و مسئولان مراکز اسلامی علاوه بر یادگیری زبان کشور میزبان، دوره های تخصصی دیگری مانند آشنایی با تاریخ و فرهنگ عمومی کشور میزبان، روان شناسی عمومی، مشاوره تربیت و خانواده، آشنایی با ادیان و مذاهب و... را نیز بگذرانند.

۵. بر اساس برخی تحقیقات، بخش زیادی از مردم اروپا دانش خود در مورد مسلمانان را از طریق «گفت و گو با مسلمانان» یا از طریق «گفت و گوهای مربوط به مسلمانان» به دست می آورند. بر این اساس، اطلاعات منتقل شده در تبادل بین افراد، نقش مهمی در شکل گیری نگرش ها دارد. در این راستا، پیشنهاد می شود که مراکز اسلامی در برگزاری جلسه های گفت و گو محور و معرفی چهره به چهره معارف اسلامی تلاش بیشتری داشته باشند؛ زیرا افراد کمی هستند که در مورد اسلام در اینترنت مطالعه می کنند. همچنین لازم است برای حضور در این جلسه های بین ادیان و گفت و گوی بین فرهنگ ها، دوره های کسب مهارت های لازم گفت و گویی به شکل تخصصی برای برخی افراد برگزار شود.

۶. مساجد و مراکز اسلامی با توجه به فرصت بی نظیر امکان معرفی فرهنگ بومی و آداب و رسوم قومی خود به مردم اروپا، مناسب است برنامه ریزی بهتر و مطالعه شده ای را مورد توجه قرار دهند و درصد روزآمد کردن بیش از پیش آموزه های اسلامی باشند. از این رو به جای تأکید صرف بر مصادیق تاریخی، باید بر اصول ارزش های جهان شمول اسلام از جمله عقلانیت، عدالت، معنویت، آزادی، امنیت و امید به آینده بهتر برای بشریت تأکید نمود.

۷. امامان و مدیران مراکز اسلامی مناسب است در محل کار، مدارس، محافل، انجمن های داوطلبانه و سازمان های خیریه جامعه میزبان حضور پیدا کرده و با آنان ارتباط برقرار کنند. مسلمانان با چنین تعاملاتی می توانند شک و تردیدهای شهروندان غیرمسلمان را نسبت به خود از بین ببرند. این اصلاحات در قلمرو اجتماعی می تواند به سهم خود روند امور را در



بازار کار نیز تسهیل کند و به تدریج نگاه مثبتی را دربارهٔ مسلمانان ایجاد نماید و فرصت‌های بیشتری را برای آنان به ارمغان بیاورد.

۸. یکی از نکات مهمی که مدیران مراکز اسلامی باید مورد توجه قرار دهند، این است که آنان باید عموم مردم و نیز نخبگان جامعه را از اخبار و اقدامات خوبی که این مراکز برای جامعهٔ غرب انجام می‌شود، باخبر کنند. بسیاری از مراکز، خدمات و عملکرد مثبت فراوانی برای جامعه انجام می‌دهند و کارکردهای اجتماعی بالایی دارند؛ اما چون اطلاع‌رسانی درستی انجام نشده، عموم مردم باخبر نیستند و نمی‌دانند که حضور این مراکز چه فایده‌ای برای آنان دارد. به نظر می‌رسد مسلمانان باید هر روز تصویر خود را در نگاه غیرمسلمانان بهتر و بهتر نمایند. مسلمانان باید سعی کنند برای جامعه‌الگو باشند و مسئولیت‌های بزرگ را بپذیرند و در خدمات اجتماعی حضور بیشتری داشته باشند تا مردم نگاه مثبتی به آنان پیدا کنند.

۹. در جوامع غربی با توجه به این که بحث احزاب و تحزب‌گرایی جدی است، مسلمانان و به خصوص شیعیان مقیم کشورهای غربی باید به احزاب سیاسی هم سو وارد بشوند و برای آینده در فکر ایجاد احزاب مستقل اسلامی باشند. همان‌طور که می‌دانیم، بخش بزرگی از ساکنان آلمان، مسلمانان هستند و آنان باید مطالبه‌های خود را از طریق احزاب پیگیری کنند. اگرچه برخی از نمایندگان مجلس آلمان در برلین، مسلمان هستند، اما حضور این افراد به عنوان خصلت مسلمانی شان نیست. بدون تردید مسلمانان باید سعی کنند بیش از پیش در جامعهٔ غرب و در تعیین سیاست‌های کلان اجتماعی نقش داشته باشند و این مقدر نیست، مگر این که آنان به عرصهٔ سیاست‌گذاری وارد شوند. در همین راستا مراکز اسلامی باید مسلمانان مقیمی که گذرنامه و تابعیت آلمانی دارند را به شرکت در انتخابات و احقاق حقوق خود تشویق نمایند.

۱۰. تقویت حضور مسلمانان و مراکز اسلامی در رسانه‌های ارتباط جمعی و استفاده از ابزارهای نوین تبلیغ دین و فرهنگ اسلامی است. استفاده از پویانمایی، اینفوگرافی و... و قرار دادن محتوای باکیفیت در اینترنت برای بسیاری از خانواده‌ها مفید و کاربردی است. در این راستا، مناسب است مراکز اسلامی اتاق فکری داشته باشند و برای پویایی و نوآوری در نحوهٔ ارائهٔ آموزه‌های اخلاقی و دینی برنامه‌ریزی داشته باشند.



منابع

* قرآن کریم.

۱. آل بتول، سید محسن، «کارکردهای اجتماعی نهادهای دینی در آلمان (مطالعه موردی مراکز اسلامی هامبورگ)»، فصلنامه شیعه پژوهی، ش ۲۵، ۱۴۰۲ ش.
۲. ترابی، حمیدرضا، مسجد آبی آلمان، هامبورگ: نشر آکادمی اسلامی آلمان، ۱۳۹۴ ش.
۳. توسلی، غلام عباس، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲ ش.
۴. تیلور، چارلز، چند فرهنگ‌گرایی؛ بررسی سیاست‌شناسایی، ترجمه طاهر خدیو و سعید ریزوندی، تهران: نشر رخداد نو، ۱۳۹۲ ش.
۵. خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید، روش‌های پژوهش کیفی، تهران: نگاه دانش، ۱۳۹۷ ش.
۶. سونگ، سارا، «درآمدی بر چنگانگی فرهنگی»، ترجمه مریم رحیمی ندوشن، نشریه اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۱۲، ۱۳۹۲ ش.
۷. شایگان، داریوش، افسون‌زدگی جدید؛ هویت چهل تکه و تفکر سیار، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: نشر فرزانه، ۱۳۸۰ ش.
۸. شیمیل، آنه ماری، بازتاب اسلام، ترجمه بهاء‌الدین بازرگانی گیلانی، تهران: نشر شور، ۱۳۸۵ ش.
۹. عابدی جعفری و دیگران، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، ش ۲، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. قاسمی، علی، بنیان‌های نظری سیاست تنوع فرهنگی و هم‌بستگی در اندیشه سیاسی اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶ ش.
۱۱. کاپلستون، فردریک چارلز، تاریخ فلسفه، ترجمه داریوش آشوری، تهران: نشر علمی فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.
۱۲. کاظمی پور، عبدالمحمد، در تنگنای بیم و امید، پژوهشی درباره زندگی مهاجران مسلمان در کانادا، ترجمه بهرنگ صدیقی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۶ ش.
۱۳. کریمی، عباس و زارعی، محمد، «پلیسی‌گری چند فرهنگی: جلوه‌ای از تقابل رویکردهای امنیت‌گرایانه و حقوق شهروندی»، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، ش ۳۲، ۱۳۹۴ ش.
۱۴. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. کیملیکا، ویل، شهروندی چند فرهنگی، ترجمه ابراهیم اسکافی، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۹۵ ش.
۱۶. گرهم، توماس و لیتمن، جرج، حضور نوین اسلام در اروپای غربی، مترجم: محمد قالیباف خراسانی، تهران: انتشارات الهدی، ۱۳۷۸ ش.
۱۷. گری، جان، فلسفه سیاسی آیزایا برلین، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر طرح نو، ۱۳۷۹ ش.
۱۸. لیوپچی، آتور و دیگران، جهان در آستانه قرن ۲۱، ترجمه علی اسدی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
۱۹. مارجر، مارتین، «سیاست قومی»، مطالعات راهبردی، ش ۱، ۱۳۷۷ ش.
۲۰. مدود، طارق، «دفاع از چنگانگی فرهنگی»، ترجمه روح‌الله علیزاده، نشریه اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۱۲، ۱۳۹۲ ش.
۲۱. نیلسن، یورگن، مسلمانان اروپای غربی، ترجمه سید محمد روئین تن، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲ ش.
۲۲. وینسنت، اندرو، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱ ش.



۲۳. هرش، سیلویا، عقلانیت و تساهل در اسلام از دیدگاه لسینگ، ترجمه الهام حسینی بهشتی و فریده فرزندفر، قم: انتشارات ادیان، ۱۳۸۷ ش.

1. Annemarie Schimmel, Der islamische Orient – Wege seiner Vermittlung nach Europa. in: Goethes Morgenlandfahrten. Frankfurt am Main und Leipzig, 1999.
2. Barbara Zehnpfennig: „Was eint die Nation?“, In: Frankfurter Allgemeine Zeitung Nr. 300, p10, 27.12.2000
3. Claus Leggewie, Multi Kulti – Spielregeln für die Vielvölkerrepublik, Rotbuch Verlag, 1993.
4. Claus Leggewie, Angela Joost, Stefan Rech, Der Weg zur Moschee – eine Handreichung für die Praxis. Herbert-Quandt-Stiftung. Bad Homburg vor der Höhe, 2002.
5. Der Forschungsbericht zur Studie „Muslimisches Leben in Deutschland 2020 (MLD 2020)“
6. Heiner Geißler, Multikulturelle Gesellschaft - Integration - Assimilation?. Der Spiegel Nr. 14, 1998.
7. Heiner Geißler, Multikulturelle Gesellschaft: Ja!. Michael Klöcker, Udo Tworuschka: Miteinander, was sonst? Die multikulturelle Gesellschaft im Brennpunkt. Köln/Wien: Böhlau Verlag, 1990.
8. Irenäus Eibl-Eibesfeldt, Multikulturelle Gesellschaft – Integration – Assimilation? Der Spiegel Nr. 14, 1998.
9. Nadine Hölcher, Diskussion über das Konzept der multikulturellen Gesellschaft, 2003.
10. Samuel Phillips Huntington, The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order. New York, 1996.
11. Tariq Modood, Multiculturalism: A Civic Idea. Polity Press, Cambridge, 2007.
12. Thomas Meier: Ein gefährliches, zum Scheitern verurteiltes Experiment, Irrweg «multikulturelle Gesellschaft», Zürich 3. März 2000.
13. Thomas Lemmen, Muslime in Deutschland- Eine Herausforderung für Kirche und Gesellschaft, Nomos, 2001.
14. <http://www.bundespraesident.de/SharedDocs/Reden/DE/Christian-Wulff/Reden/2010/10/20101003Rede.html>
15. <http://www.welt.de/politik/article2606235/Wie-viel-Moschee-vertraegt-das-Land.html>
16. <https://www.bpb.de/themen/migration-integration/laenderprofile/deutschland/256375/migration-nach-deutschland-aktuelle-herausforderungen-und-zukunftige-entwicklungen/>



ظهور نواستشراق در مطالعات شیعه‌شناختی در آمریکا از منظر پرفسور عبدالعزیز ساشادینا

رسول نوروزی فیروز

| ۸۵ |

چکیده

متن پیش رو حاصل گفت‌وگوی مجموعه‌ای از اساتید^۱ با پرفسور عبدالعزیز ساشادینا^۲ در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم است. عبدالعزیز ساشادینا در خانواده‌ای هندی تبار شیعه در تانزانیا به دنیا آمد. وی در حال حاضر استاد تمام دانشگاه بیرجینا و در شمار مشهورترین اسلام‌شناسان شیعه در آمریکا است. زمینه‌های تحقیق و تدریس پرفسور ساشادینا اسلام‌شناسی به خصوص شیعه، اخلاق زیستی، اسلام در دوران معاصر، دموکراسی و حقوق بشر در اسلام است. از وی پیش‌تر کتاب‌هایی با عنوان روش‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب (۱۳۹۴ ش)، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در اسلام (۱۳۸۴ ش) و اخلاقیات زیست‌پزشکی اسلامی (۱۳۹۱ ش) منتشر شده است. متن پیش رو قسمت نخست از گفت‌وگو با ایشان درباره مطالعات شیعه‌شناختی در ایالات متحده است و در شماره‌های آتی بخش‌های دیگر آن نیز ارائه خواهد شد. در این بخش به «تطورات مطالعات شیعه‌شناختی در ایالات متحده پس از حادثه یازده سپتامبر» پرداخته می‌شود. این تطورات شامل ظهور رویکرد نواستشراق در شرق‌شناسی، پارادایم‌های مطرح در شیعه‌شناسی و همچنین حضور محققان ایرانی و اسرائیلی در زمینه مطالعات شیعه‌شناسی و نقش و میزان اثرگذاری آن‌ها بر این حوزه مطالعاتی است.

واژگان کلیدی: نواستشراق، آمریکا، عبدالعزیز ساشادینا، شیعه‌شناسی.

۱. دکترای روابط بین‌الملل، استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم؛ rasoolnorozi@gmail.com.

۲. این گفت‌وگوها در سال ۱۳۹۶ ش. در گروه غرب‌شناسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم انجام شد. در این گفت‌وگوها حجج‌الاسلام آقایان دکتر حبیب‌الله بابایی، دکتر احمد رهدار، دکتر مهدی امیدی، دکتر مصطفی جمالی، دکتر ذبیح‌الله نعیمیان و... حضور داشتند.

3. Abdulaziz Sachedina.



۱. پارادایم‌های شیعه‌شناسی

در مطالعات شیعه‌شناسی دو پارادایم اصلی را می‌توانیم شناسایی کنیم؛ نخست پارادایم قبل از استعمار^۱ و دوم، پارادایم پس‌استعمار^۲ است که از دوره ۱۹۷۰م. به بعد رونق گرفت. پس از استعمار، پارادایم دیگری به وجود آمد که استمرار پارادایم نخست با ویژگی‌های جدید بود. حال پرسش این است که فرق این دو پارادایم چیست؟ شیعه‌شناسی قبل از استعمار بر اساس آثار اهل سنت است و آن را به حساب ارتدوکس می‌آورند و بر این باورند که شیعه «هترودوکس»^۳ است و اهل سنت ارتدوکس. به عبارت بهتر (برای فهم بهتر از تفاوت دو مفهوم تمایز میان کلیسای رسمی^۴ و کلیساهای مخالف) می‌گویند قرائت رسمی اسلام، اهل سنت است و کلیسای مخالف، تشیع؛ یعنی پارادایم قبل از استعمار این‌گونه است. مستشرقانی که اسلام را بررسی می‌کردند از پارادایم قبل از استعمار استفاده می‌کردند؛ از جمله گلدزیهر^۵ و برنارد لوئیس و بسیاری دیگر که تشیع را به این صورت می‌خواندند. مثلاً دو جلد کتاب مطالعات مسلمانان^۶ گلدزیهر خواندنی است؛ چون بر اساس تحقیقش، مشخص است که شیعه را



هنوز آن‌گونه که لازم است، نشناخته؛ چون اساساً به آثار شیعه دسترسی نداشته است. بنابراین، استناد اصلی این تحقیق کتاب‌های اهل سنت است. مثلاً در مورد الملل والنحل، نخستین بار آلمانی‌ها فرقی^۷ الشیعه را معرفی کردند و نویسنده آلمانی، تئودور هاربروکر^۷ این اثر را به آلمانی ترجمه کرد. پس از وی نیز نویسنده دیگری این اثر را به آلمانی برگرداند و مقدمه خوبی بر آن نوشت.

پارادایم پس‌استعمار بعد از ۱۹۷۰م. رونق گرفت. می‌دانیم که ایران هیچ‌گاه مستعمره هیچ

1. Pre colonial.
2. Post colonial.
3. Heterodox.
4. Official church.
5. Ignác Goldziher.
6. Muslim studies, vol 1 & 2.
7. Theodor Haarbrücker.



دولت خارجی نشده بود. به عبارت دیگر، دولت‌های خارجی اگرچه در ایران نفوذ داشتند، هیچ‌کدام نتوانستند به صورت مستقیم ایران را تحت سلطه و استعمار خود در بیاورند؛ چه آلمانی‌ها، چه فرانسوی‌ها و...؛ با این‌که مثلاً پهلوی‌ها با آلمانی‌ها کار همکاری کرده بودند، اما ایران هیچ‌گاه مستعمرهٔ کشوری نشد؛ ولی عراق انگلیسی شده بود؛ از این رو، هنگامی که انگلیس‌ها از آن کشور عزیمت کردند، ژنرال قاسم و فیصل را برداشتند و تشیع به‌گونهٔ دیگری رقم خورد. در این مرحله منبع شناخت تغییر کرد و برای نخستین بار شیعه‌شناسی با توجه به اسناد شیعه رخ داد.

پس دو پارادایم شیعه‌شناسی را ما تشخیص می‌دهیم که کاملاً متفاوت هستند. آن‌هایی که بعد از استعمار می‌نویسند، حساسیت عجیبی نسبت به آثار شیعه دارند. مثلاً شیخ صدوق رحمته‌الله را بررسی و مطالعه می‌کنند و مطلع هستند که تشیع چیزی نیست که اهل سنت می‌گویند؛ منحرف، ملحد، مبارک‌یه و خطایه نیستند. اینجا امامیه را می‌بینیم و اسماعیلیه را شناسایی کرده بودند، دُرور را شناسایی کردند؛ چون در لبنان بودند، فرانسوی‌ها در مورد آن‌ها کار کردند.



در ۱۹۷۰م. به بعد، پارادایم پسااستعماری دستخوش تغییرهایی شد. این مسئله در آثار بعد از ۱۱ سپتامبر و پس از اشغال افغانستان و عراق به وسیلهٔ آمریکا مشاهده می‌شود. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که دو منبع مهم افراط‌گرایان در منطقه وجود دارد؛ هم عراقِ صدام را کنترل کنند و هم افغانستانِ طالبان را بردارند. به بیان دیگر، این نخستین باری بود که محققان آمریکایی به صورت مستقیم با شیعه‌های عرب‌زبان مواجه شدند؛ چون شیعیان در لبنان - تا



پیش از امام موسی صدر - بر هویتشان کار نکرده بودند و علمای آنجا فعال نبودند. تشیع در آن کشور معمولاً در کتاب‌های غربی کم معرفی شده است؛ اما پس از تشکیل حزب الله لبنان و امل و آغاز مقاومت، شیعه لبنان شناخته می‌شود.

اولین برخورد آمریکا با شیعیان عراقی عرب‌زبان خیلی مثبت بود. لازم به ذکر است که متدلورژی پژوهش‌هایی که الان انجام می‌شود، هنوز هم شرق‌شناسی، نسب‌شناسی، لغت‌شناسی و براساس فقه‌اللغه است؛ ولی با تغییر مسیر به سوی بازیابی حقیقت تشیع^۱ نویسنده اسرائیلی به نام یتزاک نکش کتابی با عنوان شیعیان عراق^۲ دارد که در آن با نقد آمریکا و عملکرد بوش، به شیعیان عراقی گفته بود که شما مقاومت بکنید. وی در این کتاب، بالحنی جانبدارانه با شیعیان همدلی می‌کند. این زائیده تغییر پارادایم در دهه ۱۹۷۰م. است که بعد از ۱۱ سپتامبر اثبات کرد شیعه هیچ دخالتی در این حادثه نداشت.

۲. شیعه‌شناسی با رویکرد نواستشرافی

امروزه در مطالعات شیعه‌شناختی با پدیده «استشرق نو»^۳ مواجه هستیم. نواستشرق در شیعه‌شناسی در سال‌های اخیر رونق قابل توجهی گرفته است. در مورد تشیع بهترین کتابخانه و منابع شیعه‌شناسی در اورشلیم و در دانشگاه هیبرو^۴ است. این دانشگاه بهترین مجموعه نسخه‌های خطی و کتاب‌های مختلف و هر نوع چاپی را در اختیار دارد. در دانشگاه هیبرو، دپارتمان شرق‌شناسی^۵ برپا است؛ اما مطالعات اسلامی ندارد. بنابراین، هدفشان مشخص و معطوف به مطالعات شرق‌شناسی ای بود که با سیاست آمیخته شده. این شرق‌شناسی جدیدی است که خطرشناسی و تهدیدشناسی یا به عبارت بهتر، آسیب‌شناسانه است. به عنوان مثال، آسیب‌شناسی حزب الله و این که چرا ایران از آن حمایت می‌کند. به عبارت دیگر، تصویر ذهنی این‌ها از شیعه، بسان حزب الله است؛ زیرا فقط آن‌ها هستند که دولت اسرائیل را تهدید می‌کنند. از این رو امروزه بیشتر کارهای مرتبط با تشیع عراق، لبنان، ایران

1. Retrieval Of true shiism.

2. Yitzhak Nakash, The Shi'is of Iraq.

3. New orientalism.

4. Hebrew university.

5. Department oriental studies.



و... در اسرائیل انجام می‌شود. این تحقیقات با کمک سوربون و افرادی که در دانشگاه یل،^۱ پرینستون و هاروارد هستند، صورت می‌گیرد.

۳. نقش محققان ایرانی و اسرائیلی در شیعه‌شناسی براساس رویکرد نوشرق‌شناسی

بحث دیگری در رابطه با شیعه‌شناسی، نقش مهم محققان اسرائیلی و ایرانی در شکل دادن متدهای جدید در مطالعه‌های شیعه‌شناسی است. این یک حقیقت و واقعیتی است که در این مرحله به آن پی می‌بریم. به عنوان مثال، یکی از مستشرقان معروف اسرائیل، اتان کلبِرگ^۲ است. مستشرقی است که همواره در پی دست‌نوشته‌هایی است که شیعه رسمی، آن را نادیده گرفته است. مثل آثار سلیم بن قیس هلالی که علمای قم و مشهد معتقد بودند که ممکن است شخصیت و مطالب کتاب او جعلی و بر اثر غلو باشد. این اندیشمندان در جست‌وجوی آثاری هستند که برداشت‌های متفاوتی از شیعه دارد. مثلاً در مورد قرآن، دیدگاه ما چیزی است که در کتاب اعتقادات شیخ صدوق علیه السلام بیان شده و این عقیده که قرآن کم‌یا زیاد دارد را نمی‌پذیریم. یا این که محمد علی امیرمعزی در دانشگاه سوربون پاریس، به دست‌نوشته‌هایی رسید که در آن به امام باقر علیه السلام نسبت می‌دهد که در روایات رسیده از ایشان، قرآن دیگری وجود دارد و آیات اضافی دارد. همچنین این افراد درباره تخریب روابط شیعه و سنی فعالیت دارند. به عنوان نمونه، اتان کلبِرگ در مقاله‌ای پیرامون سب صحابه، به چگونگی این موضوع در دیدگاه شیعه اشاره می‌کند.

۴. چرایی علاقه یهود و اسرائیل به شیعه‌پژوهی

اتان کلبِرگ و یتزاک نکش یهودی و اسرائیلی هستند و مهم‌ترین دلیل علاقه آن‌ها به این مسئله، بحث مهدویت و غیبت است. به عنوان نمونه، گرشوم شولم^۳ با ریشه‌شناسی به این نتیجه رسیده است که تشیع بر یهودی‌ها تأثیر گذاشته است. آن‌ها نیز غیبت کبر و صغرا دارند و درباره مسیحانیسم^۴ (عقیده به منجی آخرالزمان) کار کرده‌اند.

1. Yale university.

2. Etan Kohlberg.

3. Gersham sholem.

4. Messianism.

از آثار وی می‌توان به Major Trends in Jewish Mysticism اشاره کرد.



مدرسی طباطبایی با بررسی یک نسخه خطی، بحران امامت بعد از وفات امام عسکری علیه السلام را نشان می‌دهد. خلاصه بحث او این است که امامت دوازدهمین امام در آن زمان تعیین نشده بود؛ زیرا نسخه خطی ای وجود دارد که بر همه آثار و منابع در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه به لحاظ زمانی - حتی از کلینی - مقدم است؛ چراکه کروئولوژی^۱ (وقایع نگاری) در شرق شناسی بسیار مهم بوده است؛ تا جایی که اثری که نزدیک به غیبت امام نوشته شده، بیشتر مستند بوده است.

از آثار سید حسین مدرسی طباطبایی هم اصل اثر انگلیسی کتابش خطرناک تر و تندتر از ترجمه فارسی است. در این نوع آثار، از یک سویتزاک نکش در اسرائیل، امیر معزی در پاریس و از سوی دیگر مدرسی طباطبایی در پرینستون به فعالیت مشغول هستند که این کارها خدمت به تحقیق نیست؛ زیرا شخص آکادمیک باید از متدهای آکادمیک استفاده کند؛ هرچند نتیجه‌گیری، مسئله‌ای شخصی است و لزومی ندارد که در راستاهای مختلف - مانند جلب رضایت و ... - صورت پذیرد.

تمامی این افراد در فضای آکادمیک آمریکا، شیعه‌شناس نامیده می‌شوند. به عنوان نمونه دیگر، در زمینه مطالعات شیعه‌شناسی (به خصوص تاریخ و عقاید) می‌توان به اسکات استاینر^۲ یهودی اشاره کرد. یا افرادی مانند رابرت گلیو^۳ در فقه و اصول کار کرده‌اند. همچنین حیدر علی کتاب خوبی نوشته که مورد توجه دانشگاهی‌ها واقع شده و هم اکنون با مدرسی طباطبایی در پرینستون همکار است. مایکل کوک^۴ و پاتریشینا کرونه^۵ هم جزو این دسته از محققان در پرینستون هستند. در دانشگاه ییل، شیعه‌شناس به آن صورت نداریم؛ ولی گرهارد بورینگ^۶ در قرآن‌شناسی کار کرده و خیلی هم تشویق می‌کند که تفاسیر شیعه را بررسی بکنند. همچنین سجاد رضوی در لندن، سعید امیرارجمند در جامعه‌شناسی دین و ولایت فقیه^۷ دو اثر مهم دارد؛ یکی در مورد ولایت فقیه^۸ و دیگری درباره امام خمینی رحمته الله علیه.^۹ درباره ولایت

1. Chronology.

2. Scott steiner.

3. Robert gleave.

4. Michael cook.

5. Patricia Crone.

6. Gerhard Böwering.

7. Sociology of religion.

8. The shadow of God and the Hidden Imam.

9. The Turban for the Crown: The Islamic Revolution in Iran.



فقیه کتابی در سال ۲۰۱۵ م. (چاپ کمبریج) توسط دو دانشمند اسرائیلی نوشته شده و در آن پیرامون گزاره «راه میانه یا راه اعتدال» مطالبی بیان شده است. آن‌ها در این کتاب بیان کرده‌اند که علما چگونه می‌توانند سیاست را بهتر اداره کنند تا سیاستمداران. این دو نفر برای کار بهتر تماماً بر متون فارسی متمرکز بوده و به این زبان مسلط بوده‌اند.

بالاترین رشد به لحاظ کمی در پایان‌نامه‌های علوم انسانی دفاع شده در موضوع «انقلاب اسلامی» است که البته بیشترشان در نقد آن است. ولی به طور کلی، انقلاب اسلامی توانسته برای ذهنیت انسان غربی و به خصوص آمریکایی پریش ایجاد کند؛ هرچند پاسخ آن با انقلاب اسلامی موافق نباشد. بنابراین طبیعی نیست که درباره معلول (انقلاب اسلامی) کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های زیادی نوشته شود، اما در خصوص عامل یا دال مرکزی کتاب‌هایی نوشته نشده باشد. من فکر می‌کنم روند تحقیق و پژوهش درباره امام خمینی علیه السلام یا امام خامنه‌ای علیه السلام به صورت سیاسی مهندسی می‌شود؛ یعنی آکادمیک نیست.

جمع‌بندی

به طور خلاصه، بحث ما درباره شیعه‌شناسی و تشخیص مسیر روشنی است که نواستشراق آن را برای ما تبیین می‌کند. همچنین اسرائیلی‌ها و ایرانی‌های خارج از کشور در مورد تولید کتاب‌ها و آثار در مورد شیعه‌شناسی چه نقشی دارند؟ هم دانشمندان اسرائیلی و هم دانشمندان ایرانی در خارج از کشور صاحب روش‌های مهمی هستند. نمی‌شود گفت این‌ها روش را کنار گذاشتند. روش درستی را به کار می‌بندند و ما نباید یک اشتباه کنیم که بین متد و محتوا تفکیک کنیم؛ چون محتوا نمایانگر متد است. مثلاً وقتی یک اثری را می‌خوانیم، پی می‌بریم که به صورت میان‌رشته‌ای کار شده و از روش‌های چندگانه‌ای استفاده کرده است. گاهی در یک کار مهمی به خصوص بعد از ۱۱ سپتامبر می‌بینیم که به یک متد خاص نمی‌توان اکتفا کرد؛ چون نتیجه‌دهنده نیست. یا مسئله‌ای که شناسایی افکار رئیس‌جمهور و رهبر یک حرکت مهم در اسلام چه اخوان المسلمین باشد یا کس دیگری، چگونه می‌توان بدون بررسی فلسفه‌ای که این‌ها به کار می‌بندند تا افکارشان را درست کند، منسجم نماید را بررسی کنیم. یا کاری که بعد از حمله عراق در آمریکا رایج شده بود و آیت‌الله سیستانی، فروید و افلاطون می‌خواند؛ ما نمی‌دانیم دقیقاً



این طوری می‌خوانند یا نه، ولی می‌خواستند بدانند که این میانه‌روی آیت‌الله سیستانی نسبت به سایر مراجع از کجا آمده است. آمریکایی‌ها می‌گفتند که حتماً از غرب آمده، یعنی فکرشان این بوده که اعتدال آیت‌الله سیستانی خیلی دموکراتیک است و....

بنابراین، چیزی که می‌خواهند به ما نشان دهند، این است که شما این را ندارید، ما برایتان ترتیب می‌دهیم؛ یعنی تفسیر ما صحیح است و لا غیر. مثلاً این یوان گل^۱ که متخصص سیاست عراق و آیت‌الله سیستانی است و هر مسئله‌ای درباره‌ی ایشان را از او می‌پرسند، مشخص است که فقط منابع غربی را می‌خواند؛ لذا نمی‌توان ارزیابی او را به راحتی پذیرفت، پس نومستشرق است. هدف نواستشرق آن است که به ما نشان دهد متونی که می‌خوانیم را اگر شما نخوانید، نمی‌توانید تفسیری که شما در ما پیدا می‌کنید را به دست آورید. بنابراین، اصالت دادن به متد خارج از اسلام، به نوعی «معرفت‌شناسی»^۲ است؛ با این هدف که هشدار دهد در وضعیت بحرانی هستید. از این رو، ما به شما قدرت شناسایی می‌دهیم تا تحلیل‌های صحیح را به دست آورید.

1. Moderation.

2. Juan Cole.

3. Epistemology.



گزارشی از کتاب «تفسیر معاصرانه قرآن کریم»

مرتضی فلاح زیارانی | ۹۳

چکیده

یکی از آثار تفسیری که به تازگی به وسیله مستشرقان تازه‌مسلمان نوشته شده است، کتاب *The study Quran* (قرآن شناخت) می‌باشد. این اثر به وسیله گروهی از پژوهشگران غربی با سرویراستاری دکتر سید حسین نصر نوشته شده است. نگارش این کتاب با سفارش انتشارات «هارپرسن فرانسیسکو» - که اکنون به نام هارپروان خوانده می‌شود (Harper one) - به آقای دکتر سید حسین نصر شروع شد. نویسندگان اصلی کتاب دو نفر از مستشرقان تازه‌مسلمان آمریکایی به نام‌های ماریا دکاکه، جوزف لومبارد و یک نفر مسلمان زاده آمریکایی به نام جانردگلی است و یک کمک ویراستار آمریکایی به نام محمد رُستُم آن‌ها را همراهی کرده است. آنان با انتخاب وزیر نظر آقای دکتر سید حسین نصر، این اثر را پدید آورده‌اند. این کتاب توسط دکتر ان شاء الله رحمتی و تحت نظارت مصطفی ملکیان به فارسی ترجمه شده و نام تفسیر معاصرانه قرآن کریم بر آن نهاده شده است. کتاب *The study Quran* در یک مجلد و به زبان انگلیسی چاپ شده است و تاکنون در هشت مجلد که مشتمل بر سوره‌های فاتحه‌الکتاب تا حدید می‌باشد، به زبان فارسی ترجمه و چاپ و منتشر شده است.

واژگان کلیدی: قرآن شناخت، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، سید حسین نصر، نقاط ضعف و قوت.



سید حسین نصر

سید حسین نصر متولد ۲۰ فروردین ۱۳۱۲ ش. در تهران است. پدرش دکتر ولی الله نصر، پزشک و فرزند نصرالاطبای کاشانی و مادرش نیز ضیاء اشرف کیانوری، نوه شیخ فضل الله نوری بود. پدر دکتر نصر از رجال سیاسی دوره بعد از مشروطه و نماینده دوره اول مجلس شورای ملی بود. سید حسین نصر از نوجوانی در آمریکا تحصیل کرد و نخستین تجربه دانشگاهی اش را در دانشگاه ام. آی. تی در رشته فیزیک سپری کرد. وی آن چنان که خود می گوید، مقصودش از تحصیل در فیزیک، پی بردن به سرشت طبیعت و هستی بود و زمانی که دریافت یا شنید که فیزیک چنین رسالتی ندارد و به پرسش مهم او (حقیقت چیست؟) پاسخ نمی دهد، به دلیل تمایل درونی اش به فلسفه، به آرامی از آن فاصله گرفت و به فلسفه علم نزدیک شد. وی پس از جدا شدن از فیزیک، با آثار گنون و شمار دیگری از سنت‌گرایان غربی که ضد تجدد بودند مانند کوماراسوامی و فریتیوف شوان آشنا شد.



آشنایی با افکار اینان، هسته مرکزی فکر دکتر نصر را علیه تجدد غربی شکل داد. وی تحصیلات عالی را در هاروارد گذراند. ایشان فوق لیسانس خود را در زمین شناسی و ژئوفیزیک گرفت؛ اما پس از آن برای دکترا به دپارتمان تاریخ علم رفت. وی در سال ۱۳۳۷ ش/ ۱۹۵۸ م.



به ایران بازگشت و هم‌زمان با نگارش پایان‌نامه دکترایش با عنوان «مقدمه‌ای بر آموزه‌های کیهان‌شناسی در اسلام»، کتاب علم و تمدن در اسلام را نگاشت که نشان از علاقه‌اش در آن سال‌ها به تاریخ علم در حوزه تمدن اسلامی داشت. این‌زمان شماری از اسلام‌شناسان به نام‌های هامیلتون گیب و ولفسن هم در هاروارد بودند که وی در مطالعات اسلامی از آنان استفاده کرد.

دکتر نصر در این مرحله به دلیل شاگردیش نزد برخی روحانیون و متدینین برجسته مانند آقا سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، سید محمدکاظم عصار و علامه طباطبایی رحمته‌الله، اندیشه‌هایش باز هم بر اساس همان مبانی پیشین تقویت شد. وی هم‌زمان متأثر از اندیشه‌های کربن بود و این‌ها مجموعه‌ای از آموزه‌های شرقی و غربی را به عنوان اندوخته‌های علمی او در اختیارش نهاده بود. رفاقت وی با کربن طولانی و در قالب تأثیرپذیری از وی بود. وی به نوعی بیانگر افکار کربن هم در ایران بود؛ کربنی که ناشر و احیاگر افکار سنتی به شمار می‌آمد و این هم مهم‌ترین نقطه مشترک نصر با او بود. جلسات نصر با کربن و علامه طباطبایی رحمته‌الله، چنان‌که نصر می‌گوید، بسیار فراوان و طولانی بوده است. کتاب شیعه در اسلام با پیگیری نصر توسط علامه نوشته شد و ویرایش و ترجمه انگلیسی آن را نصر انجام داد. در همین جلسه‌ها و رفت‌وآمدها، وی با استاد مطهری هم رفاقت یافت. نصر می‌گوید که ارتباطش با علامه طباطبایی رحمته‌الله بیست سال به درازا کشیده است.

نصر پس از بازگشت به ایران در سن ۲۵ سالگی و در سال ۱۳۳۷ ش. به سمت دانشیار در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به کار مشغول شد و بعدها (۱۳۷۳-۱۳۴۷ ش) ریاست کتابخانه و سپس ریاست این دانشکده را از سال ۱۳۴۷ ش. به بعد در اختیار داشت. او استاد فلسفه اسلامی و متخصص در تاریخ علوم طبیعی و اسلامی بود و حتی در جمع دانشجویان سخنرانی‌های مذهبی داشت. طرح مسائل مذهبی در آن دوره البته از نظر استادانی که در فرانسه یا دیگر کشورهای اروپایی تحصیل کرده بودند، شگفت بود. به خصوص سنت‌گرایی خاص نصر و ایده «بازگشت به خویش» مورد انتقاد کسانی چون دکتر صدیقی بود که در جامعه‌شناسی تحصیل و تدریس داشت؛ اما نصر در هردو بخش، هم اندیشه‌های اسلامی و هم سنت‌گرایی فلسفی، کارش را ادامه می‌داد. از جمله در جلسه انجمن اسلامی دانشجویان



دانشکده ادبیات با عنوان «کانون مطالعات اسلامی دانشجویان» در ۲۳ آبان ۱۳۴۹ ش. به همراه دکتر رضا داوری دربارهٔ پیدایش ماه مبارک رمضان، پیدایش بشر و رابطهٔ روح و جسم سخنرانی کرد. نوشتهٔ دیگری از وی با عنوان «اهمیت اسلام در جهان معاصر» به عنوان نشریهٔ شمارهٔ اول انجمن اسلامی دانشجویان دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران چاپ شد.

دکتر نصر هم به لحاظ سابقهٔ خانوادگی کاملاً محل توجه بود و هم تحصیلات عالی اش جلب توجه می‌کرد. به همین دلیل، به سرعت مدارج علمی را طی کرد و در سی سالگی به مقام استادی کامل رسید؛ چیزی که تا آن زمان بی سابقه بود. اندکی بعد ریاست دانشگاه آریامهر (دانشگاه صنعتی شریف) را بر عهده گرفت و این جز در سایهٔ ارتباط نزدیکش با دستگاه پهلوی - که عمدتاً از طریق همسرش و رفاقت وی با فرح صورت می‌گرفت - ممکن نبود. در واقع، رژیم بلافاصله تلاش کرد تا از وی به عنوان یک تنوریسین بهره‌بردار؛ همان طور که در سطح پایین‌تری از نراقی بهره‌بردار می‌برد.

زندگی سیاسی - فرهنگی او به لحاظ ارتباطش با دربار پهلوی، پیشینهٔ خوبی از وی نشان نمی‌دهد. وی شخصاً مورد اعتماد دربار بود و حتی برای مأموریت‌های علمی و همکاری با دانشگاه اورشلیم نیز با تأیید ساواک از طرف دانشگاه تهران معرفی شده بود. وی بارها برای شرکت در کنفرانس‌های علمی در پاکستان، هندوستان، ترکیه، لبنان، ایتالیا، فرانسه، آمریکا و کانادا به این کشورها سفر کرد و چند بار هم به عنوان استاد مدعو در دانشگاه‌های مختلف دعوت شد که از آن جمله، در سال ۱۳۲۱ ش. به دانشگاه هاروارد در آمریکا رفت. وی در بسیاری از مجامع فرهنگی دنیا نیز عضویت داشت. دکتر نصر از سال ۱۳۵۱ ش. با گرفتن نیابت تولیت عظمای دانشگاه آریامهر به ریاست این دانشگاه رسید.

آنچه در اینجا برای ما اهمیت دارد، این است که دکتر نصر با تکیه بر دانش و بینش خود و نیز تلاش‌های فرهنگی - دانشگاهی، دست به ایجاد نحله‌ای فلسفی - دینی در ایران زد که آثار خاص خود را به لحاظ فرهنگی در این کشور بر جا گذاشت. وی به دلیل توجه خاصش به تئوری پردازی در زمینهٔ احیای فرهنگ اسلامی و ایرانی، درست زمانی که دستگاه پهلوی هم به نوعی به احیای میراث ملی رو آورده و ایرانی‌گری را مبنای کارش قرار داده بود، مورد توجه دستگاه روشن‌فکری فرح قرار گرفت که از سال‌ها پیش با تشکیل بنیاد فرهنگ ایران



و مؤسسه های دیگر، در این زمینه فعال بود. این توجه در نهایت به کشاندن نصر به ریاست دفتر مخصوص فرح منجر شد و پس از آن که هوشنگ نهاوندی، رئیس دفتر وقت فرح، به عنوان وزیر علوم و آموزش عالی در کابینه شریف امامی منصوب شد، دکتر نصر جای او را گرفت.

سنت فکری نصر دفاع از فلسفه ایرانی و سنت های قدسی و شرقی بود. در نگاه وی، انسان سنتی با انسان مدرن و متجدد متفاوت است و این به حسب تفاوتی است که میان سنت و تجدد و مبانی معرفتی آن ها در شرق و غرب وجود دارد. نصر عاشق سنت های دینی و شرقی به معنای امور قدسی و الهی است و در برابر، از تجدد بیزار است. او در تلاش های علمی خود نیز همواره در احیای سنت ها و تأثیرگذاری بر عالم تجدد برای بازگرداندن سنت ها تلاش داشته است. طبیعی است که به همین دلیل او به اندیشه های فلسفه کهن علاقه ویژه ای دارد و حتی علم کهن را که بر پایه فلسفه کهن است، بر علم مدرن ترجیح می دهد. کتاب نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت (چاپ دوم اسفند ۱۳۴۵ ش)، تلاشی بود برای بیان جهان شناسی اسلامی. کتاب علم و تمدن در اسلام (چاپ اول ترجمه فارسی ۱۳۵۰ ش) مروری بود بر دانش های مهم در تمدن اسلامی؛ موضوعی که وی از دیرزمان به آن علاقه مند بود. از دیگر آثار نصر که پیش از انقلاب انتشار یافته، کتاب معارف اسلامی در جهان معاصر (۱۳۴۸ ش) است. وی در مقدمه با اشاره به نفوذ فلسفه غرب در دنیای اسلام و کشورهای مختلف تأکید دارد که این نفوذ سبب ایجاد شکاف عمیقی بین جهان بینی جامعه اسلامی و گروهی که تحت نفوذ فلسفه اروپایی قرار گرفته اند، شده است. وی تأکید می کند که هیچ رابطه حیاتی و درونی میان افکار جدید فلسفی اروپایی و آرمان ها و اساس فکری جامعه اسلامی وجود ندارد. این امر در نهایت به تخریب طرز تفکر در حیات عقلی و اسلامی منجر شده است. آنچه نصر بر آن تأکید می کرد، احیای حکمت اسلامی در برابر تفکر غربی و تعریف تازه ای از علم اسلامی برابر علم غربی بود.^۱

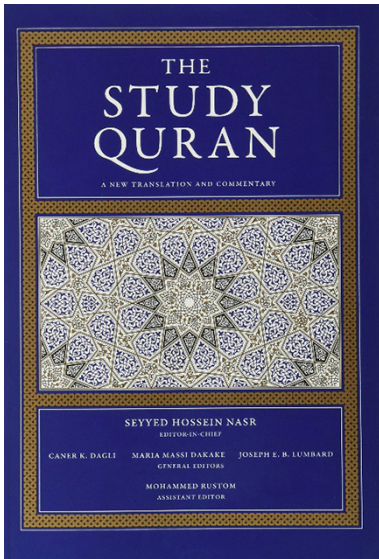
تفسیر معاصرانه قرآن کریم

یکی از آثار تفسیری که به تازگی به وسیله مستشرقان تازه مسلمان نوشته شده، کتاب The study Quran (قرآن شناخت) است. این اثر به وسیله گروهی از پژوهشگران غربی با

۱. ر.ک: جعفریان، رسول، جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران، ۸۱۷-۸۰۹.



سرویراستاری دکتر سید حسین نصر نوشته شده، به وسیله دکتر ان شاء الله رحمتی و با نظارت مصطفی ملکیان به فارسی ترجمه شده و نام تفسیر معاصرانه قرآن کریم بر آن گذاشته شده است. پیشنهاد سرویراستاری این اثر، به وسیله انتشارات هارپرسان فرانسیسکو که امروزه به آن «هارپروان» گفته می‌شود، به جناب دکتر سید حسین نصر داده شد. ایشان ابتدا از قبول این پیشنهاد امتناع کرده، ولی در ادامه با توجه به این که اگر آن را نمی‌پذیرفت، این پروژه متوقف می‌شد، با دو شرط آن را پذیرفت؛ نخست این که این اثر، یک فعالیت اسلامی باشد و به دست مسلمانان انجام شود و مطالب مطرح شده در آن، بر مبنای مطالب بیان شده به وسیله مستشرقان غیرمسلمان در آثارشان نباشد؛ چرا که آن‌ها اگرچه با دقت قرآن کریم را بررسی می‌کنند، ولی آن را کلام خدا و وحی راستین نمی‌دانند. دوم آن که در انتخاب ویراستاران و سایر همکارانشان، هیچ محدودیتی نداشته باشند. با پذیرش این دو شرط، تألیف این اثر شروع شد. دکتر نصر شیوه انتخاب همکارانش را این گونه بیان می‌کند:



برای این هدف، سه ویراستار برگزیدم که همه آن‌ها آمریکایی‌اند و همه آن‌ها در زمینه مطالعات اسلامی از دانشگاه‌های مهم آمریکا مدرک دکتر گرفته‌اند و همه آنها تجربه بی‌واسطه‌ای از جهان اسلام دارند، با علوم اسلامی سنتی آشنایند و به زبان عربی کلاسیک مسلط‌اند. به منظور رعایت تنوع، دو مرد و یک زن را برگزیدم؛ دو تن از آن‌ها، جوزف لومبارد و ماریاداکا که، مسلمان آمریکایی‌اند که البته ابتدا مسیحی بوده‌اند و یکی از آن‌ها، کانه دگلی

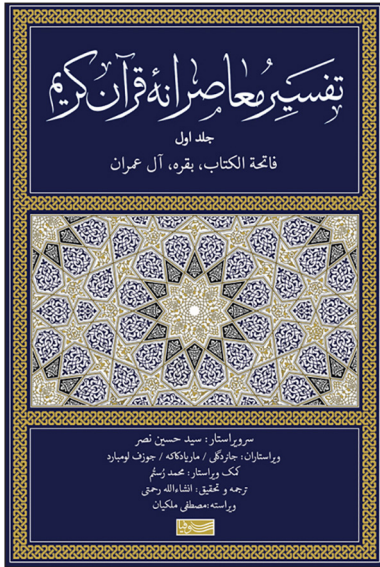
در آمریکا، در یک خانواده مسلمان قفقازی تبار زاده شده است. در ادامه طرح، پس از آن که ترجمه متن انجام گرفت و جستارها ویرایش شدند، یک کمک ویراستار، یعنی محمد رستم رانیز به جمع آنان اضافه کردم. او در یک خانواده کانادایی آسیایی تبار



(جنوب آسیا) زاده شده است و دارای مدرک دکترا در مطالعات اسلامی از یک دانشگاه معتبر کانادایی است. ازانجا که باید در این کارگروهی، وحدت اثر نیز حفظ می‌شد، این چهار تن را از میان کسانی که در سال‌های گذشته، به نحوی دانشجوی من بوده‌اند، برگزیدم (همان، ۶۷).

قرآن کریم دارای نسیم‌های حیات بخش است که همه انسان‌ها باید خود را در معرض آن‌ها قرار دهند. قرار نگرفتن در معرض این نسیم‌ها، فقط معلول ضعف اراده انسان نیست تا در نتیجه با تقویت اراده، این مشکل حل شود، بلکه باید علاوه بر رفع ضعف اراده، غبار غوغای فکری را نیز رفع کرد. آنچه بیش از همه فضای مواجهه با قرآن را برای انسان‌های روزگار ما آشوبناک می‌کند، گردبادهای فکری است که از هر سو بر این زمانه می‌وزد؛ بنابراین باید به مدد اغنای فکری و سپس تهذیب معنوی بر رکن رکینی تکیه زد و خود را در معرض آن نسیم حیات بخش قرار داد. مترجم کتاب *The study Quran* معتقد است در تفسیری که در این زمانه بر قرآن نوشته می‌شود، باید به این موضوع عنایت جدی شود که در تفسیر معاصرانه قرآن کریم این آگاهی وجود دارد؛ هرچند ممکن است به صراحت به بیان نیامده باشد (همان، ۱۳).

معمولاً دنیای مدرن از منظر دینی، دنیایی معطوف به الحاد است؛ به این معنا که گویی ایمان به خدا و به طور کلی نگرش معنوی در این دنیا ناممکن یا لاقابل دشوار است. ممکن است سمت و سوی دنیای مدرن تا حدی این‌گونه باشد، ولی واقعیت این است که این دنیا چندان هم بی‌خدا نیست. باید توجه کنیم که آنچه جوامع مدرن و پست مدرن را از جوامع سنتی متمایز می‌کند، این است که در بنیاد آن‌ها، نوعی بی‌اعتقادی به وحی و نبوت جا خوش کرده است. حال پرسشی که در این مقام مطرح می‌شود، این است که آیا می‌توان در این روزگار دل در گرو دین و حیانی داشت و همچنان با تحولات زمانه همراه شد؟ (همان، ۱۴) در تفسیری که در دوران ما بر قرآن نوشته می‌شود، باید اقتضاهای این زمانه را در نظر گرفت. معمولاً زمانه ما را زمانه مدرن در نظر می‌گیرند و گمان می‌برند هرچه با شرایط این زمانه مدرن سازگار نباشد، از وجه معاصرانگی هم بی‌بهره خواهد بود و بنابراین، برای انسان معاصر سخنی نخواهد داشت. تفسیری که به اقتضائات دوران مدرن ملتزم نباشد، تفسیری مهجور و گذشته‌نگرانه است؛ اما حقیقت این است که مدرن بودن، معاصرانه بودن نیست. می‌توان



معاصرانه اندیشید، ولی یکسره تسلیم تفکر مدرن در کلیت آن نبود (همان، ۱۶-۱۷).

به اعتقاد دکتران شاء الله رحمتی، مترجم کتاب The study Quran، یکی از وجوه اصلی اثر حاضر (که البته در ترجمه فارسی به همین اعتبار عنوان تفسیر معاصرانه قرآن کریم برای آن برگزیده شده است) همین است. وی معتقد است دست اندرکاران این اثر، مقهور دنیای مدرن نیستند؛ چه نیک می دانند تفکر مدرن آمیزه‌ای از حقیقت‌ها و خطاها است. بسیاری از آنچه در دنیای مدرن در جامه حقیقت جلوه می‌فروشد، خطاهایی هستند که طشت

رسوایی‌شان از بام می‌افتد. بنابراین، شرط خرد نیست که آن حقایقی را که از جانب خداوند به بشر وحی شده است، به عیار این خطاها سنجید و به پای این خطاها قربانی کرد. به اعتقاد مترجم کتاب، نویسندگان اثر حاضر در این مسیر پیش رفته‌اند و هم فرایند کارشان و هم فرآورده آن، از این جهت ستودنی است (همان، ۱۷).

رویکردهای مسلمانان نسبت به دنیای مدرن را می‌توان ذیل پنج عنوان (به منزله شاخص‌های تقریبی) دسته‌بندی کرد: تجددگرایی، موعودگرایی، بنیادگرایی، سنت‌گرایی و اسلام سنتی (همان، ۱۸). می‌توان گفت اسلام سنتی میراث‌دار راستین اسلام در روزگار ما است. در این روزگار با وجود هجوم مدرنیسم به سنت‌های دنیوی و معنوی بشر، طرف‌داران اسلام سنتی توانسته‌اند این میراث و به عبارت دیگر، این موهبت الهی را که در اختیار بشر قرار گرفته است، صیانت کنند، در شرح و تفسیر آن بکوشند و آن را به نسل‌های بعدی منتقل سازند (همان، ۲۰).

به اعتقاد مترجم، شاید جدی‌ترین نقصان در بخش عمده‌ای از اسلام سنتی در روزگار ما این است که کمتر درباره نسبت خویش با دنیای مدرن اندیشیده است. فقط این نیست که زبان و اصطلاحات مورد نیاز برای مواجه شدن با دنیای مدرن را در اختیار ندارد، بلکه از نظریه آگاهانه‌ای که مبتنی بر شناخت ژرف دنیای مدرن باشد، برخوردار



نیست (همان، ۲۱). وی معتقد است، تا آنجا که به سنت تفسیر قرآن کریم مربوط می‌شود، تفاسیری که در این سال‌ها بر این متن شریف نوشته شده است، اگر با نوعی آگاهی به مواجهه با دنیای مدرن همراه بوده باشند، عمدتاً ذیل نگرش‌های تجددگرایانه یا بنیادگرایانه قرار می‌گیرند. کم است تفسیرهایی که در عین حال که از منظر سنتی نوشته شده‌اند، این نوع آگاهی در آن‌ها مشهود باشد. ایشان اثر حاضر را اثری می‌دانند که از این منظر نوشته شده است (همان).

در این تفسیر مراد از اسلام سنتی، معنای نکوهیده و نامعقول آن نیست؛ در این معنای نکوهیده سنت، همان حفظ و صیانت از آداب و رسوم، علوم و فنون گذشتگان و تأکید بر انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده است، در عین مخالفت با هرگونه تغییر سازنده و اصلاح در آن‌ها و مهم‌تر از آن، مخالفت با هرگونه اصلاح کژی‌ها و ناراستی‌هایشان. معنای دیگر سنت، همان است که در قرآن کریم تبدیل‌ناپذیر و تغییرناپذیر معرفی شده است:

«سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»؛ (فتح/۲۳)

سنت الهی (و قانون نظام ربانی) بر این بوده (که حق بر باطل غالب شود) و ابدادر سنت خدا تغییری نخواهی یافت.

سنت به این معنا، مجموعه‌ای از حقایق و اصول جاودانی با منشئی الهی است که با واسطه فرستادگان خداوند در اختیار بشر و حتی به معنایی جامع‌تر، در اختیار همه موجودات ذی‌شعور قرار گرفته است و مایه پیوند آن‌ها با اصل آسمانی خویش است. سنت به این معنا، همان «حکمت جاویدان» است که اصول آن در فطرت عقل همه آدمیان به ودیعت نهاده شده است و ماهیتی جهان‌شمول و فراتر از زمان و مکان دارد. قرآن کریم خود را خزانه دار این حکمت می‌داند (همان، ۲۳-۲۴).

دکتر سید حسین نصر پیرامون هدفش از نوشتن این تفسیر می‌گوید:

این اثر باید جهان‌شمول و در عین حال سنتی، یعنی بیانگر دیدگاه‌های سنتی می‌بود و بنابراین تفسیرهای مدرنیستی یا بنیادگرایانه‌ای را که در طی سده گذشته در جهان اسلام، انتشار یافته است، در آن جایی نبود. هدفم این بود که متنی پدید بیاید که نشان دهد مسلمانان در طی تاریخ بلند خویش چگونه فهمی از



قرآن داشتند و آن مسلمانان که همچنان سنتی اند - که البته بیشتر مسلمانان این‌گونه اند - امروزه چگونه فهمی از آن دارند (همان، ۶۷).

وی همچنین می‌گوید:

تا آنجا که به تفسیر خود ما مربوط است، هدف ما این نبوده است که اثری که فقط محدود به یک جلد است، جامع همه مطالب باشد و اساساً چنین چیزی ممکن نیست. بالأخره هرچه باشد، تفاسیر معروفی به زبان عربی، زبان فارسی و دیگر زبان‌های اسلامی وجود دارد که شامل چندین و چند جلد قطور است و برخی از آنها تا بیست یا سی جلد می‌رسد و حتی آن‌ها نیز جامع نیستند. هدف تفسیر ما این است که در صورت لزوم، خوانندگان را از معنای ظاهری متن فراتر ببرد، عبارات دشوار را توضیح دهد، معانی باطنی آیات را در صورت لزوم آشکار سازد و تبیین معقولی از تنوع دیدگاه‌ها و تفاسیرها در موضوعات مربوط به فقه، کلام، معنویت و تاریخ قدسی که از جانب مراجع اسلامی سنتی مختلف مطرح شده است، به دست دهد (همان، ۷۲).

دکتر سید حسین نصر همچنین پیرامون روش خود در نوشتن این تفسیر می‌گوید:

تفاسیری را برگزیده‌ایم که نه فقط معتبرترین و پرخواننده‌ترین و پذیرفته‌ترین تفاسیرند، بلکه علاوه بر این تفاسیری تخصصی‌اند و اطلاعات مهمی در آن‌ها آمده است که همیشه در تفاسیر پرخواننده‌تر در دسترس نیست. سیاهه همه این تفاسیر را در «فهرست تفاسیر» آورده‌ایم. در صورت لزوم، از منابع سیره و منابع حدیثی سنی و شیعی نیز بهره برده‌ایم (همان).

وی همچنین می‌گوید:

تفسیر ما در عین حال که بر تفاسیر سنتی مبتنی است، صرفاً مجموعه‌ای از گزیده‌های اقتباس شده از این کتاب‌ها نیست، بلکه خود اثر نوینی است. در متن خویش ناگزیر دست به انتخاب زده‌ایم؛ هم در خصوص این که چه مطالبی را از متون متقدم اقتباس کنیم و هم در خصوص این که چه مطالبی در آن متون را کنار بگذاریم، به علاوه در جاهایی، تفسیر خویش را نیز که لااقل به همین



صورت، در منابع متقدم‌تر یافت نمی‌شود، آورده‌ایم. بدین ترتیب، تفسیر ما، تفسیر نوینی است که در عین حال بر تفکر اسلامی سنتی و سنت‌های تفسیری متقدم‌تر مبتنی است (همان، ۷۳).

همچنین می‌گوید:

اگرچه بر منابع سنتی که مبنای اصلی ترجمه و تفسیر ما بوده‌اند، بسیار تکیه کرده‌ایم، به منابع معتبری نیز که بر تحقیقات آکادمیک گذشته و حال در زمینه قرآن پژوهی مبتنی‌اند، مراجعه داشته‌ایم (همان، ۷۴).

نقاط قوت تفسیر معاصرانه قرآن کریم

علی‌رغم این‌که این کتاب نقاط ضعف بسیاری دارد - که در مبحث بعدی بیان خواهد شد - نقاط قوت بسیاری نیز برای آن بیان می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. اولین تفسیر شیعی در غرب؛ کتاب تفسیر معاصرانه قرآن کریم، اولین تفسیر شیعی است که در غرب و آمریکا، با سرویراستاری یک اندیشمند شیعی نوشته شده است.

۲. گروه نویسندگان مسلمان غربی؛ قرآن پژوهی‌ها و حتی کتاب‌هایی که پیرامون معرفی اسلام و قرآن منتشر شده‌اند، به وسیله نویسندگان غیرمسلمان تألیف شده‌اند؛ به عنوان نمونه، دائرةالمعارف اسلام و دائرةالمعارف لایدن، اکثریت نویسندگان مقالات آن‌ها، مسیحی یا یهودی هستند؛ درحالی‌که در تفسیر معاصرانه قرآن کریم، سرویراستار و تمامی گروه نویسندگان از مسلمانان غربی هستند.

۳. دفاع از وحیانی بودن الفاظ و معانی قرآن کریم؛ در مقدمه این تفسیر، از وحیانی بودن الفاظ و معانی قرآن کریم کاملاً دفاع شده است:

قرآن پیش از وحی یا نازل شدنش بر رسول خدا ﷺ واقعیت داشته و موجود است؛ بنابراین برخلاف منکران ماهیت وحیانی بودن قرآن کریم کلام پیامبر نیست (همان، ۳۷).

۴. دفاع از جامعیت قرآن کریم؛ در این تفسیر از جامعیت قرآن کریم به خوبی دفاع شده



است و قرآن را کتابی کلامی، اعتقادی، فطری، اخلاقی، اجتماعی، نجومی دارای خلاقیت هنری، جهان شمولی و حکمی و فقهی معرفی کرده است (همان، ۳۸-۴۸).

۵. ارائه ترجمه روان و کاملاً قابل فهم؛ دکتران شاء الله رحمتی، زیر نظر مصطفی ملکیان، ترجمه روان و کاملاً قابل فهم را به زبان فارسی ارائه داده‌اند.

نقاط ضعف تفسیر معاصرانه قرآن کریم

برخی کاستی‌ها و ایرادهای این کتاب عبارت‌اند از:

۱. نام‌گذاری نادرست؛ همان‌طور که گذشت این اثر در زبان انگلیسی The study Quran نام‌گذاری شده است که معادل فارسی آن عبارت است از «قرآن شناخت» که تبدیل «قرآن شناخت» به وسیله دکتر رحمتی به تفسیر معاصرانه قرآن کریم، وجه روشن و موجهی ندارد و علتی توسط مترجم برای آن بیان نشده است.

۲. استفاده حداقلی از تفاسیر شیعه؛ در جلد اول (ص ۹۱) این کتاب، حدود چهار تفسیر قرآن به عنوان منبع تفسیری با عنوان «مفسران بزرگ» نام برده شده است؛ اما حدود شش مورد آن‌ها از تفاسیر شیعه و بقیه از تفاسیر اهل سنت است.

۳. استفاده نکردن از تفاسیر مهم و معتبر شیعه و اهل سنت؛ برخی منابع تفسیری که به عنوان مفسران بزرگ از آن‌ها نام برده شده است، در جهان اسلام کمتر شناخته شده و مورد استناد هستند؛ مثل البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، اثر احمد بن عجبیه (م ۱۲۲۴ق) و در مقابل، بسیاری از تفاسیر مهم، معتبر و مشهور شیعه مانند تفسیر عیاشی، نورالثقلین عروسی حویزی، تفسیر تسنیم آیت الله جوادی آملی (حدود ۸۰ جلد) و تفسیر نمونه (حدود ۲۷ جلد) و... و نیز تفاسیر مشهور اهل سنت مثل تفسیر فی ظلال القرآن، اثر سید قطب، المنار، تألیف رشید رضا و... استفاده نشده است.

۴. تخصص نداشتن نویسندگان در دانش تفسیر و حدیث؛ دکتر نصر و همکاران ایشان در دانش تفسیر و حدیث که از شرایط اساسی برای نوشتن تفسیر است، تخصص نداشتند.

۵. وجود اشکال‌های محتوایی متعدد؛ در این کتاب اشکال‌های محتوایی متعددی



مانند دفاع از پلورالیسم دینی وجود دارد.^۱

۶. طرح یک مطلب بدون ذکر آدرس و سند؛ در کتاب محل بحث، ذیل آیه «وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْحَزٍ حِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ» (بقره/۹۶) آمده است: برخی مفسران گفته‌اند که این تعبیر ناظر به زرتشتیان یا پارسیان به طور کلی است و حتی در تأیید آن یک عبارت فارسی نقل می‌کنند؛ پارسیان وقتی کسی عطسه می‌کند، می‌گویند: «زی هزار سال»: «امید که هزار سال عمر کنی!» (همان، ۲۳۳).

این مطالب در تفسیر معاصرانه قرآن کریم و ذیل این آیه، هیچ آدرس و منبعی برای آن بیان نشده است.

۷. ارائه نشدن بحث جامع و کاملی پیرامون یک مبحث و اکتفا به بحث حداقلی؛ مفسران برای اثبات عصمت انبیا (علیهم‌السلام) به آیات مختلفی تمسک کرده‌اند و ذیل آن آیات، این مسئله را اثبات کرده‌اند؛^۲ اما در تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ذیل این آیات یا اصلاً بحثی پیرامون «عصمت انبیا» مطرح نشده (همان، ۱۱۳/۱، ۱۱۶، ۲۹۰ و ۳۸۲ و ۲۵۲/۲، ۵۶۵ و ۵۶۷) یا مطالب حداقلی و ناقص بیان گردیده است. به عنوان مثال، ذیل آیه ۱۶۱ سوره آل عمران، در توضیح خیانت نکردن پیامبران، بیشتر مباحث ارائه شده، درباره غنایم جنگی است و نسبت به عدم خیانت انبیا در وحی، به حدود یک سطر اکتفا کرده است و درباره این بحث که لازم است در ده‌ها صفحه تبیین شود، به همین میزان اکتفا شده است.

۸. استفاده از روایات ضعیف و اسرائیلیات؛ در این کتاب ذیل آیه «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (بقره/۱۵۴) آمده است:

در حدیث، پیرامون احوال پس از مرگ آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، آمده است: ارواح شهیدان در چینه‌دان پرندگان سبز است که به هر جای بهشت که بخواهند، سیر می‌کنند، سپس در نورافکن‌های آویخته در زیر عرش مأوا می‌گیرند... (همان، ۳۰۳/۱).

روشن است که این روایات، ضعیف و از اسرائیلیات و جعلیات است.

۱. ر.ک: نصر، حسین، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۹۱ و ۱۹۳.

۲. ر.ک: فاتحه ۶-۷؛ بقره/۱۴۳ و ۲۱۳؛ آل عمران/۱۶۱؛ نساء/۶۴، ۱۰۵، ۱۶۵ و ۱۸۴؛ انعام/۶۸، ۸۷ و ۹۰.



آشنایی با شیعه پژوهان: آندره نیومن^۱

| ۱۰۷ |

چکیده

آندره نیومن فارغ التحصیل دانشگاه کالیفرنیا بوده و در حال حاضر در دپارتمان مطالعات اسلام و خاورمیانه مشغول به کار است. حوزه‌های تدریس و پژوهش او شامل تاریخ شیعه دوازده امامی، تاریخ فقه اسلامی، مطالعات حدیث، تاریخ ایران، تاریخ و فرهنگ خاورمیانه، زبان و ادبیات فارسی و ادبیات نوین عرب است. پروژه‌های تحقیقاتی او بر تاریخ و گسترش شیعه دوازده امامی تا پایان دوره صفوی، شخصیت‌های مهم و امپراتوری صفوی و تاریخ و عقاید شیعه دوازده امامی آغازین تمرکز دارد. نیومن آثار متعددی در حوزه شیعه منتشر کرده است که به نقش فرودستان در دوره صفوی، اندیشه باقر مجلسی، مناظرات شیعی در قرن دهم/ شانزدهم، تصوف و صفویه، گفتمان معنوی متاخر صفویه، نزاع‌های مذهبی در دوره صفوی و زندگی جامعه شیعه اثنی عشری در قرن هجدهم می‌پردازد. علاوه بر آثار مکتوب، نیومن فعالیت‌های دیگری نیز در حوزه تشیع دارد. او مسئول سایت «شیعه نیوز» است که به عنوان یک فهرست ایمیل برای فعالان آکادمیک و غیرآکادمیک در حوزه مطالعات شیعی عمل می‌کند و اخبار و رویدادهای مرتبط را منتشر می‌کند. همچنین، او مدیریت پروژه تحقیقاتی چند ساله «بازیابی صدای گمشده» را بر عهده داشته که به بررسی نقش و تصویر طبقات پایین ایرانی/فارسی از قرن سیزدهم تا دوره مدرن می‌پردازد. نیومن همچنین در سال ۲۰۱۵، سلسله سمیناری با عنوان «نزاع شیعه-سنی در اسلام: گذشته، حال و آینده» را با حضور اساتید برجسته برگزار کرده است که به بررسی ریشه‌های تاریخی و معاصر این نزاع و عوامل مؤثر در آن می‌پرداخت.

واژگان کلیدی: شیعه پژوهی، نیومن، صفویه، تاریخ، حدیث

۱. برگرفته از پروژه مطالعات شیعه در آکادمیای بین الملل، موسسه البیان للتواصل والتأسیل



آندره نیومن^۱ مورخ، اسلام شناس و استاد مطالعات اسلامی و خاورمیانه. اهل بریتانیا. فارغ التحصیل ارشد و دکتری از دانشگاه کالیفرنیا در رشته مطالعات اسلامی است. وی هم اکنون در دپارتمان مطالعات اسلام و خاورمیانه مشغول به کار است. اسلام شیعی^۲، ادبیات مدرن فارسی^۳ و تاریخ ایران مدرن^۴ از جمله موضوعاتی است که وی در دوره کارشناسی به تدریس آن‌ها پرداخته است.

حوزه پژوهش وی عبارت است:

- تاریخ شیعه دوازده امامی
- تاریخ فقه اسلامی
- مطالعات حدیث
- تاریخ ایران
- تاریخ و فرهنگ خاورمیانه
- زبان و ادبیات فارسی

1. Andrew J. Newman
2. Shī'ī Islam
3. Modern Persian Literature
4. History of Modern Iran



- ادبیات نوین عرب
- پروژه های تحقیقاتی وی:
- تاریخ و گسترش شیعه دوازده امامی تا پایان دوره صفوی^۱
- شخصیت های مهم دوره صفوی^۲
- امپراطوری صفوی^۳
- شیعه دوازده امامی آغازین: عقاید و مناسک^۴
- آثار منتشره شده در حوزه شیعه:
- فرودستان ایرانی/فارسی در دوره صفوی: نقش و تصویر آنها: بازیابی صداها گمشده^۵
- اندیشه باقر مجلسی به عنوان اندیشه ایران: عصر صفویه^۶
- نمایی از پیرامون: اجازه به عنوان جدلی در اوایل قرن دهم/شانزدهم شیعه اثنی عشری^۷
- تصوف و صفویه در ایران: چالشی دیگر برای «انحطاط»^۸
- نگاهی گذرا به گفتمان معنوی متاخر صفویه: نقد «اخباری» بر تصوف و فلسفه^۹
- محدودیت های «راست کیشی»؟: نکاتی در مورد نزاع مخالفان ابومسلم در اوایل قرن یازدهم / هفدهم در ایران^{۱۰}
- درباره ملاها، نسخه های خطی و مهاجرت: جنبه هایی از زندگی جامعه شیعه اثنی عشری در قرن ۱۸^{۱۱}
- مردان بزرگ، افول و امپراتوری: مطالعات صفوی و راهی برای پیشرفت^{۱۲}

-
1. the history and development of Twelver Shi'ism to the end of the Safawid period (901/722-1501/1135-).
 2. a volume on prominent figures of the Safawid period
 3. a volume on the Safawids as empire
 4. early Twelver Shi'i history, doctrine and practice.
 5. Iranian/Persianate Subalterns in the Safavid Period: Their Role and Depiction: Recovering Lost Voices
 6. The idea of Baqer al-Majlesi as 'the idea of Iran: The Safavid era
 7. A view from the periphery: The ijāza as polemic in early 10th/16th Twelver Shi'ism
 8. Sufism and the Safavids in Iran: A further challenge to 'decline'
 9. Glimpses into late-Safawid spiritual discourse: An 'Akhbārī' critique of Sufism and philosophy.
 10. The limits of "Orthodoxy"?: Notes on the Anti-Abū Muslim polemic of early 11th/17th century Iran
 11. Of mullas, manuscripts and migration: Aspects of Twelver Shi'i community life in the 18th century
 12. 'Great men', 'decline' and empire: Safavid studies and a way forward



- گزارش های اقلیت: اختلاف شیعیان دوازده امامی و مرجعیت دوره آل بویه^۱
- شیعه دوازده امامی: اتحاد و اختلاف در اسلام از ۶۳۲ میلادی تا سال ۱۷۲۲ میلادی^۲
- بازیابی گذشته: ابن بابویه، باقر مجلسی و گفتمان پزشکی صفوی^۳
- صفویه و «فرودستان»: بازپس گیری (بازیابی) صداها^۴
- یکپارچه یا پویا: دربار صفویه و توابع آن در اواخر قرن هفدهم^۵
- اسلام نص گرا: تاریخ و عقاید مکتب اخباری شیعه^۶
- ادراکات روحانی در مورد اعمال صوفیانه در ایران در اواخر قرن هفدهم، الحر العاملی (متوفی ۱۶۹۳) و بحث در مورد مجاز بودن غنا^۷

سایر فعالیت های نیومن در حوزه تشیع

- سایت شیعه نیوز^۸

شیعه نیوز از جمله فعالیت های رسانه ای پروفیسور نیومن است. شیعه نیوز لیستی از ایمیل های افرادی است که در حوزه مطالعات شیعی به صورت آکادمیک و غیر آکادمیک در حال فعالیت هستند. این لیست از سال ۲۰۰۹ شروع به فعالیت کرده است و هم اکنون بالغ بر ۷۵۰ ایمیل در این لیست وجود دارد.^۹

پروفیسور نیومن در این سایت افزون بر گزارش برخی از پروژه ها و کارگاه ها و سمینارهایی که در حوزه شیعه در جهان برگزار می شود و یا خود وی برگزار کننده آنهاست، اخبار و وقایع مهم آکادمیک و حتی غیر آکادمیک مرتبط با شیعه را به لیست ایمیل موجود ارسال می کند.

1. Minority Reports: Twelver Shi'i Disputation and Authority the Buyid Period
2. Twelver Shi'ism: Unity and Diversity in the Life of Islam, 632 to 1722
3. The Recovery of the Past: Ibn Babawayh, Baqir al-Majlisi and Safavid Medical Discourse
4. 'Safavids and "Subalterns": The Reclaiming of Voices'
5. 'Monolithic or dynamic: The Safavid court and the Subaltern in the late seventeenth century'
6. Scripturalist Islam: The History and Doctrines of the Akhbari Shii School
7. Clerical Perceptions of Sufi Practices in Late Seventeenth-Century Persia, II: Al-Hurr al-'Amili (d. 1693) and the Debate on the Permissibility of China'
8. Shii News and Resources
9. <https://www.shii-news.imes.ed.ac.uk/>



• پروژه بازبازی صدای گمشده: نقش و تصویر طبقات پایین ایرانی/فارسی از قرن سیزدهم تا دوره مدرن^۱

این پروژه برنامه‌ای تحقیقاتی چند ساله با بودجه موسسه مطالعات فارسی بریتانیا (BIPS) است که با مدیریت پروفیسور نیومن از دانشگاه ادینبرو انجام شده است. هدف آن مشارکت دادن دانشمندان از طیف وسیعی از رشته‌ها در آغاز یک تلاش سازمان یافته برای استفاده از طیف گسترده‌ای از منابع برای بازیابی شواهدی از «صداها» «طبقات ضعیف و پایین» در دوره‌های پیشامدرن و مدرن جامعه روستایی و شهری در سراسر جهان پارسی است.

منابع گسترده‌ای که برای دسترسی مستقیم و غیرمستقیم به این صداها مورد بررسی قرار می‌گیرد می‌تواند شامل مطالب نخبگان سیاسی-اقتصادی فارسی و همچنین منابعی که از طیف وسیعی از حوزه‌های «فرهنگی» استخراج شده اند باشد، همچون هنر و معماری (از جمله سینما، برای دوره مدرن)، نثر، شعر و سایر رسانه‌ها و مطالب مذهبی (سنی، شیعی و صوفی) از همه گونه‌ها به همه زبان‌های مرتبط.

در طول پروژه، چهار کارگاه آموزشی یک روزه برای مطالعه و بررسی طبقات پایین در دوره‌های تاریخی زیر برگزار شده است: ایران پیش از صفویه، دوره صفوی، دوره زندیه/قاجار و دوره پهلوی/ایران. مقالات برگزیده این پروژه و نتایج حاصله از مطالعات و پژوهشهای صورت گرفته در این پروژه در قالب کتابی با همین عنوان در سال جاری (۲۰۲۲) به چاپ رسیده است.

• برگزاری سلسله سمینار «نزاع شیعه. سنی در اسلام: گذشته، حال و آینده»^۲

در سال ۲۰۱۵ میلادی، مجموعه‌ای از چهار سمینار در مورد «نزاع شیعه و سنی در اسلام: گذشته، حال و آینده»، با حمایت مرکز مطالعات پیشرفته جهان عرب ادینبرو (CASAW)^۳ با همکاری IMES و باریاست دکتر اندرو نیومن برگزار شد.^۴

1. RECOVERING 'LOST VOICES': THE ROLE AND DEPICTION OF IRANIAN/PERSIANATE SUBALTERN FROM THE 13TH CENTURY TO THE MODERN PERIOD

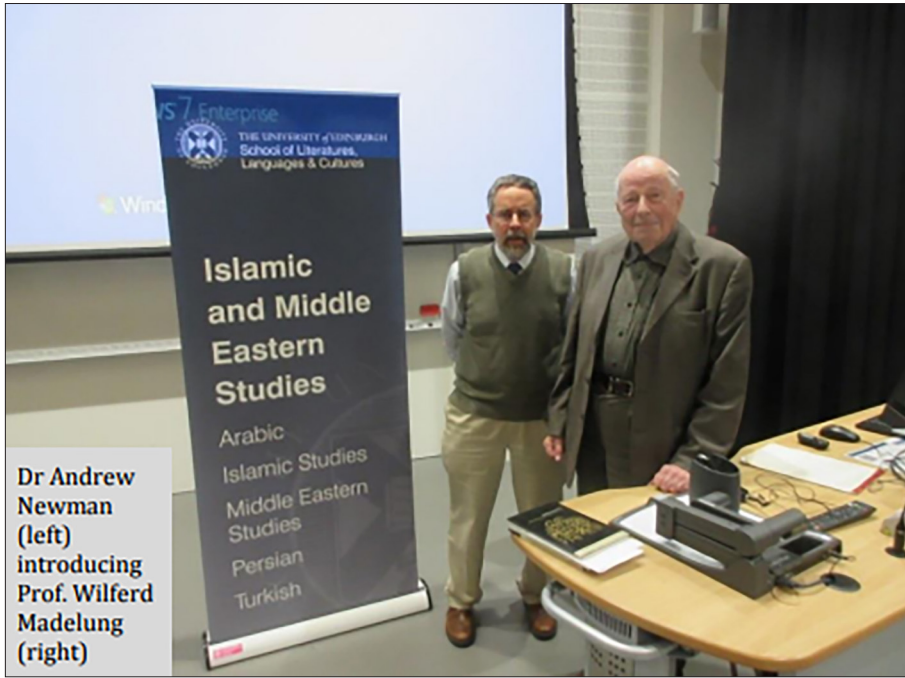
2. <http://www.shii-news.imes.ed.ac.uk/projects/the-subalterns-project/>

3. Shii-Sunni Conflict in Islam: Past, Present and Future

<https://www.shii-news.imes.ed.ac.uk/projects/the-unthought-in-islam/the-unthought-in-islam-the-shia-and-shiism-in-the-western-diaspora/>

4. Edinburgh's Centre for the Advanced Study of the Arab World (CASAW)

5. the IMES Alumni Newsletter no.6, p. 18.



پروفسور ویلفرد مادلونگ^۱، استاد زبان عربی دانشگاه آکسفورد، اولین سمینار را با عنوان «منشأ تضاد بین اسلام سنی و شیعه»^۲ در ۲۶ اکتبر برای بیش از ۳۰۰ مخاطب ارائه کرد.

دکتر سایمون ولفگانگ فوکس^۳، به عنوان محقق مطالعات اسلامی در کالج گونویل و کایوس^۴، دانشگاه کمبریج، دومین سمینار از این سلسله را با عنوان «تشیع فراملی و وعده در معرض خطر پاکستان: بازاندیشی فرقه‌گرایی سنی-شیعی در جنوب آسیا»^۵ برگزار کرد. مقاله دکتر فوکس به بررسی تحول گفتمان‌های فرقه‌ای در پاکستان از دهه ۱۹۷۰ می‌پردازد. او استدلال کرد که علمای دینی ضد شیعه، از زمان انقلاب ایران، به طور فزاینده‌ای تشیع را به عنوان یک مشکل سیاسی در نظر می‌گیرند و بر این باورند که این امر از تبدیل شدن پاکستان به شکل واقعی آن، یعنی یک کشور سنی با آرزوی رهبری جهانی، جلوگیری کرده است.

1. Wilferd Madelung

2. The Origins of the Conflict between Sunni and Shi'i Islam

3. Simon Wolfgang Fuchs

4. Gonville and Caius College

5. 'Transnational Shi'ism and the Endangered Promise of Pakistan: Rethinking Sunni-Shi'i Sectarism in South Asia'



سمینار سوم، اقلیت‌های شیعه افغانستان سیاست و تنش‌های فرقه‌ای در طول جنگ دوم افغانستان (۱۸۷۸-۱۸۸۱) توسط خانم فرانچسکا فوولی^۲، دانشجوی دکترا در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن، در ۱۶ نوامبر ارائه شد. مقاله خانم فوولی، به بررسی همکاری بریتانیایی‌ها با هزاره‌های افغانستان - یک گروه شیعه که عمدتاً در مرکز افغانستان وجود دارند - در طول جنگ دوم انگلیس (۱۸۷۸-۱۸۸۱) پرداخته است. وی چنین ادعا کرده است که می‌توان بین سیاست‌های استعماری در دوران اشغال کابل و قندهار و به حاشیه راندن و تبعیت هزاره‌ها پس از جنگ توسط دولت کابل ارتباط برقرار کرد.

دکتر توبی متیسن^۳، پژوهشگر ارشد در روابط بین‌الملل خاورمیانه، در مرکز خاورمیانه، کالج سنت آنتونی، دانشگاه آکسفورد، مقاله‌نهایی مجموعه سمینار را با عنوان «فرقه‌گرایی در روابط بین‌الملل: رقابت عربستان و ایران از سال ۱۹۷۹»^۴ ارائه کرد. مقاله دکتر متیسن به رقابت عربستان سعودی و ایران پرداخته است که از سال ۱۹۷۹ بر سیاست منطقه‌ای خاورمیانه مسلط بوده است. این مقاله به بررسی میزان نقش عوامل عقیدتی، در این مورد، تقسیم فرقه‌ای در اسلام بین مسلمانان سنی و شیعه، در روابط بین‌المللی می‌پردازد. با این استدلال که فرقه‌گرایی به طور فزاینده‌ای به عنوان ابزار سیاست خارجی توسط این بازیگران بین‌المللی منطقه‌ای و دیگر بازیگران بین‌المللی منطقه‌ای و به عنوان مبنایی برای تشکیل اتحاد مورد استفاده قرار گرفته است.

1. Afghanistan's Shia minorities. Politics and sectarian tensions during the second Afghan war (1878-1881)

2. Francesca Fuoli

3. Dr Toby Matthiesen

4. Sectarianism in International Relations: The Saudi-Iranian Rivalry since 1979



دوفصلنامه علمی معرفت شیعه ۵۴
سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۴۰۳

قائمة المحتويات

۷ الشيعة وثقافة الأقلية
۱۱ الفقه والمرجعية والتعليم في الإسلام الشيعي الإمامي
۲۹ الأضرار وطرق مواجهة الخلافات داخل الشيعة
۴۵ من التقليدية الأوروبية إلى التشيع الإيطالي
۶۱ مكانة المركز الإسلامي الإمام علي (ع) في هامبورغ في سياق التعددية الثقافية في ألمانيا.
۸۵ ظهور الاستشراق الجديد في الدراسات الشيعية في أمريكا من منظور البروفيسور عبد العزيز ساشادينا.
۹۳ تقرير عن كتاب «دراسة القرآن: تفسير معاصر للقرآن الكريم»
۱۰۷ تعرف على الباحثين للدراسات الشيعية
۱۱۵ خلاصة المقال

الشيعية وثقافة الأقلية

الملخص:

يُعتبر الشيعة الاثنا عشرية، ثاني أكبر مذهب في العالم الإسلامي، أقلية مقارنة بأهل السنة على الصعيد العالمي وفي العديد من البلدان. تتعرض هذه الأقليات لآفات وتحديات تتطلب التعرف عليها وتقديم حلول مناسبة للحفاظ على هويتها ووجودها بين الأغلبية. تتناول هذه المقالة دراسة العوامل المؤثرة في بقاء وتعزيز مجتمعات الأقلية الشيعية. أولاً، يتم التأكيد على أنه يجب على مجتمع الأغلبية ألا يشعر بالتهديد من قبل الأقلية، لأن هذا الأمر يمكن أن يؤدي إلى ردود فعل سلبية ومتشددة. ثانياً، يعتبر الحضور الفعال والمؤثر للأقلية في الهياكل الاقتصادية والاجتماعية والسياسية للمجتمع ضرورياً لبقائها ونموها. ثالثاً، يعد خلق الوعي الديني بين الأقلية عاملاً أساسياً في الحفاظ على الهوية ونقل المعارف الدينية إلى الأجيال القادمة. رابعاً، إن الحفاظ على الوحدة وتجنب الانقسامات الفكرية والعقائدية داخل مجتمع الأقلية يحميها من التهديدات. خامساً، يعتبر التواصل والتفاعل بين المجتمعات الشيعية في جميع أنحاء العالم وإيجاد حلول لمشاكلها ذا أهمية كبيرة. سادساً، لقد أدت الثورة الإسلامية في إيران، من خلال تقديم صورة قوية ومدافعة عن المظلومين للشيعة، إلى تعزيز مكانتها بين مسلمي العالم. في الختام، تؤكد المقالة على أن الشيعة، بالاعتماد على تعاليم القرآن والسنة وأهل البيت عليهم السلام، يجب أن يقدموا صورة عقلانية ومتقدمة وحضارية لأنفسهم ليتمكنوا في عالم اليوم من تقديم معنى جديد.

الكلمات المفتاحية: الشيعة، الأقلية، أهل السنة، المجتمع

الفقه والمرجعية والتعليم في الإسلام الشيعي الإمامي

الملخص:

مشروع «الفقه والمرجعية والتعليم في الإسلام الشيعي الإمامي» هو أحد أهم المشاريع البحثية في مجال الدراسات الشيعية في الغرب، والذي تم تنفيذه في جامعة إكستر بالمملكة المتحدة.

يهدف هذا المشروع الذي استمر خمس سنوات، بإشراف مجلس البحوث الأوروبي، من ٢٠١٦ إلى ٢٠٢٢، إلى مراجعة أساسية للبحث الأكاديمي في الفقه الإسلامي ومؤسسته ذات الصلة. تشمل الأهداف الرئيسية لهذا المشروع: فهم الهيكل الفكري والتشغيلي للنظام القانوني الإسلامي في القرنين العشرين والحادي والعشرين؛ تحدي التركيز الحصري على التطورات القانونية للمسلمين السنة وإنتاج أبحاث متقدمة حول التقاليد القانونية غير السنية، وخاصة الفقه الشيعي الإمامي؛ دراسة النظريات المتعلقة بتكوين المدارس القانونية الإسلامية، العلاقة بين النظريات القانونية وأصول الفقه؛ تحديد مصطلح «الشريعة» بدقة ودراسة المناهج والنظريات التي يستخدمها العلماء في دراساتهم الدينية؛ والإجابة في النهاية على السؤال عما إذا كان الفقه الشيعي لديه القدرة على استبدال المذاهب الإسلامية الأخرى أو مواجهتها ومعارضتها. تم تمويل هذا المشروع من قبل الاتحاد الأوروبي بميزانية قدرها ٢٢ مليون يورو، ويقوده البروفيسور روبرت جليف. يشمل الأعضاء الأكاديميون والأساتذة الرئيسيون في هذا المشروع كميل رجاني، ورها رفيعي، وأمين إحتشامي، وكاميرون زرغر، ووسام حلوي، وسجاد مكية. تشمل مجالات البحث في هذا المشروع فهم النظام القانوني الشيعي وقدرته على التطور والتغيير، والمدرسة الإمامية، والنظرية القانونية/ أصول الفقه، والفتاوى والفقه. تم تقديم مخرجات هذا المشروع في شكل كتب ومقالات وندوات وورش عمل.

الكلمات المفتاحية: الفقه، المرجعية، الشيعة، جامعة إكستر، الشريعة

الأضرار وطرق مواجهة الخلافات داخل الشيعة

الملخص:

الخلافات داخل الشيعة هي ظاهرة تاريخية، لكن شكلها وطبيعتها قد تغيرت في العصر الحديث بسبب عوامل مثل الإعلام والسياسة والمنافسة الاقتصادية. هذه الخلافات لا توجد فقط بين الشيعة، ولكن أيضاً في الأديان والمجموعات الاجتماعية الأخرى، مما يشير إلى أزمة عامة في التماسك والوحدة. يلعب التخلف، وخاصة الافتقار إلى الشجاعة الأخلاقية، دوراً مهماً في تفاقم هذه الخلافات. الحساسية تجاه أصحاب الآراء المختلفة، والتخلف الثقافي، وعدم القدرة على استخدام التقنيات الحديثة بشكل صحيح، والتدخل الخارجي هي من بين العوامل الرئيسية التي تساهم في هذه الخلافات. التنمية والخروج من العزلة، والمشاركة الفعالة مع العالم الخارجي، وتبادل الأفكار، والاستفادة من التجارب الإيجابية للمجتمعات الأخرى هي من بين الاستراتيجيات الأساسية للتغلب على التخلف وتقليل الخلافات. تعزيز الثقة بالنفس والهوية المستقلة، والفخر

الحقيقي بالهوية الشيعية والإيرانية، وتجنب التقليد الأعمى يوفر أساساً للتفاعل البناء مع الآخرين. إنشاء قنوات اتصال بين العلماء، واستخدام وسطاء ذوي سمعة طيبة ومعرفة وحيادية لحل القضايا الحرجة والصعبة، أمر ضروري. احتضان التنوع مع الحفاظ على الوحدة، والاعتراف بالفرق بين التنوع والخلاف، والاعتراف بأن الشيعة لديهم ثقافات متنوعة أمر بالغ الأهمية. هذه المقالة، بينما تشخص الخلافات داخل الشيعة، تقدم حلولاً عملية لتقليل هذه الخلافات وتعزيز مكانة الشيعة في العالم.

الكلمات المفتاحية: الخلافات داخل الشيعة، الأضرار، الحلول، الوحدة، التنوع

من التقليدية الأوروبية إلى التشيع الإيطالي

الملخص:

يتناول كتاب «الأزمات والتحويلات الدينية» لمينو ميرشاه ولد ظاهرة اعتناق المواطنين الإيطاليين للمذهب الشيعي. يركز الكتاب على الأفراد الذين ليس لديهم خلفيات مهاجرة، ويسعى للإجابة على سؤال لماذا وكيف يعتنق أشخاص ذوو خلفيات ثقافية أوروبية ومسيحية المذهب الشيعي.

من خلال فحص السياقات الفكرية والتاريخية، يتناول المؤلف دور التقليدية الأوروبية كأساس لهذا التحول الديني. توفر التقليدية، بنقدها للحدثة وبحثها عن القيم التقليدية، وخاصة في الشرق، منصة لقبول التشيع. تلعب شخصيات مثل رينيه غينون ويوليوس إيفولا، بتأكيدهما على الحكمة الخالدة والقيم القديمة، دوراً مهماً في تشكيل هذا المنظور.

تفحص ميرشاه ولد، باستخدام أساليب البحث النوعي، بما في ذلك الإثنوغرافيا والمقابلات، ظاهرة التشيع الإيطالي بشكل تجريبي. وتظهر أن المتحولين الإيطاليين، مع الحفاظ على هويتهم الوطنية، يسعون إلى إنشاء شكل مستقل من التشيع يتوافق مع الثقافة الأوروبية. يتعد هؤلاء الأفراد، الذين يؤكدون على الجوانب الباطنية والوصفية للتشيع، عن السلطة الدينية التقليدية ويسعون إلى إنشاء نماذج جديدة لحياتهم الدينية.

من خلال تقديم صورة لتحديات التحول الديني في العالم الحديث، يدرس هذا الكتاب العلاقة بين التقاليد والدين والهوية في عصر العولمة. ينتقد المؤلف، من خلال طرح أسئلة حول التفسير التقليدي للتشيع واندماجه مع العناصر الفاشية، هذه الظاهرة ويؤكد على ضرورة التفكير النقدي في هذا المجال.

الكلمات المفتاحية: التشيع، إيطاليا، التقليدية، الهوية

مكانة المركز الإسلامي الإمام علي (ع) في هامبورغ في سياق التعددية الثقافية في ألمانيا

الملخص:

تعتبر ألمانيا، التي يبلغ عدد سكانها أكثر من 80 مليون نسمة، ثاني أكثر الدول اكتظاظًا بالسكان في أوروبا، حيث يشكل المقيمون غير الأصليين والأجانب حوالي 20% من سكانها. يتجاوز عدد المسلمين في ألمانيا 6 ملايين، منهم أكثر من نصف مليون من الشيعة. يقدر عدد المساجد والمراكز الإسلامية بأكثر من 2700 مركز. نظرًا لتنوع الجنسيات والثقافات والأديان الموجودة في ألمانيا، يصف العديد من علماء الاجتماع جمهورية ألمانيا الاتحادية بأنها مجتمع متعدد الثقافات ويعتبرون الاعتراف بالثقافات المتنوعة مبدأً لهذا البلد. في هذا الصدد، أبرم المسؤولون في بعض الولايات اتفاقيات واعتمدوا تمييزات إيجابية لصالح بعض الأقليات الثقافية والدينية والعرقية. السؤال المطروح في هذا البحث، إلى جانب دراسة مفهوم التعددية الثقافية وجوانبها، هو كيف تتعامل المراكز الإسلامية في ألمانيا، وخاصة المراكز الشيعية، وتحديدًا المركز الإسلامي الإمام علي (ع) في هامبورغ، مع هذه القضية الثقافية. تشير النتائج إلى أن المراكز الإسلامية، وخاصة المركز الإسلامي الإمام علي (ع) في ألمانيا، نظرًا لوظائفها المتنوعة، بما في ذلك المشاركة الاجتماعية، والتقارب والتماسك الاجتماعي، والمعيارية والأمن الاجتماعي، وتشكيل الهوية وتعزيز الثقافة العرقية، وإضفاء المعنى على الحياة، وإنتاج الروحانية والسلام النفسي في المجتمع، وتعزيز نظام الأسرة، وما إلى ذلك، من خلال تبني واستقبال نهج التعددية الثقافية، تعد جمهورها للعيش في مجتمع متعدد الثقافات. يهدف أداء المراكز الإسلامية، بشكل عام، إلى تعزيز وتعميق سياسات التعددية الثقافية وتشكيل مجتمع قائم على قبول التعدد من النوع المتعدد الثقافات.

الكلمات المفتاحية: التعددية الثقافية، ألمانيا، المركز الإسلامي الإمام علي (ع)، التنوع الديني، التعايش السلمي

ظهور الاستشراق الجديد في الدراسات الشيعية في أمريكا من منظور البروفيسور عبد العزيز ساشادينا

الملخص:

هذا النص هو نتيجة محادثة بين مجموعة من الأساتذة والبروفيسور عبد العزيز ساشادينا في معهد أبحاث العلوم والثقافة الإسلامية في قم. ولد عبد العزيز ساشادينا في عائلة شيعية من أصل هندي

في تنزانيا. وهو حاليًا أستاذ متفرغ في جامعة فيرجينيا ومن بين أبرز علماء الشيعة في أمريكا. تشمل مجالات بحث وتدريس البروفيسور ساشادينا الدراسات الإسلامية، وخاصة التشيع، والأخلاقيات الحيوية، والإسلام في العصر المعاصر، والديمقراطية، وحقوق الإنسان في الإسلام. تشمل كتبه السابقة «منهجية الدراسات الإسلامية في الغرب» (٢٠١٥)، و«التعايش السلمي في الإسلام» (٢٠٠٥)، و«الأخلاقيات الطبية الحيوية الإسلامية» (٢٠١٢). هذا النص هو الجزء الأول من مقابلة معه حول الدراسات الشيعية في الولايات المتحدة، وسيتم تقديم أجزاء أخرى في أعداد لاحقة. يركز هذا القسم على «التطورات في الدراسات الشيعية في الولايات المتحدة بعد حادث ١١ سبتمبر». تشمل هذه التطورات ظهور نهج الاستشراق الجديد في الاستشراق، والنماذج المطروحة في الدراسات الشيعية، ووجود الباحثين الإيرانيين والإسرائيليين في مجال الدراسات الشيعية ودورهم وتأثيرهم على هذا المجال من الدراسة.

الكلمات المفتاحية: الاستشراق الجديد، أمريكا، عبد العزيز ساشادينا، الدراسات الشيعية

تقرير عن كتاب «دراسة القرآن: تفسير معاصر للقرآن الكريم»

الملخص:

من بين الأعمال التفسيرية التي كتبها مؤخرًا المستشرقون الجدد المسلمون كتاب «دراسة القرآن». هذا العمل من تأليف مجموعة من الباحثين الغربيين تحت إشراف الدكتور سيد حسين نصر. بدأ تأليف هذا الكتاب بطلب من منشورات هاربرسان فرانسيسكو، التي تسمى الآن هاربر وان، إلى الدكتور سيد حسين نصر. المؤلفون الرئيسيون للكتاب هم اثنان من المستشرقين الأمريكيين الجدد المسلمين، ماريا دكاكي وجوزيف لومبارد، ومسلم أمريكي المولد، جانر داغلي، يرافقهم محرر مساعد أمريكي، محمد رستم. لقد أنشأوا هذا العمل تحت اختيار وإشراف الدكتور سيد حسين نصر. وقد ترجم هذا الكتاب إلى الفارسية الدكتور إن شاء الله رحمتي تحت إشراف مصطفى ملكيان وعنوانه «تفسير معاصر للقرآن الكريم». تم نشر «دراسة القرآن» في مجلد واحد باللغة الإنجليزية، وتمت ترجمته وطباعته ونشره حتى الآن في ثمانية مجلدات باللغة الفارسية، تحتوي على سور من الفاتحة إلى الحديد.

الكلمات المفتاحية: دراسة القرآن، تفسير معاصر للقرآن الكريم، سيد حسين نصر، نقاط القوة

والضعف

تعرف على الباحثين للدراسات الشيعية

الملخص:

أندرو نيومن، مؤرخ وعالم إسلامي بريطاني، وأستاذ الدراسات الإسلامية والشرق أوسطية، لديه نشاطات واسعة في مجال الدراسات الشيعية. تخرج من جامعة كاليفورنيا ويعمل حاليًا في قسم دراسات الإسلام والشرق الأوسط. تشمل مجالات تدريسه وبحثه تاريخ الشيعة الاثني عشرية، وتاريخ الفقه الإسلامي، ودراسات الحديث، وتاريخ إيران، وتاريخ وثقافة الشرق الأوسط، واللغة والأدب الفارسي، والأدب العربي الحديث.

تركز مشاريعه البحثية على تاريخ وتطور الشيعة الاثني عشرية حتى نهاية العصر الصفوي، والشخصيات الهامة والإمبراطورية الصفوية، وتاريخ وعقائد الشيعة الاثني عشرية المبكرة. نشر نيومن العديد من الأعمال في مجال الشيعة تتناول دور الطبقات الدنيا في العصر الصفوي، وفكر باقر المجلسي، والمناظرات الشيعية في القرنين العاشر/السادس عشر، والتصوف والصفوية، والخطاب الروحي المتأخر للصفوية، والنزاعات المذهبية في العصر الصفوي، وحياة المجتمع الشيعي الاثني عشرية في القرن الثامن عشر.

بالإضافة إلى أعماله المكتوبة، لدى نيومن نشاطات أخرى في مجال التشيع. وهو المسؤول عن موقع «شيعة نيوز» الذي يعمل كقائمة بريدية للناشطين الأكاديميين وغير الأكاديميين في مجال الدراسات الشيعية وينشر الأخبار والأحداث ذات الصلة. كما أدار مشروعًا بحثيًا متعدد السنوات بعنوان «استعادة الأصوات المفقودة» والذي يتناول دراسة دور وتصوير الطبقات الدنيا الإيرانية/الفارسية من القرن الثالث عشر حتى العصر الحديث. كما نظم نيومن في عام ۲۰۱۵ سلسلة ندوات بعنوان «النزاع الشيعي السني في الإسلام: الماضي والحاضر والمستقبل» بحضور أساتذة بارزين تناولت دراسة الجذور التاريخية والمعاصرة لهذا النزاع والعوامل المؤثرة فيه.

الكلمات المفتاحية: دراسات شيعية، نيومن، الصفوية، تاريخ، حديث

Keywords: The Study Quran, A Contemporary Interpretation of the Holy Qur'an, Seyyed Hossein Nasr, Strengths and Weaknesses

Introducing Scholars of Shia Studies

Abstract

Andrew Newman, a British historian and Islamicist, and a professor of Islamic and Middle Eastern Studies, has extensive activities in the field of Shia studies. He graduated from the University of California and is currently working in the Department of Islamic and Middle Eastern Studies. His teaching and research areas include the history of Twelver Shi'ism, the history of Islamic jurisprudence, Hadith studies, the history of Iran, the history and culture of the Middle East, Persian language and literature, and modern Arabic literature. His research projects focus on the history and development of Twelver Shi'ism up to the end of the Safavid period, prominent figures and the Safavid Empire, and the early history and doctrines of Twelver Shi'ism. Newman has published numerous works in the field of Shia Islam, addressing the role of subalterns in the Safavid era, the thought of Baqer al-Majlesi, Shia polemics in the tenth/sixteenth centuries, Sufism and the Safavids, late-Safavid spiritual discourse, religious conflicts in the Safavid era, and the life of the Twelver Shia community in the eighteenth century.

In addition to his written works, Newman has other activities in the field of Shi'ism. He is responsible for the "Shii News" website, which serves as an email list for academic and non-academic activists in the field of Shia studies and publishes relevant news and events. He has also managed a multi-year research project titled "Recovering Lost Voices," which examines the role and depiction of Iranian/Persianate subalterns from the thirteenth century to the modern period. In 2015, Newman also organized a seminar series titled "Shii-Sunni Conflict in Islam: Past, Present and Future" with the participation of prominent professors, which addressed the study of the historical and contemporary roots of this conflict and the factors influencing it.

Keywords: Shia Studies, Newman, Safavid, History, Hadith

Professor Abdulaziz Sachedina at the Academy of Islamic Sciences and Culture in Qom. Abdulaziz Sachedina was born into a Shi'a family of Indian descent in Tanzania. He is currently a full professor at the University of Virginia and among the most renowned Shi'a scholars in America. Professor Sachedina's research and teaching areas include Islamic studies, particularly Shi'ism, bioethics, Islam in the contemporary era, democracy, and human rights in Islam. His previous books include "Methodology of Islamic Studies in the West" (2015), "Peaceful Coexistence in Islam" (2005), and "Islamic Biomedical Ethics" (2012). This text is the first part of an interview with him about Shi'a studies in the United States, and other parts will be presented in future issues. This section focuses on "developments in Shi'a studies in the United States after the September 11th incident." These developments include the emergence of a neo-Orientalist approach in Orientalism, the paradigms in Shi'a studies, and the presence of Iranian and Israeli researchers in the field of Shi'a studies and their role and impact on this field of study.

Keywords: Neo-Orientalism, America, Abdulaziz Sachedina, Shi'a Studies

A Report on the Book "The Study Quran: A Contemporary Interpretation of the Holy Qur'an»

Abstract

One of the interpretive works recently written by neo-Muslim Orientalists is the book "The Study Quran." This work is written by a group of Western researchers under the editorship of Dr. Seyyed Hossein Nasr. The writing of this book began at the request of HarperSanFrancisco Publications, now called HarperOne, to Dr. Seyyed Hossein Nasr. The main authors of the book are two neo-Muslim American Orientalists, Maria Dakake and Joseph Lumbard, and an American-born Muslim, Caner Dagli, accompanied by an American assistant editor, Mohammed Rustom. They created this work under the selection and supervision of Dr. Seyyed Hossein Nasr. This book has been translated into Persian by Dr. Enshallah Rahmati under the supervision of Mostafa Malekian and is titled "A Contemporary Interpretation of the Holy Qur'an." "The Study Quran" has been published in one volume in English and has so far been translated, printed, and published in eight volumes in Persian, containing the surahs from Al-Fatiha to Al-Hadid.

The Position of the Imam Ali (AS) Islamic Center in Hamburg in the Context of Cultural Pluralism in Germany

Research Article

دوفصلنامه علمی
معرفت شیعه/۵

سال سوم، شماره ۵

بهار و تابستان ۱۴۰۳

Vol. 3, Spring and
Summer 2024, No 5

| 7 |

Abstract

Germany, with a population of over 80 million, is the second most populous country in Europe, with approximately 20% of its residents being non-native and foreign. The number of Muslims in Germany exceeds 6 million, with over half a million of them being Shi'as. The number of mosques and Islamic centers is estimated to be over 2,700. Given the diversity of nationalities, cultures, and religions present in Germany, many sociologists describe the Federal Republic of Germany as a multicultural society and consider the recognition of diverse cultures as a principle for this country. In this regard, officials in some states have entered into agreements and approved positive discriminations in favor of certain cultural, religious, and ethnic minorities. The question posed in this research, alongside examining the concept of cultural pluralism and its aspects, is how Islamic centers in Germany, especially Shi'a centers, and specifically the Islamic Center Imam Ali (AS) in Hamburg, deal with this cultural issue. Findings indicate that Islamic centers, particularly the Islamic Center Imam Ali (AS) in Germany, due to their diverse functions, including social participation, social convergence and cohesion, social normativity and security, identity formation and strengthening of ethnic culture, giving meaning to life, producing spirituality and psychological peace in society, strengthening the family system, etc., by embracing and welcoming the approach of cultural pluralism, prepare their audiences for living in a multicultural society. The performance of Islamic centers, in general, is aimed at strengthening and deepening the policies of cultural pluralism and shaping a society based on the acceptance of plurality of the multicultural type.

Keywords: Cultural pluralism, Germany, Islamic Center Imam Ali (AS), religious diversity, peaceful coexistence

The Emergence of Neo-Orientalism in Shi'a Studies in America from the Perspective of Professor Abdulaziz Sachedina

Abstract

This text is the result of a conversation between a group of professors and

Research Article

دوفصلنامه علمی
معرفت شیعه/5

سال سوم، شماره 5
بهار و تابستان 1403

Vol. 3, Spring and
Summer 2024, No 5

| 6 |

others. Establishing communication channels among scholars, using reputable, knowledgeable, and impartial mediators to resolve critical and difficult issues, is essential. Embracing diversity while maintaining unity, recognizing the difference between diversity and disagreement, and acknowledging that Shi'as have diverse cultures are crucial. This article, while diagnosing intra-Shi'a disagreements, provides practical solutions for reducing these disagreements and enhancing the position of Shi'as in the world.

Keywords: Intra-Shi'a disagreements, harms, solutions, unity, diversity

From European Traditionalism to Italian Shi'ism

Abstract

The book "Crises and Religious Conversions" by Mino Mirshahvalad explores the phenomenon of Italian citizens converting to Shi'a Islam. Focusing on individuals without immigrant backgrounds, the book seeks to answer why and how people with European and Christian cultural backgrounds convert to Shi'ism.

By examining intellectual and historical contexts, the author addresses the role of European traditionalism as a foundation for this religious conversion. Traditionalism, with its critique of modernity and search for traditional values, especially in the East, provides a platform for the acceptance of Shi'ism. Figures like René Guénon and Julius Evola, with their emphasis on perennial wisdom and ancient values, play a significant role in shaping this perspective.

Mirshahvalad, using qualitative research methods, including ethnography and interviews, empirically examines the phenomenon of Italian Shi'ism. She shows that Italian converts, while maintaining their national identity, seek to create an independent form of Shi'ism compatible with European culture. These individuals, emphasizing the esoteric and mystical aspects of Shi'ism, distance themselves from traditional religious authority and seek to establish new paradigms for their religious lives.

By presenting a picture of the challenges of religious conversion in the modern world, this book examines the relationship between tradition, religion, and identity in the age of globalization. The author, by raising questions about the traditionalist interpretation of Shi'ism and its integration with fascist elements, critiques this phenomenon and emphasizes the necessity of critical thinking in this area.

Keywords: Shi'ism, Italy, Traditionalism, Identity

revise academic research on Islamic jurisprudence and its related institutions. The main objectives of this project include: understanding the intellectual and operational structure of the Islamic legal system in the 20th and 21st centuries; challenging the exclusive focus on Sunni Muslim legal developments and producing advanced research on non-Sunni legal traditions, particularly Imami Shi'i jurisprudence; examining theories related to the formation of Islamic legal schools, the relationship between legal theories and principles of jurisprudence; accurately defining the term "Sharia" and examining the methods and theories used by scholars in their religious studies; and ultimately answering the question of whether Shi'i jurisprudence has the capacity to replace other Islamic schools or confront and oppose them. This project, funded by the European Union with a budget of 2.2 million euros, is led by Professor Robert Gleave. Key academic members and professors of this project include Kumail Rajani, Raha Rafiei, Amin Ehteshami, Cameron Zargar, Wissam Halawi, and Sajjad Makiya. The research areas of this project include understanding the Shi'i legal system and its capacity for development and change, the Imami school, legal theory/principles of jurisprudence, and fatwas and jurisprudence. The outputs of this project have been presented in the form of books, articles, and seminars and workshops.

Keywords: Fiqh, Marja'iyya, Shi'a, University of Exeter, Sharia

Harms and Solutions for Dealing with Intra-Shi'a Disagreements

Abstract

Intra-Shi'a disagreements are a historical phenomenon, but their form and nature have changed in the modern era due to factors such as media, politics, and economic competition. These disagreements exist not only among Shi'as but also in other religions and social groups, indicating a general crisis in cohesion and unity. Backwardness, especially a lack of moral courage, plays a significant role in exacerbating these disagreements. Sensitivity towards those with differing views, cultural backwardness, inability to properly use new technologies, and external interference are among the main factors contributing to these disagreements. Development and breaking out of isolation, active engagement with the outside world, exchange of ideas, and utilizing the positive experiences of other societies are among the fundamental strategies for overcoming backwardness and reducing disagreements. Strengthening self-confidence and independent identity, genuine pride in Shi'a and Iranian identity, and avoiding blind imitation provide a basis for constructive interaction with

Shia and the Culture of the Minority

Abstract

Twelver Shia Muslims, as the second-largest denomination in the Islamic world, are considered a minority compared to Sunni Muslims globally and in many countries. These minorities face vulnerabilities and challenges that require understanding and the provision of appropriate solutions to preserve their identity and existence within the majority. This article examines the factors affecting the survival and strengthening of Shia minority communities. Firstly, it is emphasized that the majority community should not feel threatened by the minority, as this can lead to negative and harsh reactions. Secondly, the active and effective presence of the minority in the economic, social, and political structures of society is essential for their survival and growth. Thirdly, creating religious self-awareness among the minority is a key factor in preserving identity and transmitting religious knowledge to future generations. Fourthly, maintaining unity and avoiding intellectual and ideological divisions within the minority community protects them from threats. Fifthly, communication and interaction among Shia communities worldwide and finding solutions to their problems are of great importance. Sixthly, the Islamic Revolution in Iran, by presenting a powerful and defender-of-the-oppressed image of Shia Islam, has enhanced its position among the world's Muslims. Finally, the article emphasizes that Shia Muslims, relying on the teachings of the Quran, the Sunnah, and the Ahl al-Bayt (peace be upon them), must present a rational, progressive, and civilizational image of themselves to be able to offer a new meaning in today's world.

Keywords: Shia, Minority, Sunni, Society

Law, Authority and Learning in Imami Shi'ite Islam

Abstract

The "Law, Authority and Learning in Imami Shi'ite Islam" project is one of the most significant research endeavors in the field of Shi'i studies in the West, conducted at the University of Exeter, UK. This five-year project, supervised by the European Research Council, from 2016 to 2022, aimed to fundamentally

Table of Content

Shia and the Culture of the Minority	7
Law, Authority and Learning in Imami Shi'ite Islam.....	11
Harms and Solutions for Dealing with Intra-Shi'a Disagreements.....	29
From European Traditionalism to Italian Shi'ism.....	45
The Position of the Imam Ali (AS) Islamic Center in Hamburg in the Context of Cultural Pluralism in Germany.....	61
The Emergence of Neo-Orientalism in Shi'a Studies in America from the Perspective of Professor Abdulaziz Sachedina.....	85
A Report on the Book "The Study Quran: A Contemporary Interpretation of the Holy Qur'an).....	93
Introducing Scholars of Shia Studies.....	107
Abstract.....	1

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



Managing Editor:
Seyed Mahdi Alizadeh Mousavi

Editorial Board:

Reza Berenjkar

Full Professor of University of Tehran

Imdad Turan

Assistant Professor of University of Religions
and Denominations

Mohammad Hasan Zamani

Assistant Professor of Al-Mustafa University

Mohammad Taqi Sobhani

Head of Imamate Cultural Foundation

Reza Mokhtari

Head of the Shiite bio-Bibliographical Institute

Seyed Abolhasan Navab

Head of the University of Religions and
Denominations

Ma'rifat-i Shi'a (Shi'a Knowledge):

A bi-Quarterly Research Journal

Vol. 3, Spring and Summer 2024, No. 5

Editor in Chief:

Seyed Hamed Alizadeh Mousavi

Page Setup: Nader Barqhi

Designer: Morteza Fathollahi

License No.: 83154

Address: No. 27, Alley 19,
Shahid Fatemi St, Qom, Iran.

Postal Code: 3715655756

Site: Shiaknowledge.com

Email: marefatshia@gmail.com

Eitaa: 09052995341